

شماره ۵۰

فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی | برای معلمان، مدرسان و دانشجویان |
دوره پانزدهم | شماره ۲ | زمستان ۱۳۹۶ | ۸۰ صفحه | ۲۰۰۰۰ ریال | پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۰۹
www.roshdmag.ir


- گام‌های نخستین خط
- در گر افیک با تأکید بر خطوط سستی
- کاغذ ابری مهارت و تخیل با هم
- هنر قصه
- راز جذابیت تدریس
- هنر ایلام، دیار مقاومت
- تاج طاووس
- ربود و کمر کیخسرو







وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
شرکت آست

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: کاوه تیموری
مدیر داخلی: مارال یغماییان
هیئت تحریریه:
مرضیه پناهیان پور
علاءالدین کیلاشکی
مهدی الماسی
مجنتی بابائیان
حمید قاسم زادگان
محمود حاجی آقایی
مهسا قبابی
ویراستار: افسانه طباطبایی
طراح گرافیک: مجید کاظمی
طراح نشانه فصلنامه: کوروش پارسنازاد
طراح یونیفورم جلد: علیرضا پورحنیفه
عکاس: ابراهیم سیسان
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۶۵۸۵
تلفن ۹ ۸۸۸۳۱۱۶۱ / ۲۱ (داخلی ۴۱۱)
نمبر: ۸۸۴۹۰۱۰۹
وبگاه: www.roshdmag.ir
پيامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۰۹
roshdmag: 
پيامنگار: honar@roshdmag.ir
تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۱۳
کد مشترکین: ۱۱۴
تلفن بازرگانی:
۰۲۱-۸۸۸۶۳۰۸
شمارگان: ۵۰۰ نسخه

یادداشت سردبیر

تدریس هنر، جام لبریز ذوق و احساسات / سردبیر ۲

گفت‌گو

تاج طاووس ربود و کمر کیخسرو / رشد آموزش هنر ۴

تحلیل نگارگری

شرحی بر اثر نگارگری فرزند ایران / رضا بدرالسماء ۱۷

هنر در استان

ایلام، دیار مقاومت (گفت‌وگو با معلمان هنر) / رشد آموزش هنر ۱۸

گزارش

مشق شکفتن / سردبیر ۲۹

هنر در آیینة پژوهش

علاقمند کردن دانش آموزان به درس هنر در دوره متوسطه اول / ریحانه مهرآوران ۳۲

نقد کتاب درسی

نگاهی بر هنر پایه دهم و چالش‌های روبه‌رو / علی شریف کاظمی ۳۴

میزگرد

هنر قصه، راز جذابیت تدریس / رشد آموزش هنر ۳۶

مقاله

قیمت مرد به قدر هنر است / علی اکبر قاسمی گل افشانی ۴۴

مقاله

آموزش خلاقیت در هنر تصویرسازی / هما رضازاده ۴۶

مقاله

گام‌های نخستین خط در گرافیک، با تأکید بر خطوط سنتی / کاوه تیموری ۵۴

گفت‌وگو

معلم هنر باید تخیل خلاق دانش آموزان را پرورش دهد / پای صحبت محمد میلانی ۶۷

معرفی و تحلیل کتاب

بر دو بال خط و تاریخ / محمدعلی اشرفی ۷۲

مقاله

نگاهی به آثار استاد فرشچیان در کتاب‌های درسی / امیررضائی نبرد ۷۴

معرفی و تحلیل کتاب

کاغذ ابری مهارت و تخیل با هم ۷۶

معرفی و تحلیل کتاب

فرهنگ‌نامه هنر، آیین‌های برای هنرهای مدرسه / رشد آموزش هنر ۷۸

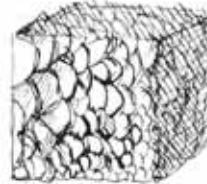
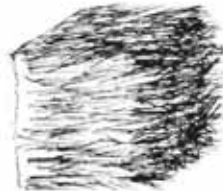
قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مجله رشد آموزش هنر، آثار هنرمندان، استادان و صاحب‌نظران، به‌ویژه معلمان و مدرسان هنر و نیز، هنرجویان و دانشجویان رشته‌های هنری را که در نشریات عمومی منتشر نشده باشد، برای چاپ می‌پذیرد. ● مطالب ارسالی باید با اهداف کلان آموزش هنر در نظام آموزشی کشور هم‌خوان باشد و به حل مشکلات ریز و درشت آموزش هنر در مدارس و مراکز رسمی آموزش کمک کند. ● مطالب باید با خطی خوانا بر یک روی کاغذ نوشته شود و حاشیه صفحه و فاصله سطرها برای اعمال ویرایش مناسب باشد. ● حجم مقالات از ۱۵ صفحه دست‌نویس و ده صفحه حروف‌چینی شده بیشتر نباشد. ● اگر مطلبی، عکس یا تصویر و جدول و نمودار دارد، جای قرار گرفتن آن‌ها در حاشیه صفحات مشخص شود و تمام موارد به‌صورت لوح فشرده (با فرمت tif یا jpeg و dpi حداقل سیصد) همراه متن فرستاده شود. ● کپی صفحات اصلی متن ترجمه ضمیمه شود تا در صورت لزوم، بررسی صحت ترجمه و همخوانی آن با متن اصلی ممکن باشد. ● اهداف مقاله و چکیده آن همراه پنج کلیدواژه در صفحه‌ای مجزا ضمیمه شود. ● معرفی کوتاه پدیدآورنده، همراه نشانی و مخصوصاً شماره تلفن او در برگه‌ای جدا پیوست باشد. ● پی‌نوشت‌ها و منابع باید کامل و شامل نام نویسنده، مترجم، نام کتاب، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره صفحه باشد. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است. ● مطالب چاپ‌شده، لزوماً بیانگر دیدگاه گردانندگان مجله نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی، با پدیدآورنده است. ● دفتر مجله از نگهداری یا بازگرداندن مطالب رد شده، جز در موارد خاص، معذور است. ● ترتیب چاپ مطالب به معنای درجه‌بندی و ارزش‌گذاری نیست، بلکه بر حسب ملاحظات فنی و رعایت تناسب و تنوع است.



روی جلد: از مجموعه موزه خانوادگی شیخ موسی کاظم حاجی ملیخ وولکیچی.





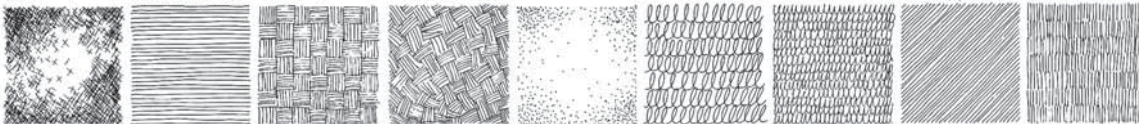
تدریس هنر جام‌لبریز ذوق و احساسات

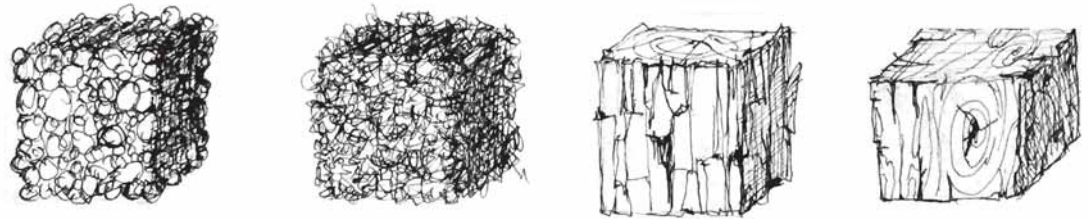
و عشقم همچنان باقی!» به‌راستی عشق به معلمی شاه‌فکر و نقطه‌آغازین و مبنایی در کار سترگ تدریس و درس‌آموزی است. من این شور و حال تدریس معلم هنر را با هیچ مؤلفه و متغیر دیگر قابل قیاس نمی‌دانم. عشق به معلمی اصل و میناست و عشق به معلمی در هنر مبنایی‌تر و پایه و اصل تدریسی عاشقانه و اثرگذار است که دانش‌آموز را اسیر و گرفتار رفتار و منش معلمش می‌کند. نظامی در «لیلی و مجنون» گفته است: من قوت ز عشق می‌پذیرم

گر میرد عشق من بمیرم
پرورده‌ عشق شد سرشتم
جز عشق مباد سرنوشتم

عشق زیربنای هنر است و تدریس هنر محملی برای عرضه کردن احساس و ذوق و شوق معلم هنر به شمار می‌آید. تدریس با چنین پایه‌ومایه‌ای کلاس را به **نیایشگاه زیبایی** تبدیل می‌کند و آنجاست که اثر کیمیایی هنر بر هرکسی عیان می‌شود. از این موضوع مهم که بگذریم، یکی از دغدغه‌های معلمان هنر سپردن ۶ ساعت تدریس مقوله‌ مهم و فرادرسی هنر به مدیران و معاونان مدارس است. ضمن ارج گذاردن به ارتباط مدیر و معاون مدرسه با کلاس و درس و بحث، باید اشاره کرد که تدریس هنر

فیلم‌هایی که در جشنواره نوآوری در فرایند تدریس (تبریز شهریور ۱۳۹۶) به نمایش درآمد، جلوه‌ای از تلاش‌های عاشقانه معلمان هنر را روایت می‌کرد. در این فیلم‌ها معلمانی را دیدم که تمام وجودشان را در حین تدریس و هنگام بیان راز و رمزها، نکته‌ها و فرازهای درس هنر فراموش کرده بودند. گویی سخن حافظ را معنا می‌کردند؛ آنجا که گفته است: «تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز!» شوری نهانی از نهاد سوزان معلم هنر نیروی پیشران و قوه محرکه تدریسی پویا، دل‌نشین و اثرگذار بود. یادم آمد معلم هنر سال‌های دورم را که می‌گفت آن‌چنان غرق تدریس بودم که درنیافتم در گذر زمان آرام‌آرام بی‌آنکه خود متوجه شوم از قوای جسمانی، نور چشم و قدرت شنوایی‌ام کاسته شده است و چه عاشقانه کلام سعدی می‌خواند که «تم فرسود و عظم رفت

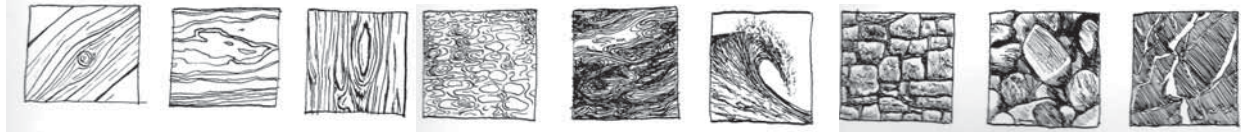




و بلوچستان، یزد، بوشهر، خراسان رضوی و ایلام هم‌نشینی با دبیران هنر انجام شود که به تدریج و بر اساس ظرفیت در سه فصلنامه مجله در سال انعکاس خواهد یافت، اما سخن اصلی این است که دبیران و سرگروه‌های استان‌ها و شهرها و مناطق در حرکتی خودجوش، ابتکارات و تجارب ارزنده تدریس هنر را برای درج در مجله ارسال کنند؛ هرچند که دیدار با دبیران هنر در سطح کشور تداوم خواهد یافت و از این خرمین توشه‌هایی برای کل دبیران به ارمغان خواهد آمد. کلام آخر اینکه معلمان گران‌قدر و پیشکسوت هنر، به‌ویژه در گروه‌های آموزشی، راه را برای ورود و حضور فعال دبیران جوان هنر باز کنند. همیشه ترکیب دبیران باتجربه و کارکشته با دبیران باتگیزه و جوان، قوی و اثر آفرین است. این روش برای انتقال تجارب بسیار پاسخگوست و به پویایی بیشتر تعلیم و تربیت هنر کمک می‌کند. برای شما همکاران خوب بهترین لحظات ناب تدریس هنر را در کلاس آرزو دارم و بر این باورم که شما نیز در این زمینه با من همراهید که «تدریس هنر همیشه پویاست» به امید تجربه‌های نو و تازه!

سردبیر

آمیزه‌ای از تخصص هنری و عشق به معلمی است و چون «جمع شد معانی گوی بیان توان زد»؛ اگر مدیر و معاون توانمندی خود را شایسته تدریس هنر در دوره متوسطه اول می‌داند، باید توان او را به گرمی ستود اما اگر این شیوه امری «برنامه پر کن» و «به جهت رفع تکلیف» باشد، جفایی است که به درس هنر، معلم هنر و دانش‌آموز علاقه‌مند می‌شود مجله رشد هنر اذعان می‌دارد که این رویه، باعث نگرانی شمار قابل توجهی از دبیران هنر شده است و از این‌رو، بر آن است که برای چاره‌اندیشی در این باره مسائل و مشکلات آن‌ها را منعکس کند. گرچه بنا بر خبرهایی که به گوش می‌رسد، گویی این بخشنامه لغو شده یا در آستانه تغییر و تحول است. باین حال، شایسته است مدیران و معاونان گران‌قدر در حوزه تخصصی خود تدریسی اثرگذار و نگرش آفرین را وجهه همت خویش قرار دهند. از این نکته نیز که بگذریم دیدارهای استانی با دبیران هنر و انعکاس آن در فصلنامه رشد آموزش هنر با اقبال همکاران روبه‌رو شده و سرگروه‌های آموزش هنر در استان‌ها برای برگزاری این نشست‌ها و استفاده از دیدگاه‌های آن‌ها پیشگام شده‌اند. تاکنون توفیق رفیق این طریق بوده که در استان‌های آذربایجان شرقی، سیستان





اشاره

بیش از سی سال است که در آغاز کتاب‌های درسی پرتره کم‌نظیری از بنیان‌گذار جمهوری اسلامی نقش بسته است. این تصویر باشکوه از قلم‌موی هنرمندی اصیل و صادق بر صفحه بوم نقش‌انداز شده و جاودانگی آن نیز ریشه در خلوص نقاش داشته است. استاد کیخسرو خروش هنرمند ذوابعد و صاحب سبک در نقاشی رئالیسم و خوشنویسی نستعلیق است. وی در کارنامه خود پنجاه سال پرتلاش را ثبت کرده است که هر لحظه آن را می‌توان مغتنم داشت. استاد خروش کتاب‌های زیادی را خوشنویسی کرده که هر کدام از آن‌ها برگه‌ای از تاریخ خوشنویسی کشور است. در این گفت‌وگو بحث اصلی حول محور هنر خط است و سرگذشت این هنر مرور شده است. ضمن آرزوی سلامتی و توفیق برای استاد خروش با هم این گفت‌وگو را می‌خوانیم.

تاج طاووس ربود و کمر کیخسرو

گپ‌وگفت با استاد کیخسرو خروش
چهره ماندگار هنر

رشد آموزش هنر



تیموری

در خدمت استاد کیخسرو خروش، چهره ماندگار هنر، هستیم. استاد، لطفاً مقدمه‌ای درباره خودتان بفرمایید تا کم‌کم پیش برویم.

استاد خروشی

من متولد چهارم اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۰ شمسی هستم. دوران ابتدایی را تا کلاس سوم در دبستان و دبیرستان خرد، واقع در امیریه تهران گذراندم. از کلاس چهارم منزل ما به محله دروس منتقل شد. در آنجا دبستان را تمام کردم و وارد دبیرستان خیام شدم. بعد به دبیرستان دیگری منتقل شدم که نام آن فردوسی بود. تا دیپلم هم در همان دبیرستان بودم.

در دوران دبیرستان هم کلاسی‌هایی داشتید که اهل هنر باشند؟

خیر. هنرمندان قلهک که الآن معروف‌اند، همانند آیدین آغداشلو، مرحوم کیارستمی در دبیرستان دیگری به نام دبیرستان جم تحصیل می‌کردند. آن‌ها در محله ما بودند اما من آن زمان در مدرسه فردوسی بودم.

رشته تحصیلی شما در دوره دبیرستان چه بود؟ من دیپلم ریاضی گرفتم.

آیا در آن زمان از مقوله هنر دور بودید؟

متأسفانه خانواده اجازه نمی‌دادند به دنبال هنر بروم و می‌گفتند فایده ندارد. پس ناخواسته در دبیرستان رشته ریاضی را انتخاب کردم. سال اول دانشکده هنرهای زیبا با آغداشلو و مرحوم کیارستمی هم کلاس شدیم. دوره دانشکده را تا سال ۴۵ در دانشکده هنرهای زیبای تهران گذراندم. هم در زمان ورود به دانشکده و هم در پایان‌نامه تحصیلات نقاشی شاگرد اول بودم. در مدرک دیپلم به شاگرد اولی من اشاره شده بود. آن زمان، دانشگاه شاگردان اول را بورسیه می‌کرد. من هم بورسیه فرانسه بودم؛ منتها چون شاه را به دانشگاه دعوت کردند که به شاگرد اول‌ها مدال بدهد، به ما گفتند درباره بورسیه با او صحبت نکنید؛ چون امسال کسی را به خارج اعزام نمی‌کنیم و می‌خواهیم بودجه‌اش را صرف توسعه دانشگاه کنیم. این بود که ما را بورسیه نکردند. حدود شش-هفت ماه بعد هم از طرف نظام‌وظیفه برای من نامه آمد

که خودتان را معرفی کنید. در آن سال من با یکی از دوستانم که در محله دروس می‌نشست و رشته‌اش مجسمه‌سازی بود، اعزام شدیم.

اسم ایشان را به یاد دارید؟

آقای رزبان بود. من و این دوستانم با هم رفتیم و ما را به شیراز اعزام کردند. محل خدمت من شیراز شد. در مرکز پیاده شیراز بودم.

این مربوط به چه سالی است؟

سال ۴۶. در آن زمان، مادر بزرگم در قید حیات بود و بی‌قراری می‌کرد و نگران من بود. من نامه‌ای به ارتشید ضرغامی - اسم ایشان را درست یادم نیست - نوشتم که محل خدمت مرا تهران قرار دهند. پس از یکی دو ماه که افسر شده بودیم، موافقت شد و مرا رکن دو تهران خواستند. با مرکز پیاده تسویه حساب کردم و به من اجازه دادند که به تهران بیایم. به تهران آمدم و بقیه خدمت خود را در رکن دو سپری کردم. بعد از نظام‌وظیفه دلم می‌خواست موزه‌های نقاشی دنیا را ببینم و پس‌انداز مختصری هم از فروش تابلوهای پرتره داشتم.

در سابقه کاری شما آمده است که خط را در سال ۱۳۴۰ با استاد حسین میرخانی شروع کرده‌اید.

بله.

جایگاه هنری شما در سال ۴۶ به چه صورت بود؟

از بدو ورودم به دانشکده هنرهای زیبا، یکی دو ماه می‌گذشت و من از کلاس‌های آزاد خوشنویسی بی‌خبر بودم. بعد مطلع شدم و بالأخره به یکی از این کلاس‌ها راه پیدا کردم و شاگرد استاد مرحوم حسین میرخانی شدم.

واسطه کار چه کسی بود؟

به اتفاق یکی از هم‌دوره‌ای‌هایم که محل زندگی‌اش در خیابان ناصرخسرو بود، به دفتر دارالکتابه استاد حسین میرخانی مراجعه کردیم.

در کجا بود؟

در ناصرخسرو. ایشان گفتند چه کار دارید؟ من گفتم می‌خواهیم تعلیم خط بگیریم.

احساس نیاز شما به تعلیم خوشنویسی از کجا شروع شد؟

من از دوره ابتدایی خط و نقاشی را دوست داشتم. همان زمان خط می‌نوشتیم و نقاشی هم می‌کردم. بعد از فراغت از تحصیلات متوسطه این علایق را دنبال کردم.

آیا در دوره متوسطه خویش مورد تشویق معلمان قرار گرفته‌اید؟

خیر، ولی احترامی برای من قائل بودند. دوره متوسطه که تمام شد، مجالی برایم فراهم آمد که به دنبال هنر بروم. پس، دو هنر مورد علاقه‌ام، خوشنویسی و نقاشی، را دنبال کردم. شانس آوردم به کلاس‌های آزاد خوشنویسی راه پیدا کردم و بسیار از مرحوم استاد حسین میرخانی محبت دیدم.

اولین سرمشق را به یاد دارید؟

بله. تاج طاووس ربود و کمر کیخسرو! این اولین سرمشق من بود و بعد هفته‌ای یکی دو بار به موازات تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا به کلاس خط می‌رفتم. بالاخره دانشکده تمام شد و ۵-۶ ماه بعد ما به خدمت وظیفه رفتیم. این دوره حدود ۱۸ ماه طول کشید و بعد از آن، خیال مسافرت به اروپا را داشتیم.

می‌خواهم وارد دوره‌ای شوم که در خدمت استاد حسین بودید. کمی از خاطرات ناگفته بگوئید.

استاد حسین و برادر ایشان استاد حسن میرخانی پدیده‌هایی بودند که تکرار نمی‌شوند.

چرا؟

چون زمانه عوض شده و دیدگاه‌ها فرق کرده است. این‌ها از خانواده جلیل‌القدر سادات بودند و بسیار انسان‌های والایی بودند. هر چه بگویم توان توصیف این دو برادر را ندارم. این هم شاید از اقبال ما بود که در زمان چنین استادانی تعلیم خط گرفتیم.

منش و روش استاد حسین در تعلیم چه بود؟

اولاً مبتدی را با اخلاق خود جذب می‌کرد. مبتدی از همان ابتدا به چشم مراد به استاد حسین نگاه می‌کرد. خلق خوش و تشویق‌های او باعث شد جذب ایشان شویم. این ادامه یافت تا اینکه من

پی‌درپی گواهی‌نامه‌های خوشنویسی را گرفتم که آخرین آن‌ها گواهی‌نامه استادی بود. من وقتی به خارج رفتم، با استاد حسین مکاتبه داشتم.

چه سالی به خارج رفتید؟

اواخر سال ۱۳۴۷. من به لندن رفتم و می‌خواستم نقاشی را در آنجا ادامه دهم. با یک استاد آمریکایی دانشگاه هنر برخورد کردم و شرح‌حال خود را به ایشان گفتم. ایشان گفت شما در مملکت خود مدرسه هنری را دیده‌اید و اینجا هم همان است. مدرسه مدرسه است و چیزی به تو اضافه نمی‌کند؛ مگر اینکه مخارج سنگینی بابت ورود به اینجا بدهید و مدرکی نظیر همان که در ایران گرفتید، به شما بدهند. آن زمان نگران مادر بزرگم بودم؛ چون به ایشان به‌خاطر دوری من سخت می‌گذشت. با این حال یک سال در لندن اقامت کردم و مرتب در موزه‌ها بودم.

آثار کلاسیک زمان را بررسی می‌کردید؟

بله. هفته‌ای نبود که یکی دو بار به موزه نروم. نصیحت استاد نقاشی روی من اثر گذاشت؛ چون می‌خواستم در مدرسه مشهور هنر مشغول شوم. یک بار هم مراجعه کردم و گفتند باید به فکر زبان باشید و در آن قدری تبحر داشته باشید. این بود که کلاس زبان می‌رفتم و از ادامه تحصیل انصراف دادم. بعد از یک سال اقامت در لندن، مسافرتی به پاریس داشتم و موزه لوور و سایر موزه‌ها را بازدید کردم.

این بازدیدها بعداً در آثار شما متجلی شد؟ مشق نظری بود. از این بازدیدها خیلی ایده گرفتم.

پس در پرورش ایده‌ها به شما کمک کرد.

بله. بعد از آن هم به ایران بازگشتم. در ایران رابطه‌ام با انجمن خوشنویسان ایران دوباره شروع شد و به من کلاس تعلیم خط دادند.

این مربوط به چه سالی است؟

این مربوط به سال ۵۰-۴۹ است که در انجمن به‌عنوان مدرس انجام‌وظیفه می‌کردم. فعالیت خود را در خط ادامه دادم تا به زمانی رسیدیم که بیماری استاد حسین شدت پیدا کرد و روی چشم ایشان اثر گذاشت و از کارافتاده شدند.

سال ۵۶ این اتفاق افتاد؟

خیر. ایشان آن زمان فعال بودند. تقریباً در شروع انقلاب یعنی سال ۵۷.

آیا در آن زمان کلاس‌ها محدودیت داشتند؟

بد نبود. تعداد شاگردان زیاد بود. البته برای من خسته‌کننده نبود؛ چون جوان بودم و کارایی بیشتری داشتم. از تعلیم شاگرد خسته نمی‌شدم و این کار را دوست داشتم.

در سال ۵۰ که تعلیم شروع شد، خوشنویسی به نام خروش داریم که از لحاظ سبک و شیوه بیشتر وام‌دار استاد حسین میرخانی است. با این حال در این روند ذهن شما فعال است؛ به سایر مکاتب خوشنویسی نیز سرکی می‌کشید و از دیگران هم تأثیر می‌گیرید. سرچشمه‌های مطالعاتی شما در حوزه خوشنویسی چه چیزهایی بودند؟

شروع خط با استاد حسین بود و از مرحوم استاد حسن هم خیلی استفاده کردم؛ چون مرحوم استاد حسن در قسمت ترکیب ویژگی خاصی داشت.

چه ویژگی‌ای داشت؟

در ترکیب ایشان خیلی مطالعه می‌کرد.

منابع مطالعاتی قدما بودند یا معاصرین؟

هیچ کدام. ابتکار خودشان بود. من شیفته نکات ترکیبی ایشان بودم. ضمن اینکه کار خود را انجام می‌دادم، به آثار ایشان هم توجه داشتم.

به محضر ایشان هم می‌رفتید؟

همدیگر را می‌دیدیم و خطم را به ایشان نشان می‌دادم ولی نه آن‌طور که تلمذ کنم. من از آثار ایشان خیلی استفاده کرده و الهام گرفته‌ام. همچنین از عمادالکتاب.

گرایش شما به عمادالکتاب از چه زمانی شروع شد؟

توصیف عمادالکتاب را از برادران میرخانی شنیده بودم. می‌گفتند خط امروز باید برگرفته از شیوه عمادالکتاب باشد؛ چون ایشان خط را به کمال رسانده است. ناگفته نماند که مرحوم استاد حسین و استاد حسن کارهایی در این شیوه کردند اما معتقد به عماد بودند

و می‌گفتند عماد برای پیشبرد شیوه خوشنویسی خیلی زحمت کشیده است.

اگر بخواهیم این‌ها را در یک پیوستار قرار دهیم، دربارهٔ مکتب کلهر چه می‌توانیم بگوییم؟ این مکتب چگونه کامل شد؟ با عماد توسعه یافت و تکمیل شد.

برادران میرخانی در این زمینه چه کردند؟

آن‌ها سلیقه‌های شخصی خود را چاشنی همان دنبالهٔ کلهر و عماد کردند. این است که شما اگر به خط برادران میرخانی نگاه کنید، دقیقاً کلهر و عماد را می‌بینید. علاقهٔ من به عمادالکتاب شدت یافته بود و از سیاه‌مشق‌های ایشان فتوکی‌هایی به دستم می‌رسید. خیلی دقت می‌کردم و احساس می‌کردم من هم ویژگی‌های شخصی خود را در کارم وارد کرده‌ام. یعنی همان سبک و شیوهٔ کلهر و عماد و برادران میرخانی، به‌علاوهٔ سلیقهٔ شخصی خودم که در کارهایم وارد شد.

از چیزهایی که مرحوم عماد اضافه کرده و جناب عالی هم بر آن‌ها صحنه گذاشتید، ترکیب «ه» دو چشم با فرمی که عماد ابداع کرده، تکامل یافته است. از میرخانی‌ها اگر بگوییم بحث «چیدمان» در آثار استاد حسن و «پردازش صفحه» در آثار استاد حسین قابل توجه است. جناب عالی چه گامی در این زمینه برداشتید؟

روش مشق نظری من به این طریق بود که برادران میرخانی و عمادالکتاب را نگاه می‌کردم و بهترین‌ها را برمی‌گزیدم.

آیا اینکه هدفمند وارد مکتب استاد عماد یا برادران میرخانی می‌شدید، از طبع شما بود یا غیرارادی بود؟

دقیقاً سلیقهٔ خود را به کار می‌گرفتم. من بهترین‌ها را از این‌ها گزینش می‌کردم و سعی داشتم از آن‌ها در کار خود استفاده کنم. این کار تا امروز هم ادامه دارد. البته الآن سن من سن خوشنویسی نیست و هر کاری را که باید انجام می‌دادم انجام دادم. الآن با شاگردان، کلاس تعلیمی داریم و من فعالیت خوشنویسی ندارم و بیشتر نقاشی می‌کنم.

با مروری بر آثار شما از دهه ۵۰، درمی یابیم که به طور طبیعی خطمشی استاد حسین و استاد حسن را خیلی خوب دنبال کرده‌اید. ماندگارترین بخش خوشنویسی بخش کتابت است. قطعه به مجموعه‌های خصوصی می‌رود و سرنوشت خاصی پیدا می‌کند ولی کتاب به دامن جامعه می‌آید و توزیع می‌شود و به ترویج این هنر کمک می‌کند و همین برای خوشنویس صاحب کتابت کارنامه پربرگ و پرباری را به ارمغان می‌آورد. در ذهن من آداب مشق باباشاه اصفهانی نقطه عزیمت و اولین کتابت شماست ولی قبل از این هم گویا کتابت داشته‌اید.

کم بود ولی داشتیم. به فرض ضمن اینکه خدمت استاد حسین تعلیم می‌گرفتم، ترجیح‌بند سعدی را به‌عنوان کار تمرینی می‌نوشتیم.

همان‌که می‌گوید «بنشینم و صبر پیش گیرم/ دنباله کار خویش گیرم»؟
بله. آن را نوشتیم.

چقدر این شعر سعدی برای خوشنویسی خوش‌آهنگ است.
من این را دو ماه بعد از تعلیم نوشتیم. می‌خواهم بگویم با کتابت آشنا بودم.

استاد حسین از ذوق و شوق شما و اینکه تا این اندازه مایه‌دار بودید، تعجب نکرد؟
بله. آقای به من یک ترجمه قرآن سفارش داد و من دو صفحه نمونه نوشتیم و به استاد حسین نشان دادم.

چه سالی بود؟
همان سالی که در حال تعلیم بودم. حدود ۳ ماه بود تعلیم می‌گرفتم.

یعنی بعد از ۳ ماه به شما سفارش هم می‌دادند؟
بله. مرحوم استاد حسین استاد بوذری را صدا کرد و گفت ببینید چه خوب کتابت کرده است. استاد حسین خیلی مرا تشویق کرد و گفت صفحه‌ای ۲۲ تومان کمتر بگیریذ ظلم است. من خواستم ایشان راهنمایی کند. به‌صورت جزوه شاید ۵-۶ بار کار کرده بودم.

این دوره تجربه کردن شما بود.

بله. آداب‌المشق من قضیه دارد. من به بازار مراجعه می‌کردم و در آنجا پیگیر سفرنامه میرزا محمد رضا کلهر بودم و پرسیدم سفرنامه ناصرالدین شاه را چه کسی نوشته است.

به دنبال چشمه غنی کتابت کلهر بودید که کار خود را قوی کنید.

بله. فرد صحافی بود که من از او سؤال کردم و گفت سفرنامه قبلاً به دست ما رسیده ولی موجود نیست و الآن ندارم. از ملک‌الخطاطین دارم. یک چاپ سنگی به خط ملک‌الخطاطین آورد. این همان رساله باباشاه بود. من این را خریدم. مطلب را خواندم و دیدم کسی آن را ننوخته است و چقدر خوب است که قوانین دوازده‌گانه خوشنویسی امروز کتابت و نوشته شود.

متن سنگین نبود؟

خیر. روان و خوب بود. آن را نوشتیم و به انجمن آوردم. استاد حسین بسیار تشویق کرد. مرحوم استاد حسن گفت این را برای چاپ به من بدهید. گفتم آقای زعیمی پیشنهاد چاپ به من داده‌اند.

این مربوط به چه سالی است؟

فکر می‌کنم ۵۳ و ۵۴ باشد. دقیق یادم نیست. استاد حسن منصرف شد و گفت فقط نگاه کنم و در حد تشدید و ضمه بگذارم. استاد حسن این را برد و بعد گفت هر جا که تشدید و اعراب نیاز داشت، گذاشتم. خیلی خوششان آمده بود و مرا خیلی تشویق کردند. به هر حال، این کار چاپ شد.

در ساختار انجمن وقت چاپ شد؟

بله. به نام انتشارات انجمن چاپ شد.

اولین کار کتابت شما که چاپ شد چه احساسی داشتید؟

خیلی خوشحال بودم. برای ادامه کار تشویق شدم.

آیا آن موقع احساس کردید که در جرگه خوشنویسان واقعی قرار گرفته‌اید؟

بله. این بود که انجمن به فاصله کوتاهی خیام را به من سفارش داد. داستان خیام به این طریق بود که آقای زعیمی و مرحوم استاد حسین به این نتیجه

آن زمان هم همانند
الآن نبود که همه
مادی فکر کنند. قدری
قانع بودیم. هر کتابی
نوشتیم، که بیشتر آن
را انجمن گرفت، با
حداقل حق الزحمه بود
و من اصلاً نسبت به
این قضیه سودجویی
نداشتم



و پولی کسب می‌شد. آن زمان هم همانند الآن
نبود که همه مادی فکر کنند. قدری قانع بودیم.
هر کتابی نوشتیم، که بیشتر آن را انجمن گرفت، با
حداقل حق الزحمه بود و من اصلاً نسبت به این
قضیه سودجویی نداشتم.

❁ خیام را که نوشتید، استاد حسین گفتند
ادامه دهید.

❁ بله. من این کار را انجام دادم و انجمن چاپ کرد.

❁ این چه سالی است؟

❁ قبل از انقلاب بود؛ فکر می‌کنم ۵۳ یا ۵۴.

❁ چاپ ۲۵۳۶ خورده است. در آن سال چاپ
شده و کتابت آن مربوط به سال ۵۵ بوده
است؟

❁ شاید به فاصله ۴-۵ ماه چاپ شد.

❁ سال ۵۷ یک تحول بزرگ اجتماعی به نام
انقلاب اسلامی را داریم. این تحول بزرگ
در خوشنویسی چه اثری گذاشت؟ شما دوره
قبل را دیده بودید و دوره بعد هم اشتیاق
فراوان هنرجویان را هم دیدید. تحلیل شما
از آن مقطع زمانی چیست؟

❁ به نظر من بعد از انقلاب خط به صورت شکوفاتری
دیده شد. جمعیت بیشتری به دنبال آن آمدند و شاید
علت این بود که هنرهای دیگر هنر روز نبودند. یکی
از عوامل این بود. بالأخره خوشنویسان حمایت شدند
و این هنر ادامه یافت.

رسیدند که خیامی با کار هنرجویان انجمن چاپ
شود. می‌خواستند به هر خوشنویس انجمن یک تا
دو صفحه بدهند که به صورت چلیپایی بنویسند.

❁ جمع‌نویسی بود.

❁ بله، جمع‌نویسی بود و می‌خواستند چاپ کنند. اما
از روزی که اعلام کردند تا مدتی طولانی خبری
نشد. کسی ننوشت. اما من تعدادی نوشتیم. حدود
۳۵ رباعی نوشتیم و پیش استاد حسین آوردم و ایشان
گفت می‌دهم همه را شما بنویسید. شما تقریباً نیمی
از این را نوشته‌اید. آقای زعیمی هم خوشحال شد و
گفت اگر یک خط هم باشد، پاکیزه‌تر خواهد شد تا
اینکه جمع‌نویسی شود.

❁ می‌خواهم برای کسانی که این مصاحبه را
می‌خوانند نتیجه‌گیری کنم. کار اول شما
همین که چاپ شد و آن تجربه ۶-۵ کتابتی
قبل و این خیام، این‌طور نبوده شما سر
جای خود بنشینید منتظر بشوید که
کسی بگوید این را برای ما بنویسید. همه
خودجوش بوده و به عبارتی، نقطه عزیمت
اولیه از خود شما بوده است. نسل جدید
نباید منتظر این باشند که به او بگویند این
مقدار پول را بگیرد و مثلاً دیوان حافظ را
بنویسید. این کار شما چه پیامی دارد؟

❁ برخلاف نقاشی که خواهان زیادی نداشت و به‌ندرت
سفارش نقاشی بود و آن هم بیشتر پرتره بود، از
خط خیلی استقبال می‌شد. یعنی می‌شد روی درآمد
مختصری از این کار حساب کنید. سفارش می‌دادند

کارهای بعدی شما بعد از خیام، مثنوی پیر و جوان بود؟

بله.

آن هم از طریق انجمن به چاپ رسید؟
بله. این سفارش خود مرحوم آقای زعیمی بود.

نقش مدیریتی مرحوم زعیمی در فعالیت‌های خوشنویسی آن زمان چطور بود؟
خیلی خوب بود.

چه می‌کردند؟ هنربان خوبی بودند؟

بله. ایشان به خط خیلی علاقه‌مند بود؛ با اینکه خودش خوشنویس نبود. البته خط تحریر زیبایی داشت. ایشان خوشنویسان را خیلی تشویق و حمایت می‌کرد و مدیر خیلی خوبی بود. می‌توان گفت در انتخاب استاد هم خیلی صاحب‌نظر بود. یعنی استادان خوبی، همانند استاد حسین را حمایت و روی ایشان حساب می‌کرد. استاد حسین آن زمان وزنه‌ای برای تعلیم بود.

استاد حسن زیاد تن به مسئله تعلیم نمی‌داد اما استاد حسین خود را وقف این کار کرد و آقای زعیمی قدر این استاد را می‌دانست. از این نظر، مدیر شایسته‌ای بود.

آثار شما را دنبال می‌کنیم و به نقطه اوجی می‌رسیم که دیوان حافظ است. ماجرای این چه بود؟

کتابت‌های من بیشتر به سفارش آقای زعیمی بود. ایشان گفت انجمن می‌خواهد حافظ چاپ کند.

این مربوط به قبل از انقلاب است؟

بله. گفتند می‌خواهیم شما این کار را انجام دهید. من موافقت کردم. در آن زمان، بیشتر، به سبک استاد حسن، شیرین‌نویسی را دوست داشتیم و طبعم صاف‌نویسی و تند و تیزنویسی را قبول نمی‌کرد.

شیرین‌نویسی چیست؟

آن را نمی‌توان تعریف کرد. این بود که آقای زعیمی می‌خواستند خط خیلی صاف و شسته‌ورفته باشد. تأکیدش در سفارش‌ها و صحبت‌هایی که می‌کرد، روی این بود. من این کار را با رعایت صافی و تندی و تیزنویسی شروع کردم. تقریباً یک سوم حافظ نوشته

شده بود که انقلاب شد و انجمن تحول یافت. من چون بعد از ظهرها - نه هر روز بلکه هفته‌ای دو روز - در انجمن کلاس داشتم، صبح‌ها کتابت حافظ را در انجمن انجام می‌دادم. معمولاً دو صفحه صبح می‌نوشتیم. بقیه کار در انجمن انجام شد.

یکی از سفارش‌های آقای زعیمی وقتی می‌خواست برود این بود که این حافظ را انجمن باید چاپ کند. موقعی که من این را نوشتیم دیدم انجمن رغبتی برای چاپ ندارد. به شورای انجمن نامه نوشتیم و گفتم نیمی از کار را در انجمن انجام داده‌ام و کار هم تمام شده است. اگر قصد چاپ دارید، حق‌التحریر مرا بدهید و این را چاپ کنید. اگر هم قصد چاپ ندارید، به من اطلاع دهید تا این را برای چاپ به ناشر دیگری بدهم.

این‌ها مبلغ ۱۵۰ هزار تومان را پیشنهاد دادند و من هم پذیرفتم. گفتم چون برای انجمن است، ۸۰ هزار تومان را قبول می‌کنم و آن ۱۵۰ هزار تومان را نمی‌خواهم، تا کار را چاپ کنید.

انگیزه‌تان این بود که کار ارزشمند شما چاپ شود؟

بله. آن زمانی بود که مرحوم استاد حسین نابینا شده بود. صبح‌ها تلفنی با او در تماس بودم و اوضاع را برایش شرح می‌دادم. خلاصه، ۸۰ هزار تومان گرفتم و این حافظ را به‌طور کلی، به انجمن دادم و چاپ شد و چاپ آن تا چند سال پیش هم ادامه پیدا کرد.

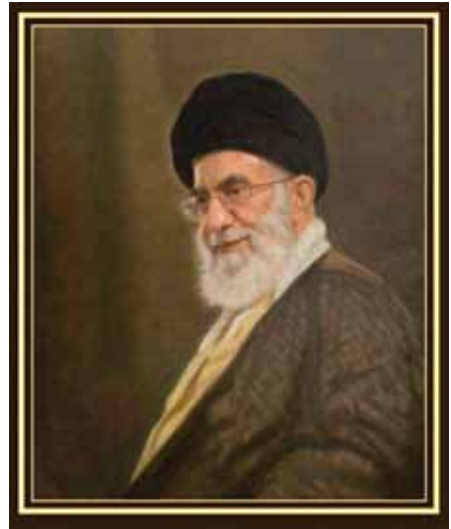
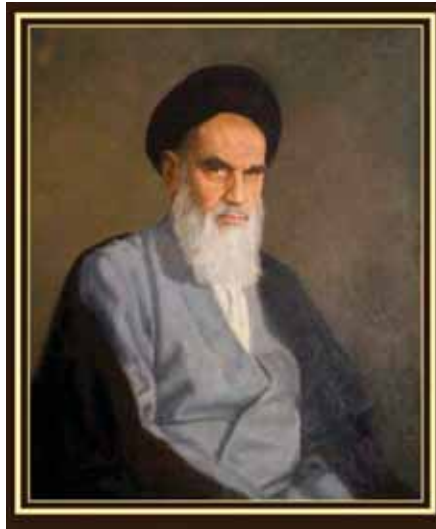
کار کتابت حافظ نقطه ثقلی در کارنامه هنری شماست. هرچند کارهای دیگر تان هم ویژگی‌های خاص خود را دارند. استقبالی که از دیوان حافظ شد در کمتر کتاب خوشنویسی سراغ داریم. راز این مسئله چه بود؟ در چیدمان چه چیزهایی را رعایت کرده بودید؟

من در کارهایی که انجام می‌دادم، اصلاً به فروش و چاپ فکر نمی‌کردم. کارهای من ذوقی بود. در دیوان حافظ هم این ذوق خودم بود که عمل می‌کرد. فکر می‌کردم که این را برای خود می‌نویسم نه برای چاپ و نه برای فروش. این فکر را اصلاً در هیچ‌کدام از کارهایم نداشتم.

این خودبه‌خود در کار چه تأثیری دارد؟

من صرفاً به خوب بودن خط فکر می‌کردم. شاید

یک معلم ضمن اینکه تعلیم می‌دهد، باید به فکر این باشد که معایبی را که در کارش دارد اصلاح کند؛ یعنی هرگز نباید بگوید من تمام هستم و آنچه را دارم باید به شاگرد منتقل کنم. نواقص و کمبودها و همچنین دقایقی که در هنرمند است، ضمن تعلیم دادن در تعلیم گرفتن آشکار می‌شود



در کار خود چه تحولی احساس کردید؟
هر کاری ذوق می‌خواهد. من ذوق و توان این کار را داشتم؛ یعنی بی‌حوصله نبودم. با حوصله و دقت و دل‌بستگی این کارها را انجام دادم. همان اوایل انقلاب نهج‌البلاغه را به من سفارش دادند.

در اینجا کارهای شما به دو دسته تقسیم می‌شود: آثار کتابت شده چاپ شده و آثاری که کتابت کردید ولی فرصت چاپ آن‌ها فراهم نیامد.
بله.

نهج‌البلاغه را چه کسی به شما سفارش داد؟
حاج آقا کشفی در موزه شهید سفارش دادند.

علاقه داشتند که ترجمه نهج‌البلاغه کتابت شود.

بله. دعای مرزبانان را هم به من سفارش دادند و من نوشتم ولی چاپ نشد.

آن چند صفحه بود؟
تعداد صفحات آن کم بود. الان باید در موزه شهید باشد؛ البته اگر به ارگان دیگری نرفته باشد.

نهج‌البلاغه چند صفحه بود؟
فکر می‌کنم ۵۰۰ صفحه می‌شد. من حدود ۳۰۰ صفحه را نوشتم.

این حس من باعث شد که دیگران هم از این کتاب استقبال کنند و در نهایت به چاپ برسد. پولی هم که آن‌ها به‌عنوان حق‌التحریر تعیین کردند، من نگرفتم و پیشنهاد دیگری دادم. هر کس دیگری بود چانه می‌زد که بیشتر از ۱۵۰ هزار تومان بگیرد. این را من ذوقی نوشتم.

این دیوان حافظ یکی از قله‌های کتابت ما در دوره معاصر است. در مقاله‌ای که با عنوان «آیین نقد کتاب‌های خوشنویسی» نوشته‌ام، به این کتاب نظر داشته‌ام.
دهه ۶۰، ما کارهای پرشماری از شما دیدیم. آیا کتابت سفرنامه ناصر خسرو بعد از حافظ بود؟
نه.

آن راجه زمانی نوشتید؟
ناصر خسرو قبل از حافظ بود. شاید هم قبل از ۵۷ بوده است.

یوسف و زلیخا چطور؟ لیلی و مجنون چطور؟
این‌ها هم سفارش انجمن و آقای زعیمی بود. یوسف و زلیخا سفارش شخص دیگری بود و وقتی این کتاب را نوشتم می‌خواست خیلی مفت آن را از من بگیرد. آقای زعیمی هم آن زمان از انجمن کناره‌گیری کرده بود. آقای زعیمی گفتند من این را می‌خرم و به چاپ هم رسید.

بعد از دو کتاب «یوسف و زلیخا» و «لیلی و مجنون» در روند کتابت از نظر بینشی و روش

چند سطری بود؟

می‌خواستند توضیحات را با قلم ریز و زیر صفحه‌ها بنویسم. این بود که تعداد سطرها شاید حدود ۱۲ سطر بود و در پایین خطی کشیده می‌شد و آن توضیحات را می‌آوردیم. کتابت یکدست نبود.

از کتابت‌های تلفیقی بود که تنظیم صفحه هم سخت است.

بله.

اندازهٔ ۸۳ بود؟

خیر. از قطع وزیری مقداری بزرگ‌تر بود.

مرکز قلم شما در کتابت قلم یک میل بود یا کوچک‌تر؟

معمولاً حدود یک میل بود.

در کتابت شما تکلف دیده نمی‌شود.

کتابت را اصولاً باید بی‌تکلف نوشت.

الآن خیلی‌ها هستند که کتابت را با تکلف می‌نویسند و احساس می‌کنند تمام توان خود را باید در آن صفحه وارد کنند.

خیر. جور در نمی‌آید. اولاً باید یکدست بنویسید؛ یعنی اگر تند یا کند بنویسید جور در نخواهد آمد. باید با یک ریتم و آهنگ یکنواخت جلو بروید. این ویژگی کتابت است. کسانی که زیاد دقت می‌کنند، کارشان کاستی و فرازوفروود پیدا می‌کند.

کتابت نهج البلاغه در ۵۰۰ صفحه، ۳۰۰ صفحه توسط شما و ۲۰۰ صفحه بعد توسط آقای مددی بود؟

بله.

این اثر در موزه شهدا ماند؟

برای موزه شهدا بود. الآن شاید ارگان دیگری آن را گرفته باشد.

کتاب «گلاب اشک» هم اثر خوبی از کتابت‌های شماست. داستان این چیست؟

حاج آقا کشفی که مدیر موزه شهدا بود، با مرحوم دکتر سادات ناصری تصمیم می‌گیرند ترکیب‌بندی که در ماجرای عاشورا سروده شده است، از محتشم

تا مشفق، نوشته شود. این‌ها دست‌نوشته را به من می‌دادند و من کار یک شاعر را می‌نوشتیم و می‌آوردیم و بعد اثر شاعر دیگری را به من دادند.

مرحوم سادات ناصری تحلیل هم کرده بودند؟

زنده نماند که ببینیم چه تصمیمی داشت. تعداد این مرثیاتی دو برابر کتاب فعلی گلاب اشک بود که این‌ها قسمتی از آن را انتخاب کردند.

چند صفحه بود؟

فکر می‌کنم حدود ۴۰۰ صفحه.

این کتاب هم اکنون بیش از ۳۰۰ صفحه است. احتمالاً بخشی را حذف کرده‌اند. شما تجربهٔ زیبای کتابت وصیت‌نامهٔ حضرت امام (ره) را هم دارید. آن را یک بار کتابت کردید؟

بله.

کار قشنگی هم با قلم کوچکی بود که من به یاد ندارم چه بود. فکر کنم نامه حضرت امیر (ع) به مالک اشتر بود. آن مربوط به چه زمانی است؟

بله. اوایل انقلاب بود. فردی مقداری کاغذ جدول کشیدهٔ قدیمی را که می‌گفتند مربوط به زمان زندیه است، به من داد. من به فکر بودم روی آن کاغذ با قلم غبار کتابت کنم. البته برای غبار نامناسب بود. کاغذ قدری زبری داشت، ولی چون طلالاندازی و جدول کشی بود به ذهنم رسید ترجمهٔ نامهٔ حضرت امیر به مالک اشتر را روی آن بنویسم. ۴۵ صفحه بود. باور کنید شروع به نوشتن کردم و درست همهٔ آن ۴۵ صفحه تمام شد. این از عجایب بود.

هیچ‌گونه طراحی ذهنی نداشتید؟

خیر. چشمی گفتم این کار به کاغذ می‌خورد. نوشتیم و احتیاج به کاغذ دیگر پیدا نشد.

تجربهٔ ارزشمند دیگری را هم از سر گذرانده‌اید و آن هم اینکه توانستید متن‌های واحد را دوباره تکرار کنید. برای مثال، رباعیات خیام و دیوان حافظ را



سعی می‌کردم متون
ارزشمند را بنویسم؛
مثلاً وقتی حافظ را
نوشتم دقیقاً با سلیقه
من تطبیق می‌کرد

به یاد ندارم.

دوران هنرجویی شما از سال ۱۳۴۰ شروع می‌شود. بعد سال‌های اول ۵۰ دوران تجربه‌آموزی شماست و سال ۵۵ و ۵۶ به تأکید استاد حسین و دیگران خط شما به مقام می‌رسد و دوره تازه‌ای شروع می‌شود. نقطه اوجی به لحاظ زیبایی کتابت در دیوان حافظ وجود دارد. سؤال من این است که اگر شما بخواهید کارهای خود را دوره‌بندی کنید، به چند دوره قائل هستید؟
به دو دوره مهم می‌رسیم؛ یک زمانی که من تغییر شیوه دادم که عمدی بود. آن تاریخ دقیقاً به خاطر من نیست.

چه دهه‌ای بود؟

دهه ۷۰ یا ۸۰.

مؤلفه‌های تغییر شیوه چه بود؟

مدتی به روش عمادالکتاب نمی‌نوشتم و به روش میرعماد می‌نوشتم.

چه شد که به این نکته رسیدید؟

جزوهای از میرعماد به دستم رسید و خوشم آمد.

چه جزوهای بود؟

جزوه مناجات خواجه عبدالله.

که خیلی صاف و خوب هم چاپ شده است. فکر می‌کنم کاخ گلستان آن را چاپ کرده

دو بار نوشتید. کتابت دوم خیام چه زمانی بود؟

نزدیک انقلاب بود. کتابت اول مربوط به سال ۵۲ بود.

چاپ شد؟

بله.

پس ما خیام دوم را دیده‌ایم.

خیام دوم سفارش آقای زعیمی بود. برای خودش می‌خواست و من تقریباً ده روزه آن را تمام کردم.

چند رباعی بود؟

۱۷۵ یا ۱۷۶ رباعی بود. هر روز حداقل ۱۵-۱۴ رباعی را می‌نوشتم. در زمان کتابت خیام دوم، روزی ۳-۲ بار می‌نوشتم.

تجربه شما از دوباره‌نویسی چه بود؟

نمی‌پسندیدم و دوباره می‌نوشتم. علت این بود.

در تکرار مجدد به مراد خود می‌رسیدید؟

۱۰۰ درصد نمی‌رسیدم ولی تا حدودی بله.

آداب‌المشوق باباشاه را دوباره کتابت کردید. کتاب سطر نویسی هم سرمشوق‌های کلاسی شماست. فکر می‌کنم سال ۶۵ یا ۶۶ آمد و نیاز آموزشی هنرجویان را مرتفع کرد. دهه ۷۰ را که پشت سر می‌گذاریم، آخرین کتابت‌های شما چه هستند؟

است.

فکر می‌کنم. آن جزوه به دستم رسید و من شروع به نوشتن به آن شیوه کردم. یکی از کتاب‌هایی که به آن شیوه نوشتم، حافظ دوم، گلشن راز، دیوانی که سفارش آن از درویش بود و الآن نامش را به خاطر ندارم.

نام دیوان درویش مربوط به دکتر نوربخش است.

بله.

آن را به شیوه میرعماد نوشتید؟

بله.

چه سالی؟

در دهه ۷۰ بود. دو کار دیگر هم بود.

از انگیزه تغییر شیوه می‌گفتید.

مدتی به این شیوه تمایل پیدا کردم و بعد، دوباره به همان روش قبل بازگشتم.

این تغییر شیوه همانند تغییر هویت است.

کار مشکلی است.

در خوشنویسی این امر از حالت طبیعی به حالت مرضی تبدیل شده است. این مطلب را باز کنید.

شاکله وجودی هر کسی در خط او متجلی است. خیلی دشوار است به‌رغم شاکله وجودی‌تان، کاری انجام دهید. من این کار را کردم. دیوان نوربخش و گلشن راز کاملاً متفاوت با حافظی است که شما دیدید. حتی در حافظ دوم هم کاملاً متفاوت است. انگار خط کس دیگری است. این مشکل است؛ چون هر کسی با شاکله خود می‌نویسد. تغییر خط خیلی مشکل است.

این تغییر خط چقدر طول کشید؟

دقیقاً به یاد ندارم ولی مدتی چند کار را با همان روش جدید انجام دادم اما دوباره آن را کنار گذاشتم و به شیوه قبلی بازگشتم.

در دوره اول تحت تأثیر استاد حسین میرخانی و عمادالکتاب بودید. در دوره دوم به

مکتب میرعماد روی آوردید. مجدداً هم به مکتب عمادالکتاب عزیمت کردید. کارهای شاخص دوره برگشت شما چه بوده است؟ چهار مقاله نظامی عروضی مربوط به اوایل بازگشتم است که هنوز بویی از تغییر شیوه دارد. خسرو و شیرین نظامی هم هنوز بویی دارد. ۱۰۰ درصد بازگشت عملی نشده است. بعد از آن‌ها را در خاطر ندارم اما کارهایی که کرده‌ام به سبک خودم هستند.

با اینکه مرکز قلم شما کتابت بوده، هیچ‌گاه قطعه‌نویسی را از یاد نبرده‌اید.

بله. من به سبک عمادالکتاب می‌نوشتم. چلیپایی می‌نوشتم به همان سبک عماد.

ویژگی دیگری هم در کار شما وجود دارد و آن اینکه شعرهای انتخابی‌تان خیلی غنی و والا هستند. ارتباط شما با ادبیات چطور بود؟

خوب بود. سعی می‌کردم متون ارزشمند را بنویسم؛ مثلاً وقتی حافظ را نوشتم دقیقاً با سلیقه من تطبیق می‌کرد. نظامی هم با سلیقه من تطبیق داشت. دو کتاب نظامی، لیلی و مجنون، و خسرو و شیرین را نوشتم. به آن مطلبی که می‌خواستم بنویسم توجه داشتم که چیز باارزشی باشد.

در رنگینه‌نویسی هم تجربه‌هایی دارید که نمونه‌های آن را در موزه امام علی (ع) می‌بینیم.

ممکن است اما به یاد ندارم.

تمام بحث ما این است که برای بهبود جامعه خوشنویسی قدم برداریم. چالش را هیچ محکمه عقل‌پسندی قبول نمی‌کند. در جامعه خوشنویسی فعلی (۹۶-۱۳۹۵) جریانی تک‌صدایی داریم. به نظر جناب‌عالی که خود شیوه مستقل و شاگردانی دارید، این شیوه تک‌صدایی بار ما را به منزل می‌رساند؟

مسلماً خیر. هنر به تعداد هنرمندان تفاوت می‌کند؛ یعنی ما اگر تک‌روی کنیم و مثلاً من بگویم خط باید خط من باشد، خیانت به هنر است. من همیشه با این مسئله مخالف بوده‌ام که همه باید همانند من بنویسند. هر هنرجو آزاد است خطی را که دوست دارد بنویسد و باید زمینه برای این مسئله وجود داشته

باشد. در انجمن خوشنویسان فعلی این تک‌محوری به شدت دیده می‌شود.

مضرات این تفکر چیست؟

یکی از ویژگی‌های هنر همانند گل‌ها این است که هر کدام یک رنگ و بویی دارد. باید این را در نظر گرفت که هنرجو باید حق انتخاب داشته باشد. ما اگر بگوییم حتماً باید این‌گونه بنویسد تا کار شما پذیرفته شود، خیانتی به هنر است؛ چه هنر خوشنویسی باشد چه هر هنر دیگری. هنرجویان باید آزاد باشند و انتخاب کنند.

آیا شما یک نگاه باندی یا جناحی را تأیید می‌کنید؟

خیر. باید عرصه را باز کنیم تا همه جریان‌ها حضور داشته باشند.

این نگاه انحصاری چه پیامدهایی خواهد داشت؟

به نظر من باعث می‌شود سلیقه‌ها خراب شوند؛ یعنی وقتی چیزی تحمیل شد، اگر هنرجو یا کسی که به دنبال خط است، غیر از آن را نبیند، فکر می‌کند همین است و حال آنکه اگر وی آزاد باشد، از بین شیوه‌های مختلف و استادان مختلف انتخاب می‌کند. الآن به شدت در مقابل میرخانی‌ها و عمادالکتاب جبهه‌گیری می‌شود و این‌ها را رد می‌کنند و می‌گویند که دوره این‌ها تمام شده است. می‌گویند این‌ها استادان درجه دو و سه و چهار بوده‌اند؛ حال آنکه خدا می‌داند چه زحماتی کشیده‌اند تا این خط به دست ما برسد.

خوشنویسی معاصر بر شانه‌های این‌ها ایستاده است.

بله دقیقاً همین است. اگر این‌ها را کنار بزنیم و چیز دیگری ارائه دهیم، سلیقه‌ها را خراب می‌کنیم.

نکته بسیار مهمی که وجود دارد ساختار فعلی انجمن خوشنویسان حاضر است. انجمنی تشکیل شده که نهایتاً یک NGO فرهنگی و هنری است. برخی می‌خواهند به واسطه این انجمن، تمام خوشنویسی کشور را مصادره کنند و بگویند این انجمن نماینده تمام خوشنویس‌هاست. به نظر شما

آیا این فکر درست است؟
خیر. درست نیست.

جریان‌های دیگر باید به فعالیت‌های خود ادامه دهند یا خیر؟

البته این کار ولو خیلی کم‌رنگ انجام می‌گیرد؛ یعنی هر خوشنویس آنچه را بدان معتقد است انجام می‌دهد و حمایت می‌کند. اگر تحت‌الشعاع قرار گیرد، صدمه بزرگی دیده است.

نقش وزارت‌خانه بزرگی همانند وزارت ارشاد را در به رسمیت شناختن همه جریان‌های خوشنویسی چگونه می‌بینید؟

مسلماً این نیست که جریان خاصی را حمایت کند. ما هم تلاش کردیم و گفتیم باید تمام شیوه‌ها حمایت شوند و همه سلیقه‌ها به حساب آیند ولی حالا این‌گونه شده است. به هر حال، هر کسی باید چیزی را ترویج دهد که به آن معتقد است.

یک گره کور تاریخی که زمان زیادی از آن نمی‌گذرد، بحث گواهی‌نامه‌های استادی است. برخی می‌گویند زیر گواهی‌نامه برخی استادان امضای شما بوده است. لطفاً برای روشن شدن اذهان این را توضیح دهید.

من از همان ابتدا که در انجمن سابق کلاس گرفتم، جزء هیئت تشخیص بودم. مرحوم بوذری و آقایان میرخانی‌ها، زنجانی، جواد شریفی، استاد کاوه و غیره هم بودند. استاد کاوه در هیئت تشخیص ما نبود ولی در انجمن کلاس داشتند. من جزء هیئت تشخیص بودم. آن زمان اگر گواهی‌نامه‌ای صادر می‌شد، امضای من هم بود. کنار استاد حسین میرخانی بودم. نظر می‌خواستند و می‌پرسیدند. مرا به حساب می‌آوردند. ما چنین کاری کردیم. یعنی گواهی‌نامه موقتی می‌خواستند برای استخدام صادر کنند من هم امضا می‌کردم.

ما الآن نسل نوجو و تلاشگر و سخت‌کوشی داریم که با توجه به زیبایی‌های هدف خیلی زود می‌خواهند به مقصد برسند. لطفاً با این عزیزان سخنی داشته باشید.

آدمی که حوصله زیاد و تحمل دارد و عاشق خط است، در طول کاری که می‌کند متوجه خواهد شد که خوشنویسی هنری بسیار مشکل و دیرپاب است.



هر کاری ذوق
می خواهد. من ذوق
و توان این کار
را داشتم؛ یعنی
بی حوصله نبودم.
با حوصله و دقت و
دل بستگی این کارها
را انجام دادم

چیزی که مرا می‌آیوس می‌کرد این بود که ببینم شاگردانی هستند که گیرایی و آمادگی لازم را ندارند، تعلیم را خوب دریافت نمی‌کنند. وقتی پیشرفتی در کار شاگردان می‌دیدم همانند این بود که مزد زحمات خود را گرفته‌ام. شاید این باعث خوشحالی و بهترین خاطره من باشد.

از سرمشق‌ها چه شعری را بیشتر دوست داشتید؟

از شعرای تراز اول همانند نظامی، فردوسی، حافظ، خیام، مولانا لذت می‌بردم. این‌ها برای من خیلی اهمیت داشت.

استاد، از اینکه این فرصت را در اختیار ما قرار دادید، سپاسگزارم.

پس، عجلوانه برخورد نمی‌کند ولی اگر کسی به خاطر امتیازات، مثلاً عنوان استادی یا خودبزرگبینی، در این راه قدم می‌گذارد، به اهمیت خط خوشنویسی پی نمی‌برد و این برخلاف ماهیت خط و خوشنویسی است. به این‌ها باید گفت اگر از خط چیزی جز خط انتظار داشته باشید، مثلاً مقام و عنوان و امتیازات و پول و غیره، هرگز هنرمند موفقی نخواهید شد. با این هنر عجلوانه نمی‌توان برخورد کرد. صبر ایوب می‌طلبد.

برای دبیران هنر که قرار است عشق به هنر را همانند جوانه در دل هنرجویان بکارند، چه توصیه‌ای دارید؟

به نظر من یک معلم ضمن اینکه تعلیم می‌دهد، باید به فکر این باشد که معایبی را که در کارش دارد اصلاح کند؛ یعنی هرگز نباید بگوید من تمام هستم و آنچه را دارم باید به شاگرد منتقل کنم. نواقص و کمبودها و همچنین دقایقی که در هنرمند است، ضمن تعلیم دادن در تعلیم گرفتن آشکار می‌شود. همیشه به این معتقد بوده‌ام و عمل کرده‌ام. اگر معلم صد درصد کار خود را بیسندد، دیگر رشد نخواهد کرد. اگر خود را صد درصد قبول داشته باشد رشد نخواهد داشت. مهم‌ترین اصلی که معلم باید در نظر بگیرد، این است که ضمن کار کردن خود را به کمال برساند. این دقت را باید داشته باشد.

شیرین‌ترین خاطره معلمی شما چیست؟
من همیشه از پیشرفت شاگردان لذت می‌بردم.

فرزند ایران

رضابدرا السماء

بسم رب الشهداء

سراسر کره زمین است، به فرزند خویش و نسل‌های آینده انتقال می‌دهد.

محراب، نشانه‌ای از معماری اسلامی و بیانگر آن است که شهید حججی و خانواده ایشان نماد و الگوی شاخصی از یک خانواده ایرانی- اسلامی می‌باشند.

شهید حججی، حجت خداوند، به‌عنوان نماد تمامی شهدا شاهد اعمال همه ما انسان‌هاست و ما با عملکردمان بایستی جوابگوی خون شهدا باشیم. سربند شهید «یا مهدی- عجل الله تعالی فرجه الشریف» نشان سربازان و منتظران حضرت حجت ابن الحسن می‌باشد و شهید با این سربند، امید ظهور منجی عالم بشریت را در همه انسان‌ها زنده می‌کند.

تابلوی «فرزند ایران» با سبک نگارگری ایرانی- اسلامی که هنر ملی- میهنی ماست به تصویر کشیده شده است و می‌تواند سرمنشأ تحول این هنر اصیل و سرآغازی بر مکتب نگارگری نوین در جمهوری اسلامی ایران باشد ان‌شاءالله نگارگران با آثار خود در این مکتب رسالتشان را به انجام برسانند و با نسل معاصر ارتباط بهتر و مؤثرتری برقرار کنند.

تابلو به‌گونه‌ای ترسیم شده است که می‌تواند با مخاطب عام و خاص در طول زمان و مکان ارتباط برقرار کند.

اثر «فرزند ایران» در عین نشان دادن واقعه دل‌خراش عاشورا، امید، طراوت و نشاط را نیز به جامعه القا می‌کند. یاد، نام و راه شهیدان مستدام و پرهرو باد

اثر «فرزند ایران» از قیام حضرت اباعبدالله الحسین- علیه‌السلام- و جمله آخر حضرت «هل من ناصر ینصرنی» آغاز می‌شود. مبارزه میان حق و باطل از ۱۴۰۰ سال پیش تاکنون وجود داشته است؛ تا اینکه با رهبری پیامبرگونه حضرت امام خمینی و جان‌فشانی شهدا، انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید و نظام جمهوری اسلامی در ایران برقرار شد.

از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون شیاطین زمان و مستکبرین عالم تمام نیروی خود را برای متوقف ساختن این نظام الهی به کار بسته‌اند، اما با یاری حضرت صاحب‌الزمان- عجل الله...- و رهنمودهای ولی فقیه زمان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با بصیرت مردم و جان‌نثاری شهدا و خانواده ایشان، درخت نظام جمهوری اسلامی هر روز ریشه‌دارتر از قبل شده و با خون شهیدان آبیاری می‌شود و جان تازه‌ای می‌گیرد و ان‌شاءالله با نابودی کامل اسرائیل انتقام خون شهید حججی گرفته خواهد شد.

گل‌ها و شکوفه‌های لاله و شقایق که از خون شهدا روئیده‌اند، نمادی از زنده‌بودن شهدا و طراوتی هستند که به‌وسیله خون شهید به جامعه تزریق می‌شود.

همسر شهید با اقتدا به حضرت فاطمه، زهرا- سلام‌الله علیها- همچون حضرت زینب- سلام‌الله علیها- سروقامت ایستاده است و پیام ادامه راه شهیدان را، که همان اهتزاز پرچم لاله‌الاله در



عنوان: فرزند ایران
تکنیک: آکرلیک
اندازه: ۷۰*۵۰
تاریخ اثر: ۱۳۹۶
اثر: رضا بدرالسماء

گفتگو و کوبادبیران هنر ایلام

ایلام
دیار مقاومت

علی قیطاسی



مجتبی یوسفی



حمزه منصوریان

اشاره

در اواخر مردادماه ۱۳۹۶ که دیار ایلام اوج گرمای خود را تجربه می‌کرد فرصتی دست داد که در تداوم هم‌نشینی با دبیران هنر راهی آنجا شویم. سرگروه هنر ایلام (آقای یوسفی) خودش هماهنگ‌کننده این نشست بود. دبیران خونگرم تقریباً از دورترین شهرهای استان ایلام خود را به این جلسه رسانده بودند. این نکته در بحبوحه گرما و تعطیلات به‌خودی خود خرسندکننده بود. چراکه می‌دانیم برای چنین رفت‌وآمدی دبیران هنر نه مأموریتی دریافت می‌کنند و نه از وسیله نقلیه ویژه‌ای برای انتقال بهره می‌گیرند. آنچه آن‌ها را به تحرک آورده بود فضیلت درسی آشنا به نام هنر بود. درسی که بعضی همکاران فاصله سیاهی تا سفیدی مو را در آن سپری کرده بودند. اینان دبیران هنر دیار مقاومت و ایثار یعنی ایلام هستند و ره‌توشه آن‌ها در فراز و فرود همدلی و همدمی با درس هنر شنیدنی و خواندنی است. در اینجا لازم است از سرکار خانم جلیلیان، معاونت آموزش ابتدایی، به‌خاطر حضور در جلسه میزگرد تشکر به عمل آید. ضمن آرزوی توفیق برای دبیران هنر استان ایلام با هم این گفت‌وگو را می‌خوانیم.

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر



خرانی



سادات نژاد



محمدی



زهرا برومندان



محمدرضا کوچکی

همکاران عزیزمان در سطح کشور بگذاریم. چون نوعی روش تدریس غیرمستقیم از دل این گفت‌وگوها بیرون می‌آید؛ یعنی، اگر دبیر با مثلاً دو سه سال سابقه ما این مطالب را بخواند، برایش بسیار قابل‌استفاده و کارآمد است. زیرا دارد از زبان همکارش این حرف‌ها را می‌گیرد. وقتی مطلب را از گوینده‌ای که مورد علاقه و از جنس خودش باشد بشنود، تأثیرش خیلی بهتر است. در نهایت، سؤالی که بنده در این جلسه دارم، این است: «معلم خوب هنر بودن چه مؤلفه‌هایی دارد؟» این می‌تواند به ما در جلب مشارکت سایر دوستان کمک کند. همچنین در اینکه بازتاب خوبی داشته باشد که هنر در ایلام، با این مختصات فرهنگی اجتماعی، این‌گونه در مدارس ما جاری است، باز آنچه

در این نشست صمیمانه خوب است که دوستان عزیز دربارهٔ ظرفیت‌های هنر و تجارب ارزنده‌ای که در کلاس داشته‌اند، حرف بزنند. همچنین، همان‌گونه که اطلاع دارید کتاب‌های جدید هنر در پایه‌های هفتم و هشتم و نهم به مرحلهٔ آزمایش درآمده‌اند. برای مخاطبان خیلی اهمیت دارد که ببینیم این کتاب‌ها در دورهٔ آزمون چه بازدهی دارند. هرکدام از شما می‌دانید که درس‌های مختلفی در کتاب هنر گنجانده شده است. عرض من این است که ببینیم شما بر اساس داشته‌های فرهنگی و هنری دیار ایلام، موضوع هنر را در کلاس چگونه جلو برده‌اید و چه ابتکاراتی در این باره داشته‌اید تا در درجهٔ اول بتوانیم این را جمع‌بندی کنیم و در درجهٔ دوم، این اطلاعات را در اختیار



یوسفی:
ساعات هنر
ماخوشبختانه
نسبت به
ساعات هنر
کشور به صورت
تخصصی پر شده
است. در بعضی از
مناطق دوردست
ما شاید کمبود
دبیر تخصصی به
چشم می خورد
ولی در کل، وضع
استان بسیار
رضایت بخش
است

همیشه رتبه‌های عالی را می‌آورند. در مسابقه‌ای که پارسال دبیرخانه فرهنگ و هنر برگزار کرد، سه تن از همکاران ما از میان ۳۲ استان مقام آوردند: خانم زهرا برومندان با طراحی درس آزاد با حضور پوشش سنتی ایلام، آقای حمزه منصوریان عکاس که باز رتبه سوم را آوردند و خانم رقیه سادات کرمی.

✽ هنر اکنون چه تعداد دبیر تخصصی داریم و چند نفر از همکاران غیر تخصصی به درس هنر کمک می‌کنند؟

✽ یوسفی حدود ۵۰ دبیر تخصصی هنر داریم. با احتساب دوره متوسطه دوم، هنرستان که هنرآموز هستند، ساعات هنر ما خوشبختانه نسبت به ساعات هنر کشور به صورت تخصصی پر شده است. در بعضی از مناطق دوردست ما شاید کمبود دبیر تخصصی به چشم می‌خورد ولی در کل، وضع استان بسیار رضایت‌بخش است. برای مثال، در یکی از شهرستان‌های بسیار کوچک ما فقط ۱۰ نفر دبیر تخصصی هنر داریم؛ شهرستان ایوان که خانم خرنای هم از آنجا تشریف آورده‌اند. از استان ایلام شما قاعدتاً پیش‌زمینه‌ای که دارید یکی از استان‌هایی بوده که همیشه فرهنگ و هنر بومی خودش را داشته است. گلیم نقش برجسته ما در سطح دنیا حرف اول و آخر را می‌زند و ثبت جهانی شده است. هنرهایی مثل جاجیم‌بافی و گلیم‌بافی هنرهایی هستند که تاکنون درخشش و رشدشان خوب بوده است اما اگر حمایت نشوند، این هنرهای بومی و سنتی ما روبه‌زوال می‌رود.

✽ هنر استان ایلام تقریباً اولین استانی است که می‌بینم این نسبت دبیر تخصصی در آن وجود دارد.

✽ یوسفی در دوره متوسطه رضایت‌بخش است؛ چون با استان‌های دیگر من مقایسه کرده‌ام، می‌گویم خوشبختانه کمبود دبیر هنر چندان محسوس نیست.

✽ خرنای از نگاه من با ۱۹ سال سابقه تدریس قسمتی از چالش‌های درس هنر مربوط به کتاب و قسمتی خارج از کتاب است. مطالب خارج از کتاب یکی کمبود نیروی متخصص است. در موارد بسیاری دیده‌ایم حتی در

درس‌های دیگر را هم می‌تواند جذاب کند این است که بچه‌ها حس زیبایی‌شناسی‌شان همیشه فعال باشد. من بسیار خوشم آمد از همکار و بانوی بزرگواری که در زاهدان می‌گفتند من به بچه‌ها می‌گویم یادتان باشد فردا در عرصه زندگی به‌عنوان یک خانم باید خانه را اداره کنید، با هنری روبه‌رو هستید به نام چیدمان، اصلاً ربطی هم به دیپلم و فوق‌دیپلم و لیسانس ندارد. در آنجا نمره‌ای به شما خواهند داد که مشخص می‌کند توانمندی شما در چیدمان خانه چقدر است. سر این قضیه، خیلی از بچه‌ها به هنر علاقه‌مند شدند. خدا را شاکرم که در حال حاضر درس هنر ما فصلنامه تخصصی و دبیر تخصصی دارد. در آن دوره که عزیزان حتماً یادشان است، هنر درسی حاشیه‌ای بود اما امروز عقیده ما این است که درس هنر به مدد دبیران هنر و هنربانان محترم باید از دو مقوله رهایی پیدا کند: یکی مهجوریت و دیگری مظلومیت. دبیر هنر نباید احساس کند درسی که می‌دهد دو ساعت است و درسی مهجور و مظلوم است. اگر ما این باور را از اذهان پاک کنیم به اعتقاد من هنر به‌عنوان مقوله‌ای فرادرسی می‌تواند تأثیر خود را بر تمام درس‌های متوسطه اول و دوم بگذارد و اگر ان‌شاءالله این باور نهادینه شود، فکر می‌کنم قدمی که همه ما باید برداریم، برداشته‌ایم. اضافه می‌کنم یکی از محورهای این میزگرد بحثی است که در سطح ملی مطرح است و آن اینکه پیش‌زمینه هنر در دوره ابتدایی برای ورود به متوسطه اول فراهم نمی‌شود و به همین دلیل، دبیر هنر راه نکوبیده و ناهمواری دارد و خیلی باید تلاش کند. جناب یوسفی، لطف کنید در مورد هنر استان توضیحاتی بفرمایید.

✽ یوسفی، سرگروه هنر استان همکاران ما در گروه فرهنگ و هنر بسیار هنرمندند و در مسابقات فرهنگی هنری و در مسابقات کشوری



درس است که بعضی از درس‌های آن به درازا کشیده می‌شود و می‌تواند دو سه جلسه وقت ببرد. کتاب سال دوم ۱۷ درس و کتاب سال سوم ۲۸ درس است. مباحث خیلی وسیع‌اند و این گستردگی مشکل‌ساز است. خیلی از مطالب را بعضی از دانش‌آموزان خواستارند ولی من باید کل جمع را در نظر بگیرم و مجبورم تا حدودی از خواست آن‌ها بگذرم. بخش‌هایی هم هست که اختیاری است. در کتاب، بحث اختیاری هم مزایا دارد هم معایب. از مزایای آن، یکی این است که من امکانات مدرسه منطقه خود را می‌سنجم که این درس را بدهم یا نه، ولی از معایب این است که مثلاً از فصل عکاسی گذشته‌ام و آن را درس نداده‌ام؛ برای اینکه آوردن تلفن همراه و دوربین سر کلاس ممنوع است. به این ترتیب، چه چیزی درس بدهم؟ فقط تئوری بگویم؟ من از این گذشتم ولی معلم بعد از من که سال بعد می‌آید و درس امسال من برایش پیش‌نیاز است، با مشکل مواجه می‌شود. این بحث اختیاری بودن به نظر من به مشکل برمی‌خورد.

❁ ❁ راهکار شما چیست؟

❁ ❁ **خرانی** راهکارم این است که یا بسترسازی بشود، امکانات وارد مدرسه شود، اجازه‌هایی از قبل داده شود و هماهنگی لازم انجام گیرد و یا اینکه اختیاری بودن را بردارند. شکی نیست که هر هنر یا دانشی که با زمان خود حرکت نمی‌کند فراموش می‌شود یا حداقل با اقبال روبه‌رو نخواهد شد. رمز ماندگاری با سهولت به‌روز بودن است نه مشقت! من در تجربه خودم این را حس کرده‌ام که هرچند ما پایداری کنیم اگر راحت نباشد نتیجه قابل پیش‌بینی است، بعضی از مباحث این کتاب با زمان حال و علاقه دانش‌آموزان سازگاری ندارد از جمله سوزن‌دوزی و گلیم‌بافی که در عین زیبایی و علاقه ما، در عرصه سرعت و فناوری با بی‌رغبتی دانش‌آموز مواجه می‌شود. به نظر من، هنر هم باید به‌روز شود تا ماندگار

شهرستانی که بیشترین دبیران هنر را دارد، این درس به دبیران رشته‌های غیرهنر واگذار می‌شود که گاهی برای جبران کسری ساعت و تکمیل‌کننده موظفی سایر رشته‌هاست. ما هرساله یک ارزشیابی داریم و ارزشیابی شما باید صد درصد باشد. اما امتیاز برای دبیران هنر چندان مطرح نیست و دبیر هنری ندیده‌ام که برایش مهم باشد؛ چون آن‌ها با وجدانشان سروکار دارند.

مطلب دوم، مخالفت جدی اولیاست. من خودم بشخصه با این مسئله هرسال درگیرم. دانش‌آموز با من بعد از چند جلسه کلاس کنار می‌آید ولی اولیا نه. اولیا همیشه جبهه‌گیری می‌کنند؛ چون نمره هنر را برای بالا بردن تراز معدل، می‌دانند. خیلی از مواقع، مدیران ما و اولیای مدرسه هم از همکاران خودشان حمایت نمی‌کنند و این نگاه را دارند که به هر دلیلی باید حق را به اولیا بدهیم. من خودم بیشترین مخالفت‌ها را متأسفانه از اولیای فرهنگی می‌بینم.

مطلب دیگر مجهز نبودن مدارس است. در هنر اگر بخواهیم خوب کار کنیم، به کارگاه نیاز داریم. اما این کارگاه‌ها دیده نشده و بستر لازم برای مباحثی که در کتاب آمده، فراهم نیست. برای مثال، پارسال یکی از معاونت‌های وزارت‌خانه اعلام کرد که آوردن هر نوع ساز و ابزار موسیقی سر کلاس ممنوع است؛ درحالی‌که ما درسی به‌عنوان موسیقی در کتاب داریم. این نشان می‌دهد بسترسازی لازم انجام نشده است. ما الآن درواقع سروته بحث موسیقی را یک جوروی هم می‌آوریم!

❁ ❁ **ما در مجله رشد آموزش هنر همواره بر ضرورت کارگاه تخصصی هنر تأکید کرده‌ایم؛ زیرا دریافته‌ایم که استعداد بچه‌ها در محیطی که ابزار و وسایل باشد، شکوفا می‌شود و خودش را نشان می‌دهد.**

❁ ❁ **خرانی** در بحث کتاب، یکی از دیگر مسائل ما تقویم کاری است. ما حدوداً تا پایان سال تحصیلی ۲۸ جلسه داریم. از این ۲۸ جلسه، با احتساب مراسم‌ها و سخنرانی ارگان‌های مختلف و ادارات و زنگ‌های بهداشت و غیره تقریباً ۲۰ جلسه مفید داریم. کتاب سال اول ۳۴

اشتباه چاپی بوده است یا به هر دلیل. مطلب دیگر اینکه نیاز، ایجاد انگیزه می‌کند. آموزش خط تحریری برای بچه‌ها کاربردی‌تر است. طبق نظرسنجی‌ای که هم از اولیا و هم از دانش‌آموزان انجام داده‌ام، رغبت آن‌ها به خط تحریری بیشتر است اما این خط در کتاب خیلی کم مورد توجه قرار گرفته است. آخرین نکته این است که اندازه‌گیری‌ها در خوشنویسی به روش کتاب اشتباه است؛ در واقع، کتاب نقطه را طراحی کرده و این برای دانش‌آموز غلط‌انداز است. ما می‌گوییم نقطه، واحد کامل است. وقتی می‌آییم نقطه را به شکلی که اینجاست با این مربع توخالی می‌کشیم هرچه به دانش‌آموز می‌گوییم نقطه کامل، از این مورد استفاده می‌کند و در اندازه‌گیری با مشکل مواجه می‌شود. سنجش‌ها را مگر نمی‌گوییم برابر با قلم است؟

✳️ **حمزه منصوریان** دبیر هنر شهرستان ملک شاهی هستیم. در گذشته هنر درسی حاشیه‌ای بود و اکنون هم در ایران به نظر من همین ذهنیت هست. پیکاسو گفته است وای به‌روزی که تئوری از عمل پیش بیفتد. متأسفانه کمبود فضای کارگاهی درس هنر در مدارس این درس را به یک واحد نظری تقلیل داده است. آفرینش هنری نیاز به دوری از دغدغه دارد و کارگاه هنر محل انجام دادن فعالیت‌هایی است که در کلاس‌های مرسوم امکان آن وجود ندارد. متأسفانه درس هنر به‌عنوان یک درس مستقل و مهم نه در میان دانش‌آموزان نه والدین و نه حتی برخی از همکاران جا نیفتاده و این باعث بی‌اهمیت جلوه کردن آن شده است؛ در اینجا به دو دلیل این امر اشاره می‌شود: ۱. همواره تعداد دبیران متخصص درس هنر نسبت به ساعات آن بسیار کمتر است که الزاماً باعث می‌شود ساعات مازاد به همکاران غیرتخصصی سپرده شود؛ درحالی‌که چنین اتفاقی در مورد درس‌هایی چون ریاضی علوم زبان و سایر درس‌ها اصلاً نمی‌افتد. چنین برخوردی با درس هنر، که از سال‌ها پیش صورت گرفته، به‌مرورزمان باعث بی‌اهمیت جلوه کردن این درس در مدارس شده است. نکته دوم، شیوه ارزشیابی این درس در پایان‌ترم است که هر چند با توجه



بماند. باید اجازه داد که هنرهای جدید هم جای خود را باز کنند. بعضی مباحث کتاب هم پیش‌پاافتاده‌اند؛ مثلاً چسباندن برگ! چاپ برگ و چاپ انگشتی و چیزهایی را که بعضی‌ها مطرح کرده‌اند. در فصل هنرهای سنتی گلیم و سفال و خوشنویسی یک جمله تکرار شده است: «به میراث فرهنگی خود احترام بگذارید»؛ بدون اینکه راهنمایی کند یا راهکار ارائه دهد. در فصل سفالگری، دانش‌آموز ما جلوتر است. او انتظار سفالگری با چرخ و کسب تجربه حتی ناقص را دارد و این آموزش را گل بازی می‌داند. در مورد موسیقی و نمایش من با چند نفری که صحبت کرده‌ام، به این نتیجه رسیده‌ام که ما در این بخش ضعیف هستیم و آموزش ندیده‌ایم. ما آموزش‌دیدگان دوران ممنوعه موسیقی هستیم که الآن با چالش مواجه شده‌ایم؛ مگر اینکه شخصی به دنبال علاقه شخصی مهارتی کسب کرده باشد. ای کاش به‌عنوان راهکار حل مشکل این فصل به ادارات آموزش و پرورش اجازه می‌دادیم که از خارج از آموزش و پرورش نیرو بیاورند. نیروهای متخصصی که خارج از آموزش و پرورش هستند؛ مثلاً از فنی حرفه‌ای یا جاهای دیگر، ولی می‌گویند ما هزینه آن‌ها را نمی‌توانیم پرداخت کنیم و برای هزینه‌اش مشکل ایجاد می‌شود. در قسمت خوشنویسی، تعداد سطرهای هر درس زیاد است و همچنین، درس‌ها برای دانش‌آموز مبتدی این گروه سنی بسیار مشکل‌اند. مورد دیگر اینکه خط کرسی به‌وضوح مشخص نشده و این برای نوآموز سخت است. پایین برخی از کلمات تیک زده‌اند ولی در جاهایی می‌بینیم اگر خط فرضی بکشیم، مشکل دارد، چون خود خط هم آمده است. حالا

منصوریان:
آفرینش هنری نیاز به دوری از دغدغه دارد و کارگاه هنر محل انجام دادن فعالیت‌هایی است که در کلاس‌های مرسوم امکان آن وجود ندارد



کاخ فلاحتی ایلام
معماری دوره قاجار



شخصیت نوجوانان شکل می‌گیرد و می‌بایست به آن توجه بیشتری شود. تربیت نسلی هنرمند که در آینده با توجه به نیاز روز جامعه و با ایجاد آثار هنری، به‌ویژه هنرهای تجسمی و گرافیکی، محیطی با نشاط بیشتر و آرامش افزون‌تر را به جامعه هدیه خواهد داد، از دیگر پیامدهای مثبت توجه به هنر است.



✳️ از ابتکارهای خود در کلاس هنر می‌توانید برای ما بازگو کنید؟

✳️ منصوریان شیوه تدریس من این‌گونه است که به داشته‌های کتاب، به‌خصوص کتاب هفتم، بسنده نمی‌کنم؛ چون دانش‌آموزان برای کتاب هفتم از قبل هیچ پیش‌زمینه‌ای ندارند، اما در هشتم و نهم ما زمینه‌ای ایجاد کرده‌ایم. در کتاب هفتم تعداد درس‌ها زیاد و پراکنده است. در ایلام هنرهای بومی مثل بافندگی و سازهای محلی داریم مثل دوزله داریم. من کاری ندارم

که کسی می‌خواهد مخالفت بکند یا نه؛ من از این‌ها در کلاس استفاده می‌کنم و می‌گویم خارج از درس، مثلاً درس طراحی، کاری به درس طراحی کتاب نداشته باشید و هر کاری را که خودتان می‌خواهید، انجام دهید. به این صورت سعی می‌کنم خلاقیت آن‌ها را شکوفا کنم. کتاب هشتم و نهم را طبق کتاب انجام می‌دهم و در آن‌ها جاجیم‌بافی و نمدمالی را داریم که بومی استان ایلام است. من به مسائل سنتی خیلی علاقه دارم و این‌ها را به‌صورت کارهای آزاد برای شهرداری‌ها انجام می‌دهم.

✳️ خرانی آیا دانش‌آموزان شما به هنرهای سنتی علاقه دارند؟

✳️ منصوریان قرار نیست علاقه‌مندان کنیم؛ ما فقط آشنایشان می‌کنیم.

✳️ شیما محمدی دبیر هنر و طراحی دوخت هستیم و در رشته گرافیک در هنرستان تدریس می‌کنم. در درس پژوهی هم شرکت کرده و

به ارزشیابی طول‌ترم انجام می‌شود، درنهایت، بخش عمده آن سلیقه‌ای است. این امر نیز در بی‌اهمیت جلوه کردن این درس بی‌تأثیر نبوده است. به نظر می‌رسد که الزام همکاران به برگزاری ژورنال پایان‌ترم و همچنین، الزام دانش‌آموزان به داشتن پوشه کار در پایان‌ترم به اهمیت یافتن درس هنر کمک خواهد کرد. دو راهکار برای بارز کردن درس هنر این است:

۱. اقدام وزارت آموزش و پرورش به استخدام نیروهای متخصص درس هنر حداقل به میزان ساعات موجود هنر در مناطق؛ با توجه به اینکه ما در تمام مناطق هم فارغ‌التحصیل هنر بیکار داریم. دوم ایجاد کارگاه‌های درس هنر همچون کارگاه‌های درس‌های علوم و کار و فناوری که حداقل تجهیزات اولیه مورد نیاز عنوان درسی را داشته باشد. یک راهکار برای بسط اهمیت درس هنر فراتر از چارهدیواری مدرسه، همکاری و تعامل آموزش و پرورش با ارگان‌های مرتبط با آن همچون حوزه هنری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، و کانون پرورش فکری برای ایجاد کلاس‌های هنری استعدادیابی و شکوفایی استعدادهای کشف نشده است که قطعاً در درازمدت ثمرات بسیاری خواهد داشت؛ از جمله، آرامش روحی و اخلاقی، ارتقای اعتمادبه‌نفس، نشاط و سرزندگی، دوری از احساس بیهودگی و به‌ویژه دوری از فضای مجازی، این جدیدترین معضل جامعه، و تبعات منفی آن، که حاصلش ورود به دنیای رنگارنگ هنر و خروج از دنیایی خاکستری است و در درازمدت باعث ایجاد جامعه‌ای سالم و بانشاط و کاهش جرم و بزهکاری می‌شود. باید بدانیم که درون هر بزه‌کاری قطعاً شخصیت هنرمندی هم وجود دارد اما متأسفانه غالب بودن آموزه‌های بزه در جامعه، شخصیت هنرمند بزه‌کار را به گوشه‌ای رانده و شخصیت کنونی وی را بارز کرده است. امروزه به پیشنهاد روان‌شناسان، کلاس‌های هنری در زندان‌ها و مراکز اصلاح و تربیت برگزار می‌شود تا با ایجاد فضای آرام و هنری، روحیه خشن و افکار مریض مجرمان و بزهکاران آرام و تلطیف شود؛ کاری که مفید هم بوده است اما نباید فراموش کرد که رسالت هنر علاج دردی است که اندکی پیش‌تر همین هنر می‌توانست مانع بروز آن شود. راه پیشگیری برگزاری کلاس‌های هنری در زمانی است که



در سطح استان مقام آورده‌ام. در ادامه بحث دوستان، باید بگویم دانش‌آموز وقتی وارد کلاس هنر می‌شود، اولین تجسمی که در ذهنش می‌آید عملی بودن این درس است تا اینکه بخواهد نظری باشد. ما هم وقتی می‌خواهیم این درس را تدریس کنیم، به دانش‌آموز می‌گوییم که یک دور کتاب را بخوان تا بینی درس و مبحث درباره چه چیزی است. دانش‌آموز هم هر چه می‌خواند باز متوجه نمی‌شود و تا معلم توضیح ندهد و به صورت عملی انجام ندهد برایش هیچ فایده‌ای ندارد. از آن طرف هم بالأخره دانش‌آموز انتظار دارد که کار تکراری نباشد. تجارب معلم هم در درس خیلی تأثیرگذار است. معلمان فقط نباید به کتاب اکتفا کنند؛ یعنی اطلاعات مدرک معلم خیلی روی درس و تدریسش تأثیر دارد. متأسفانه در استان ایلام بزرگ‌ترین مشکلی که همکاران دارند ادامه تحصیل است؛ به خاطر راه دور و مسافتی که می‌خواهند طی کنند. اکثراً خانم‌ها مشکل بچه‌هایشان را دارند و آقایان مشکل کارشان را. این اولین مشکل ماست. دبیر هنر باید بتواند ادامه تحصیل بدهد که اطلاعاتش بالاتر برود و تدریس این درس را ادامه دهد.

هنر آیا شما در طول تدریس خود لحظه شکوفایی یک دانش‌آموز را دیده‌اید و در این باره تجربه‌ای دارید؟ آیا متوجه شده‌اید که از درس هنر لذتی ببرند؟

محمدی همین مسابقه درس پژوهی که گفتیم، دربردارنده چنین نکته‌ای بود. در آن مسابقه محورها مشخص شده بود اما امسال محورها را خیلی آزادانه‌تر توانستیم تدریس کنیم؛ فقط یک مقدار وقت کم بود. چون محور ما خلاقانه بود بیشتر از چیزهایی استفاده کردم که دانش‌آموزان تا کنون به کار نبرده بودند؛ مثلاً بافت با چسب چوب بود که اصلاً دانش‌آموزان کار نکرده بودند. بافت‌هایی بودند که همه را از اینترنت گرفته بودم و برای آن‌ها بردم. همه جدید بودند و بچه‌ها خیلی علاقه‌مند شدند و با ما همکاری می‌کردند؛ چون هر بار که تمرین می‌کردیم



پل گاومیشان
معماری دوره ساسانی

تکنیک جدیدی را به آن‌ها آموزش می‌دادیم. هر باری که می‌خواستیم این درس را تدریس کنیم، دانش‌آموز احساس می‌کرد چیز جدیدتری را می‌خواهد یاد بگیرد اما همین مشکل کارگاه را که همکارها می‌گویند کارگاه هنر نیست، دقیقاً ما هم داشتیم و در کارگاه علوم درس هنر را اجرا کردیم.

هنر باید از مدیران دعوت کنیم که فضایی را به کارگاه هنر اختصاص بدهند؛ این خیلی اهمیت دارد.
یوسفی معمولاً ما در مدارس اتاق خالی داریم ولی تجهیز کردنش در دسر دارد.

محمد رضا کوچکی دبیر هنر هستم از شهرستان آبدانان، که تقریباً ۱۴۰ کیلومتر با ایلام فاصله دارد. معمولاً بچه‌ها مدرسه که تمام می‌شود، همه کتاب‌ها را دور می‌ریزند. من معتقدم کتاب هنر باید آن قدر زیبایی بصری داشته باشد و آن قدر زیبا باشد که آن را دور نیندازند و بگذارند در کتابخانه. واقعاً باید این‌گونه باشد ولی متأسفانه نیست.

هنر اگر شما مؤلف کتاب‌های درسی بودید، چه تغییراتی در آن‌ها می‌دادید؟

کوچکی خیلی از مطالب این کتاب‌ها اضافی است. من فکر می‌کردم که چه چیزی مهم است و آن را اضافه می‌کردم. در عصر ماشین و سرعت، همه چیز دارد تند می‌گذرد و هنرهای ما، مثل خوشنویسی و موسیقی آرام‌اند. در دنیای معاصر باید بگردیم مخاطب خود را بشناسیم. مخاطب من چه کسی است و چه می‌خواهد؟ من زمینی را که می‌خواهم در آن بذر بکارم باید بشناسم و بدانم که به چه چیزی بهتر جواب می‌دهد. مخاطب من قطعاً همه این چیزهایی را که در کتاب است، نمی‌پذیرد. من تجربه کرده‌ام دیده‌ام که نمایش واقعاً جواب می‌دهد. من به بچه‌ها می‌گویم نمی‌خواهم در کلاس‌هایم بازیگر بار بیآورم. من در کلاس بچه‌های خیلی ساکت و منزوی دارم که شاید به ظاهر توسری‌خور هم باشند ولی در نمایش می‌بینم که اصلاً جور دیگری ظاهر می‌شوند؛



هستید و وظیفه‌تان این است که بروید مطالعه کنید. تو باید بستر کار را از آن‌ها نگیری و بگویی بچه‌ها این نمایش فی‌البداهه است؛ بیایید کار کنیم. من نمی‌خواهم کار خیلی تخصصی بشود؛ چون گفتم که نمی‌خواهم بازیگر بار بیآورم. حالا کسی که هدایت و علاقه‌مند شد و خودش پیگیری کرد که عالی است ولی فعلاً می‌خواهم از بچه‌ای که در کلاس من هیچ فعالیتی ندارد، کار بکشم. من دبیر هنر هستم و برای این کار پول می‌گیرم و نسبت به

کوچکی: معتقدم کتاب هنر باید آن قدر زیبایی بصری داشته باشد و آن قدر زیبا باشد که آن را دور نیندازند و بگذارند در کتابخانه

تک‌تک بچه‌ها تعهد دارم. من دانش‌آموز دختر داشتم که وقتی تمرین خوشنویسی می‌دادم، کار نمی‌کرد و می‌گفت بلد نیستم یا حوصله ندارم. نقاشی می‌دادم؛ کار نمی‌کرد. یک بار به او گفتم این‌گونه نمی‌شود که همین‌جوری بیاید به کلاس من و برود و کاری نکند. باید کاری از او بگیرم که بتوانم نمره‌ای به او بدهم. یک روز به او گفتم امروز می‌خواهم با شما قصه‌نویسی و قصه‌گویی کار کنم. ۵ دقیقه فکر کنید و قصه‌ای را که نه انیمیشین آن را دیده نه داستان یا مثل آن را شنیده باشید، خودتان خلق کنید. بعضی‌ها ۵ دقیقه فکر می‌کردند و خودشان چیزی می‌نوشتند اما برای من آن دانش‌آموزی مهم بود که هیچ کاری انجام نمی‌داد. به هر حال نوشت و من داستانش را خواندم و از او تعریف و تمجید کردم. گفتم اگر این کار را انجام نداد از یک راه دیگری وارد شوم. دیدم جواب می‌دهد. از او خواستم وقتی من به بچه‌ها تکلیف خوشنویسی و نقاشی می‌دهم و او نمی‌تواند انجام دهد، یک قصه برای من بنویسد. او هم قصه می‌نوشت و برایم می‌آورد. در حال حاضر که دبیرستان را تمام کرده، سه دفتر داستان نوشته دارد و پدرش با یک انتشاراتی در تهران صحبت کرده است و می‌خواهد داستان‌هایش را چاپ کند.

برومندان هنرآموز هنر دوره اول متوسطه هستم و دو سال است به بچه‌ها هنر درس می‌دهم. در پایه ابتدایی اصلاً به درس هنر اشاره نشده است. دانش‌آموز کلاس ششم و پنجم ابتدایی حداقل با روبه‌رو شدن با تکنیک‌های ساده چاپ، ترکیب رنگ‌ها

چقدر صمیمی و چقدر ریزبین ... بعد از دیدن همه بچه‌های نمایش، آن شخص خودش را نشان می‌دهد. در نمایش آدم مجبور می‌شود دیده شود و من تشخیص می‌دهم که فلان شخص خیلی مزوی و ساکت است و اگر تنها بیاید شاید کار را خراب‌تر کنم. پس چند تا دیگر هم همراهش می‌کنم و از آن‌ها می‌خواهم نقش‌آفرینی کنند. لازم نیست او دیالوگ هم بگوید همین‌که روبه‌روی خودش همه چشم‌ها را می‌بیند، تقویت می‌شود. بعضی مواقع از کتاب استفاده چندانی نمی‌کنم؛ چون می‌ترسم بچه‌ها با کتاب دشمن شوند. دوست دارم کتاب را با عشق باز کنند ولی این اتفاق نیفتاده است.

جناب کوچکی، در ارتباط با تجارب خود در زمینه نمایش اگر نکاتی هست برای ما بازگو کنید.

کوچکی من اول ایجاد انگیزه می‌کنم. استان ما واقعاً از لحاظ صنایع‌دستی پر بار است. خیلی‌ها هستند که می‌گویند که من هیچ استعدادی ندارم، ولی من می‌گویم این‌گونه نیست و خدا از روح خودش در ما دمیده است ما هم در حد خودمان خلاق و آفریننده‌ایم. بعد می‌گویم برای این حرف، دلیل هم دارم؛ مادربزرگ من نه دانشگاه رفته و نه دوره دیده، ولی زیباترین قالی‌ها را بافته است. امکانات هم کسی برایش نیاورده و از امکانات خودش استفاده کرده است. او در اطرافش از بز و گوسفند استفاده کرده و برای زیر پایش قالی بافته و سیاه‌چادر درست کرده است. درواقع، مادربزرگ من و شما بدون اینکه کلاس رفته و دوره دیده باشند چه چیزهایی آفریده‌اند و بنابراین، بزرگ‌ترین هنرمندان هستند. قالی‌های ما ۷۰ سال عمر می‌کند و دانش‌آموز ما با خود می‌گوید که آن قالی در خانه کار دست مادربزرگم است؛ پس این یک هنر است.

یعنی فرایند تدریس را بر اساس داشته‌های هنری محیط جلو می‌برید؟ در بحث نمایش چه پیشنهادی برای همکاران دارید؟

کوچکی همیشه به همکارانم توصیه می‌کنم مطالعه کنید؛ چون دبیر تمام هنرها

و یک کلاس را گرد تشکیل دادند. حالا کارها را این طور انجام می‌دهیم. بعضی از بچه‌ها هم دوست دارند دراز بکشند و طراحی انجام دهند. من اصلاً محدودیتی در کلاس ندارم. بچه‌ها حتی اگر بخواهند می‌توانند روسری‌هایشان را در بیاورند و راحت باشند. هیچ بحثی نیست و هیچ معنی وجود ندارد و من از این کار خیلی نتیجه گرفته‌ام.

✳️ **مریم خدارحمی** کارشناس کارگاه فنی

و حرفه‌ای هستیم. قبلاً در هنرستان بودم و جدیداً در اداره کل هستیم. بعد از سال‌ها فهمیدیم هنر با زحمات دوستان می‌تواند در استان جایگاه داشته باشد. در بحث جایگاه هنر هم نکته‌ای را بگویم و آن اینکه، به نظر من ما هنر را بریده‌بریده آموزش می‌دهیم. درحالی‌که در کشورهای اروپایی هنر را از جایگاه یکدست بیرون آورده‌اند و آن به‌عنوان چتری برای آموزش رشته‌های دیگر در کنار ریاضی، موسیقی تدریس می‌شود. در دانشگاه فرهنگیان موسیقی تدریس می‌شود اما گفته‌اند صدای ساز بیرون نیاید!

✳️ **بیگی** علی بیگی از شهرستان سیروان

هستیم و ۱۳ سال سابقه تدریس دارم. در کلاس درس هنر را از خلاقیت و تلاش جدا نمی‌دانم و معمولاً دانش‌آموز را به سمتی هدایت می‌کنم که در کار خود خلاقیت داشته باشد. به صرف اینکه مثلاً این کتاب درس «بافت» را این طور توضیح داده است، من نباید دقیقاً به همان شیوه کار کنم من برای کار بچه‌ها در کلاس محدودیت نگذاشته‌ام.

✳️ **جمع‌بندی شما از سه کتاب**

درسی جدید چیست؟

✳️ **بیگی** کتاب جدید تصاویر واقع‌گرایانه‌تری

دارد. اگر از تصاویر هنری بیشتری در کتاب استفاده شود، بهتر است و جذابیت کتاب بیشتر خواهد شد. الان در بخش نقاشی، بخش رنگ و ترکیب رنگ کاملاً حذف شده است. من در کلاس درس این را کنار نگذاشته‌ام و آن را انجام می‌دهم.

✳️ **ایوب قیطاسی** مطالب کتاب باید همانند



و شناخت رنگ‌های سرد و گرم، حتی ارائه دادن تابلوهای خیلی ابتدایی و ساده از ترکیب اشکال هندسی می‌تواند آشنایی مختصری با هنر پیدا کند. کتاب پایه هفتم جای بحث و نقد بسیار دارد. متأسفانه مطالبش خیلی زیاد ولی درعین حال کم محتواست؛ مثلاً به ترکیب رنگ‌ها اصلاً اشاره نکرده است. رنگ‌های گرم و سرد و چرخه رنگ ایتن را که اصلی‌ترین چرخه رنگ در هنرهای تجسمی است، و حتی در دانشگاه هم به آن اشاره می‌شود، در کلاس هفتم ما اصلاً نداریم. مشکل اصلی کار اینجاست که از پایه هشتم تصویرسازی شروع شده است. دانش‌آموزی که هنوز رنگ سرد و گرم تعادل، ریتم، نظم و ترکیب را یاد نگرفته، چطور می‌تواند تصویرسازی را خیلی ساده و خیلی خلاقانه انجام دهد؟ پیشنهاد همکاران این است که در دوره ابتدایی حداقل به درس تصویرسازی اشاره شود تا ما با این دو مشکل مواجه نباشیم.

✳️ **خانم برومندان، لطفاً یکی دو**

تجربه لذت‌بخش کلاس را اگر در ذهنتان است بفرمایید.

✳️ **برومندان** تجربه شخصی من این بود که

خیلی از دانش‌آموزان به خاطر اینکه از درس هنر فرار کنند، اعتراض می‌کردند که خانم ما پشت این میزهای چوبی خسته می‌شویم و نمی‌توانیم کار کنیم. چون مدیر ما خیلی ناراضی بود که کلاس را در نمازخانه برگزار کنیم و می‌گفت که رنگ می‌ریزد و آنجا کثیف می‌شود، من گفتم که از خودم هزینه می‌کنم. یک زیرانداز که خیلی گران‌قیمت هم نیست، به کلاس بردم و روی زمین انداختم. بچه‌ها دور نشستند

برومندان:
دانش‌آموزی که هنوز رنگ سرد و گرم تعادل، ریتم، نظم و ترکیب را یاد نگرفته، چطور می‌تواند تصویرسازی را خیلی ساده و خیلی خلاقانه انجام دهد؟



پل گاومیشان
معماری دوره ساسانی
در مسیر رود سمیره



کلاس برای کنترل کلاس هم بهتر است.

✿ قیطاسی ✿ آیا درباره گل تجربه موفق‌تری دارید؟

✿ قیطاسی ✿ در این زمینه، من بیشتر توجهم به حوزه استعدادیابی است. در اولین جلسه بچه‌ها را بررسی می‌کنم تا بفهمم به چه رشته‌ای علاقه‌مندند و آن‌ها را به همان سمت هدایت می‌کنم. آزادشان می‌گذارم تا خود جلو بروند. من به کتاب تکیه ندارم و بر اساس کتاب تدریس نمی‌کنم؛ چون هنر را نمی‌توان به دانش‌آموزان تحمیل و تلقین کرد. هنرهای سنتی شاید الان نتوانند با تولید و صنعت روز رقابت کنند ولی قطعاً از نظر کیفیت بالاترند. در کشورهای اروپایی نه تنها هنرهای سنتی را حذف نمی‌کنند بلکه از آن‌ها در حوزه صنعت و برای گسترش بازار استفاده می‌کنند. اکنون بیش از هر چیزی نیازمند آنیم که نیروهایی که به جامعه می‌دهیم، از هنرهای خود استفاده کنند و درآمدی داشته باشند.



✿ سادات نژاد ✿ از نقاط قوت کتاب‌ها یکی این است که درس‌ها زیاد است و حجم بالا

رفته و تنوع باعث شده است استعداد دانش‌آموز شناسایی شود. می‌توان به دانش‌آموز خط داد تا در متوسطه دوم به راحتی انتخاب رشته کند. در دوره قبل، کتاب‌ها این مسئله را نداشتند. این کتاب‌ها به دانش‌آموز نشان می‌دهد که چه رشته‌ای را می‌تواند ادامه دهد.

✿ ✿ اگر نکاتی باقی مانده است، بفرمایید.

✿ خرانی ✿ در مدرسه با خواهش و تمنا،

مکانی را برای کارگاه هنر گرفته‌ام و سر کلاس موسیقی می‌گذارم. ده دقیقه صحبت می‌کنم و در زمان بازدید کار دانش‌آموزان موسیقی می‌گذارم و از این جواب گرفته‌ام. کلاس من ساکت‌ترین کلاس مدرسه است. تجربه موفق‌تری است. کار برتر یا چند کار برتر را در کلاس معرفی می‌کنم و سر کلاس به دیوار می‌زنم و در آخر

کتاب‌های دیگر پیش‌نیاز مطالب سال‌های بعد باشد و نظمی داشته باشد. موضوعی که در درس هنر اهمیت دارد، شناسایی استعداد دانش‌آموزان است. در کلاس توجه خود را بیشتر روی درس متمرکز نمی‌کنم. بلکه روی استعداد دانش‌آموزان متمرکز هستم. برای نمونه، با کسانی که در حوزه نمایش استعداد دارند، بیشتر در آن زمینه کار می‌کنم. استعدادشناسی انجام می‌دهم و از کسانی که به نقاشی یا عکاسی علاقه دارند، گروه نقاشی و عکاسی و ... تشکیل می‌دهم. بچه‌هایی را که به عکاسی علاقه دارند، با مبصر کلاس به حیاط می‌فرستم و همان زمان گروهی در نمازخانه به کار نمایش مشغول‌اند و گروه دیگر در کلاس نقاشی کار می‌کنند.

✿ ✿ خروجی این روش چه بوده است؟

✿ قیطاسی ✿ دانش‌آموز نمی‌تواند همه هنرها را بیاموزد و ما فقط می‌خواهیم به چیزی که درونش هست، جواب دهیم بچه‌ها می‌فهمند چه استعدادهایی دارند. اگر دانش‌آموزی در نمایش خود را ضعیف ببیند وارد حوزه دیگری می‌شود.

✿ ✿ کارکرد سفال برای دانش‌آموز امروز چگونه است؟

✿ قیطاسی ✿ هیچ چیز به اندازه گل نمی‌تواند مشوق خلاقیت دانش‌آموز باشد. گل حالتی دارد که از بچگی به آن علاقه‌مندیم و کار با آن از بچگی در ذات ما وجود دارد. دانش‌آموزان من اکثراً روش درست کردن گل را بلدند. با گل می‌توان طراحی و نقاشی کرد و حجم‌ها را شکل داد. ایلام یکی از نقاط قدیمی در سفال است. الان اهمیت آن کم شده و این به خاطر تغییراتی است که در صنایع ایجاد شده است.

✿ ✿ شما از چه روش‌هایی برای علاقه‌مند کردن بچه‌ها استفاده می‌کنید؟

✿ قیطاسی ✿ همیشه گل سر کلاس دارم. دانش‌آموزان که حوصله ندارند، وقتی گل به دستشان بدهید روحیه‌شان عوض می‌شود و درجا وارد فضای هنر می‌شوند. داشتن گل در



نداشتید هفته آینده بیاورید، ولی کار را بالأخره می‌خواهم.

✳️ **یوسفی** بنده معتقدم که نمی‌توانیم بگوییم دانش‌آموز هیچ انگیزه‌ای ندارد. می‌توان در دانش‌آموز خلاقیت ایجاد کرد. دانش‌آموزان پسر با کتاب هنر مشکل بیشتری دارند. دانش‌آموز در کلاس پای خود را دراز می‌کند و نه کتاب و نه دفتر و نه مداد همراه خود نمی‌آورد. وقتی از او خواستیم که کار لذت‌بخش خود را نام ببرد، گفت هیچ کاری. از او خواستیم وقتی از خانه به مدرسه می‌آید، سنگ‌ریزه‌های زیبا را جمع‌آوری کند. چند روز بعد گفتیم این‌ها را رنگ کنید و همین کار هنر است. حداقل بهانه‌ای است که به شما نمره بدهم. ما کارگاه‌های تخصصی برگزار کردیم و بنده استاد عکاسی دعوت کردم و کلاس بسیار کاربردی بود ولی همکاران استقبال نکردند. فقط ۲۰ نفر حضور داشتند. آقای کوچکی می‌گویند تاثیر کار شود ولی اگر کارگاه تاثیر هم بگذاریم، کسی استقبال نمی‌کند. ما قدری تبیل هستیم. همکاران خانم خیلی خوب هستند اما همکاران آقا متأسفانه انگیزه لازم را ندارند.

✳️ **ه** مباحث خوبی مطرح شد. از شما دبیران محترم هنر که در این گفت‌وگو شرکت کردید، سپاسگزارم.

سال دغدغه این را ندارم که نمایشگاهی از کار بچه‌ها داشته باشیم. از قبل مقوا آماده شده است و وقتی کارهای برتر را اعلام می‌کنیم، همان‌جا روی مقوا می‌چسبانیم و به دیوار می‌زنیم.

✳️ **محمدی** در جلسات ضمن خدمتی که آقای یوسفی، سرگروه هنر استان، برگزار می‌کنند، آخر جلسه مختص تجارب همکاران است. در ضمن خدمت چنین میزگردی داریم و این تجارب ارائه می‌شود و در تدریس همکاران تاثیرگذار است. ما با ضمن خدمت مشکل داریم و مسیر دور است ولی در عین حال، ضمن خدمت تاثیرگذار است. لازم است دوره‌های تخصصی برای گروه هنر طراحی و برگزار شود و آن‌ها را که در تهران هستند، به استان‌ها نزدیک کنند.

✳️ **کوچکی** معتقدم که باید هنرهای کاربردی یعنی هنرهایی را که بچه‌ها بیشتر با آن سروکار دارند، با بچه‌ها کار کنیم. بچه‌ها قطعاً عکاسی کرده‌اند؛ پس می‌توانیم این را کاربردی کنیم تا آن‌ها به هنر علاقه‌مند شوند. جامعه به زیبایی‌شناسی نیاز دارد. زیبایی‌شناسی باید آموزش داده شود. در کلاس هنر همیشه باید تشویق باشد. بچه‌ها باید هنگام انجام کار آرامش و آسایش داشته باشند تا از کلاس لذت ببرند. در کلاس من اگر دانش‌آموزی باشد که کارش را انجام نداده است، می‌گوییم اگر حوصله

قیطاسی:
هیچ چیز به اندازه گل نمی‌تواند مشوق خلاقیت دانش‌آموز باشد. گل حالتی دارد که از بچگی به آن علاقه‌مندیم و کار با آن از بچگی در ذات ما وجود دارد

مشق شکفتن

گزارشی از جشنواره نوآوری در آموزش و یادگیری (بخش هنر)

کاوه تیموری

اشاره

جشنواره نوآوری در فرایند آموزش و یادگیری در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ گام دوم خود را برداشت. در جشنواره دوم حضور مؤثر دبیران هنر بسیار خیره کننده بود؛ زیرا علاوه بر شرکت خودجوش همکاران هنر شاهد برگزیده شدن گروه‌های مشارکت کننده بودیم. برگزیده شدن ۱۴ گروه در رتبه اول تا سوم آمار کمی و کیفی مناسبی بود که بیش از ۴۲ همکار هنر را به محل جشنواره فراخواند. نقش گروه‌های آموزش هنر و دبیرخانه فرهنگ و هنر در هدایت و رهبری و انگیزه بخشی به همکاران نیز در خور توجه است. در جشنواره مذکور، حاصل کار گروهی همکاران هنر در قالب فیلم‌های ۲۰ دقیقه‌ای تدریس ارائه شد و فرصت مناسبی برای نقد و تحلیل فرایند تدریس آنان فراهم آمد. در این گزارش نگاهی کوتاه به درون‌مایه و محتوای جشنواره خواهیم داشت.



نوآوری در فرایند آموزش و یادگیری برای دبیران هنر این فرصت را فراهم کرد که از نمادهای آشنا در فرهنگ ایرانی در کلاس‌های خود استفاده کنند



رویکردهای مورد تأکید جشنواره دربردارنده موارد زیر بود:

- ترویج فرهنگ کار گروهی و مشارکتی
- توجه به محیط زیست
- تقویت هویت اسلامی-ایرانی
- ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی
- ترویج ارزش کار و کارآفرینی
- توجه به فرهنگ مصرف درست انرژی.

به همین‌سان، برنامه‌ریزان حوزه معاونت آموزش متوسطه (متوسطه اول) محورهای هفت‌گانه زیر را برای تجلی توانمندی‌های دبیران هنر برگزیده بودند:

- محور ۱- نوآوری در روش‌های تدریس با تأکید بر رویکرد فعالیت
- محور ۲- فرصت‌های یادگیری متنوع محیطی
- محور ۳- تولید و به‌کارگیری وسایل آموزشی و دست‌ساز
- محور ۴- روش‌های ارزشیابی فرایندمحور و عملکردی

محور ۵- فناوری اطلاعات و ارتباطات

محور ۶- روش‌های مشارکت اولیا

محور ۷- روش‌های ایجاد نشاط و انگیزه.

تنوع تدریس همکاران درس هنر جذابیت فیلم‌های تدریس را دوچندان کرده بود. همچنین، محورهای پرجاذبه جشنواره نوآوری در فرایند آموزش و یادگیری برای دبیران هنر این فرصت را فراهم کرد که از نمادهای آشنا در فرهنگ ایرانی در کلاس‌های خود استفاده کنند. گره زدن موضوع «هفت‌سین» با هنرهای تجسمی یکی از این موارد بود. در فرایند کار، معلم خوش‌ذوق یاسوجی از وسایل و مواد مستعمل، ساده و ضایعات دورریز برای ساخت‌وساز عناصر هفت‌سین توسط بچه‌ها و والدینشان بهره گرفته بود. حضور والدین و مشارکت آن‌ها با فرزندانشان احساس خوشی را رقم می‌زد که به‌طور حتم به خاطره‌آفرینی‌های تربیتی اولیا و بچه‌ها و معلم تبدیل خواهد شد. معلمی در جریان تدریس می‌گفت: «با این وسایل کسی می‌تواند چه کار کند؟» این نکته، نقطه عزیمت خلاقیت هنری

والدین و فرزندانشان بود که در زمان کوتاهی منجر به شکل‌گیری هفت‌سین رنگینی شد که مخاطب با تمام اجزای آن احساس آشنایی می‌کرد. حضور اولیا نکته بسیار اثرگذار در جا افتادن درس بسیار مهم هنر است. وقتی اولیا با لباس‌های بومی و محلی خود به کلاس می‌آیند، گویی در حرکتی خودجوش و طبیعی بر اعتمادبه‌نفسشان افزوده می‌شود. به همین دلیل بود که این معلم هنر (سرکار خانم پشتکار) یادآوری می‌کرد که حداقل چند نوبت اولیا را با فرزندانشان در کلاس هنر حاضر کنیم و از مشارکت دل‌نشین و اثرگذار آن‌ها بهره بگیریم؛ زیرا در قوام شخصیت خود و فرزندانشان اثرگذار خواهد بود.

درگیر کردن مستقیم بچه‌ها با رنگ در درس گرافیک محیطی و تلفیق و در هم آمیختن رنگ‌ها و در نهایت به دست دادن تصویری زیبا از طبیعت محیط زندگی توسط بچه‌ها بسیار مهیج و شورانگیز است. خاطره مشارکت جمعی دانش‌آموزان و دبیر هنر در خلق و به نتیجه رساندن اثر هنری در دیوار مدرسه موجب تلطیف حس زیبایی‌شناسی آن‌ها می‌شود و به این ترتیب وجه کاربردی هنر مورد تأکید قرار می‌گیرد. آموختن نحوه رنگ‌آمیزی، آن هم در پشت دست دبیر هنر، حسی تازه و زنده و ماندگار را شکل می‌دهد. این همان معنی واقعی آموزش هنر است به تعبیر استاد شهریار «مشق شکفتن» را تداعی می‌کنند. بچه‌ها در کلاس هنر نیاز دارند که انرژی روانی خودشان را تخلیه کنند و این کار آن‌ها را به این باور می‌رساند که می‌توانند در تولید و جوشش هنری تجربه‌های خوشایندی داشته باشند. فیلم‌های تدریس معلمان هنر به‌رغم برخی از کاستی‌های اجتناب‌ناپذیر، وجوه بسیار مطلوبی را دارا بودند:

- ورود گام‌به‌گام برای شروع درس و استفاده

از تجربه روزمره دانش‌آموزان

- استفاده از تمام حواس دانش‌آموزان در

یادگیری

- چیدمان مطلوب کلاس برای تأثیرگذاری

تدریس و ایجاد فضا برای کارهای عملی



برخی نکات مهم:

- لازم است دبیران گران‌قدر هنر شیوه کیفی تدریس خود را از دایره جشنواره مذکور و جشنواره‌های مشابه به کلاس تعمیم دهند و در نظر داشته باشند که تمام این مقدمات برای آن است که در کلاس نتیجه مطلوب تدریس حاصل شود. به عبارتی، نهادینه شدن تدریس کیفی در کلاس غایت و هدف نهایی جشنواره‌هایی از این‌گونه است.

- در این جشنواره، سطح کیفی تدریس دبیران هنر ارتقا یافته بود. بر این اساس، لازم است سی‌دی تصویری آن با تدوین و تنظیم مناسب در اختیار سایر همکاران قرار گیرد و آنان نیز در این تجربه مهم شریک شوند.

- برای پا گرفتن نهضت همگانی تدریس برتر (حداقل در حوزه هنر) پیشنهاد می‌شود جشنواره‌های منطقه‌ای و استانی طراحی گردند. جذب دبیران هنر جوان در این مورد ضروری است. در واقع گروه‌های مشارکتی هنر باید ترکیبی از جوانان و با تجربه‌ها را در کنار هم داشته باشند و جشنواره فقط در چنبره اختصاصی دو یا چند دبیر باتجربه قرار نگیرد. به عبارتی، هر سال چهره‌های تازه با ایده‌های تازه در جشنواره حضور یابند.

- جشنواره این نکته را نمایان ساخت که دبیران موفق و متخصص هنر از توانمندی مورد انتظار در اقلان و بهره‌گیری دانش‌آموزان برخوردارند. در واقع، جمع بین تخصص هنری و لطافت منش و روش معلم هنر، معلم محبوب هنر را شکل می‌دهد که همواره مورد اقبال و استقبال دانش‌آموزان است. به همین‌سان توانمند شدن دبیر هنر در مراحل آموزش و آموزش ضمن خدمت امری بایسته و ضروری است.

- برای همکاران گرامی هنر آرزوی توفیق روزافزون داریم و امیدواریم این شکوفایی در جشنواره‌های آتی و موارد مشابه همچنان تداوم یابد. رشد هنر از همت مستدام همکاران آموزش متوسطه اول برای برگزاری چنین جشنواره ارزشمندی تشکر می‌کند.

- ایجاد نشاط‌آوری لازم در دانش‌آموزان

- ارائه‌نمایی از زیبایی آفرینش با اثرانگشت

- ایجاد شرایط برای لذت بردن از موسیقی و ایجاد انگیزه مناسب در درس ریتم.

این‌ها نمونه‌هایی از وجوه مثبت و اثرگذار همکاران هنر بود. در تلفیق هنر و فناوری، تدریس‌های به نمایش گذاشته شده حاکی از آن است که فرازوفرودهای این راه کم نیست. در فرایند تدریس و پیوند دادن هنر با مظاهر فناوری جدید در بین همکاران هنر کمبود و کاستی‌های وجود دارد. در حقیقت، هنگام در هم‌آمیزی کار عملی هنر با تکنیک‌های رایانه‌ای باید توجه داشت که هسته هنری در دانش‌آموز و معلم دچار ضعف نشود. تدریس مباحث هنری با رایانه مستلزم آن است که فرایند درسی از مقدمه، بدنه بحث و نتیجه و کارآمدی لازم برخوردار شود. در مجموع، اجرای دستی که حس هنری را به‌خوبی منتقل می‌کند، شرط لازم برای ورود به چنین فضایی است؛ زیرا خالی شدن درس هنر از حس و حال لازم با اهداف این درس که همانا تلطیف ذوق زیبایی‌شناختی است، در تضاد قرار می‌گیرد. در این فیلم‌ها که هدف آن‌ها نوآوری در تدریس و فرایند یاددهی یادگیری بود، بیشتر از هر چیز سوز و عشق معلمی رامی‌توانستیم نظاره کنیم. به‌خوبی می‌شد حس کرد که لحظات شورانگیز تدریس معلمان هنر، بیانگر فراموشی خود و غرق شدن در دریای بی‌منتهای معلمی است و این همان نکته مهمی است که در کلاس‌های درس، دیرگاهی است کم‌رنگ شده و جای خالی آن مشهود است. باید افزود که در ارتقای شیوه‌های تدریس، آشتی بین این شیوه‌ها و تکنیک‌های رایانه‌ای بال پرواز مضاعفی به معلم برای انتقال معانی بخشیده است. دبیران هنر از فناوری‌های روز در تدریس مباحث تصویرسازی، چرخه رنگ، گره و سایر مضامین بهره گرفته‌اند. ضمن آنکه هم‌زمان با درگیری مستقیم با کار عملی، به آن عمق و توسعه لازم را بخشیده‌اند و این نکته از افق‌های روشن نظام آموزش هنری است.



علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به درس هنر در دوره متوسطه اول

ریحانه مهرآوران

اشاره

اقدام پژوهی از سنت‌های پسندیده پژوهشی است که حدود دو دهه از پای گرفتن آن می‌گذرد. در این شیوه پژوهشی، معلمان و دبیران در دنیای کلاس شیوه‌های مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه و همچنین روش‌های کیفی پژوهش را در بین دانش‌آموزان تجربه می‌کنند. گرچه دایره تعمیم این شیوه مختص به خود کلاس با توجه به تفاوت‌های فردی و محیطی است باز می‌توان از خلال گزارش‌های پژوهشی از این دست به نکات درخور اعتنایی نیز دست یافت. همکاران درس هنر نیز در این راستا تجاربی دارند که یکی از آن‌ها پژوهش خانم ریحانه مهرآوران، دبیر هنر آموزش و پرورش ناحیه ۱ یزد است. در این پژوهش ایشان برای پژوهش خود عنوان «چگونه توانستم دانش‌آموزان را به پژوهش هنر علاقه‌مند سازم» را برگزیده‌اند. گزارش فعلی با استفاده از گزیده‌هایی از اقدام پژوهی ایشان تنظیم شده است. این گزارش با بیان مسئله در سه محور زیر آغاز شده است:

- دانش‌آموزان در زمینه‌های مختلف هنری بی اطلاع یا کم اطلاع‌اند.
- بی اطلاعی یا کم اطلاعی دانش‌آموزان از رشته‌های مختلف هنری باعث انگیزه کم آن‌ها برای مشارکت در امور هنری شده است.
- دانش‌آموزان در این دوره تحصیلی اطلاع دقیقی از نحوه صحیح و اصولی تحقیق و پژوهش ندارند.

- به دلیل حس رقابت که در آن‌ها وجود دارد، روحیه تعامل و همکاری در کار گروهی در آن‌ها کم است.

با هر چهار محور فوق در بسیاری از کلاس‌های هنر مواجه می‌شویم با این وصف، محقق اهداف خود را از تحقیق این‌گونه برشمرده است:

۱. یافتن راه‌هایی برای آشنا کردن دانش‌آموزان با هنرهای ایران و جهان
 ۲. یافتن راه‌هایی برای علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به رشته‌های مختلف هنری
 ۳. یافتن راه‌هایی برای کشف استعدادها و هنرهای دانش‌آموزان
 ۴. یافتن راه‌هایی برای علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به تحقیق و پژوهش هنری
 ۵. یافتن راه‌هایی برای تقویت همکاری و تعامل دانش‌آموزان در گروه
 ۶. یافتن راه‌هایی برای ایجاد اعتمادبه‌نفس در کارهای هنری
 ۷. یافتن راه‌هایی برای تغییر دید و نگرش دانش‌آموزان نسبت به محیط پیرامون خود و زیبایی‌های آن.
- با توجه به اهداف فوق، دبیر هنر با ایجاد پیوند بین فناوری و آثار هنری اقدامات زیر را انجام داده است:
- معرفی هنرهای مختلف ایران و جهان
- نمایش عکس و فیلم از طبیعت و زیبایی‌های آفرینش



بازدید از نمایشگاه‌های هنری و اماکن تاریخی و سنتی



برگزاری نمایشگاه از آثار هنری دانش‌آموزان



برگزاری نمایشگاه از پژوهش‌های هنری دانش‌آموزان

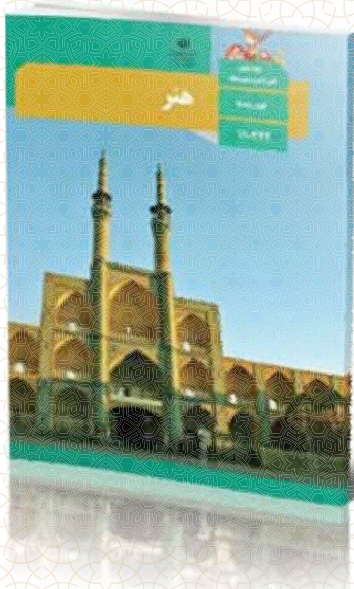
شورونشاط در بچه‌ها
 - ایجاد حس تعامل و همکاری در کارهای گروهی
 در دانش‌آموزان
 - تقویت اعتماد به نفس دانش‌آموزان در کارهای هنری
 - برگزاری نمایشگاه از پژوهش‌های هنری دانش‌آموزان و نگهداری در کتابخانه مدرسه
 - برگزاری نمایشگاه دائمی از آثار هنری دانش‌آموزان در مدرسه. ارزیابی کارشناسی حکایت از آن دارد که این اقدام پژوهی تلفیق حوزه علاقه و شناخت در دانش‌آموزان است که می‌تواند مانع رشد تک‌بعدی آن‌ها شود.

جمع‌بندی

همان‌گونه که مخاطبان ارجمند ملاحظه کردند، تلاش این همکار انعکاس‌دهنده محورهای مشترکی است که هر کدام از ما در سطح شهر و استان خود با آن‌ها درگیر هستیم، اما برای به بار نشستن دستاوردهای اقدام پژوهی در درس هنر، لازم است ابتکارات و شیوه‌های نوین تدریس و مورد توجه قرار دهیم. این نکته نقطه مشترک خانواده بزرگ دبیران هنر کشور است. رشد هنر ضمن تشکر از پژوهشگر محترم و از تمامی دبیران گران قدر دعوت می‌کند که چکیده‌های تحقیقاتی خود را برای استفاده در بخش «هنر در آیین پژوهش» به مجله ارسال کنند.

- بازدید از نمایشگاه‌های هنری و اماکن تاریخی و سنتی
 - برگزاری کارگاه‌های مختلف هنری در طول سال تحصیلی
 - گروه‌بندی و انتخاب موضوع پژوهش توسط دانش‌آموزان
 - برگزار مسابقه و همایش نقاشی همگانی
 - معرفی سایت‌های معتبر هنری به دانش‌آموزان
 - معرفی کتاب‌ها و نشریات هنری
 - برگزاری نمایشگاه‌های دوره‌ای از کارهای دانش‌آموزان
 - برگزاری کارگاه‌های زنده هنری و بازارچه فروش آثار.

تجربه ثابت کرده که تدریس مطلوب درس هنر هیچ‌گاه از موارد ده‌گانه فوق جدا نبوده است. در واقع، کارگاه و نمایشگاه و مسابقه هنری و سایر موارد اشاره‌شده ارکان تدریس پویا در درس هنراند. به همین دلیل، در این محوره‌است که دبیران هنر می‌توانند با محقق این اقدام پژوهی در شیوه‌های تدریس درس هنر همذات‌پنداری کنند و این روش‌ها را متناسب با محیط و شرایط فرهنگی و هنری مورد توجه قرار دهند. از نظر پژوهشگر، این اقدام پژوهی به دستاوردهای ذیل نائل آمده است:
 - شناسایی استعداد‌های هنری دانش‌آموزان و جهت دادن به این استعدادها بر مبنای نگاه چندبعدی
 - پویایی در کارهای جنبی مدرسه و روحیه



نگاهی بر هنر پایه دهم و

چالش‌های روبرو

علی شریف کاظمی

دبیر هنر ناحیه ۴ آموزش و پرورش استان البرز

زیباشناختی از جمله مبانی هنرهای تجسمی. این امر محقق نمی‌شود مگر با وجود دبیران متخصص در دوره‌های پایین‌تر یعنی دوره اول متوسطه که دانش‌آموزان را بیشتر با مبانی هنری آشنا کرده و خود نیز آشنایی لازم با این مباحث داشته باشند.

کتاب هنر دهم مشتمل بر چهار پودمان است. نخستین پودمان به مفاهیم اساسی و بنیادین زیباشناختی و مطالعه مفهوم زیبایی و هنر می‌پردازد. در این پودمان تعاریف کلی در مورد زیبایی و هنر ارائه می‌شود. در پودمان دوم، دانش‌آموز باید با عوامل مؤثر در بارور شدن خلاقیت هنری آشنا شود و مهارت‌های لازم برای خلق یک اثر هنری را بیاموزد و در این امر راه‌حل‌های جدیدی پیدا کند و از خطر کردن هراسی نداشته باشد و پس از تولید کار

در سال ۱۳۹۵ کتاب هنر دهم با به عرصه کتب درسی دوره متوسطه دوم نهاد. در این کتاب مباحثی مشابه آنچه در دوره متوسطه اول آورده شده است و از دانش‌آموزان انتظار کار عملی یا انجام پروژه‌های عملی دارد کمتر دیده می‌شود. بیشتر مطالب کتاب نظری است. در اثنای این مطالب نظری انتظاراتی که از دانش‌آموزان به‌عنوان اهداف کلی درس می‌رود، از حیطه دانش و فهم فراتر رفته و در حیطه تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی است. اطلاعات فراگیرنده باید از مرحله درک و فهم هنری بالاتر باشد تا بتواند قدرت نقد داشته باشد، که نیازمند آگاهی از تمام زوایای یک بحث می‌باشد، و این امر محقق نخواهد شد مگر با بودن اطلاعات کافی در مورد یک موضوع هنری و تجربه دانش‌آموزان در مباحث

هنری اولیه، آن را بازبینی و اصلاح و سپس ارائه کند و در معرض مشاهده و قضاوت دیگران قرار دهد.

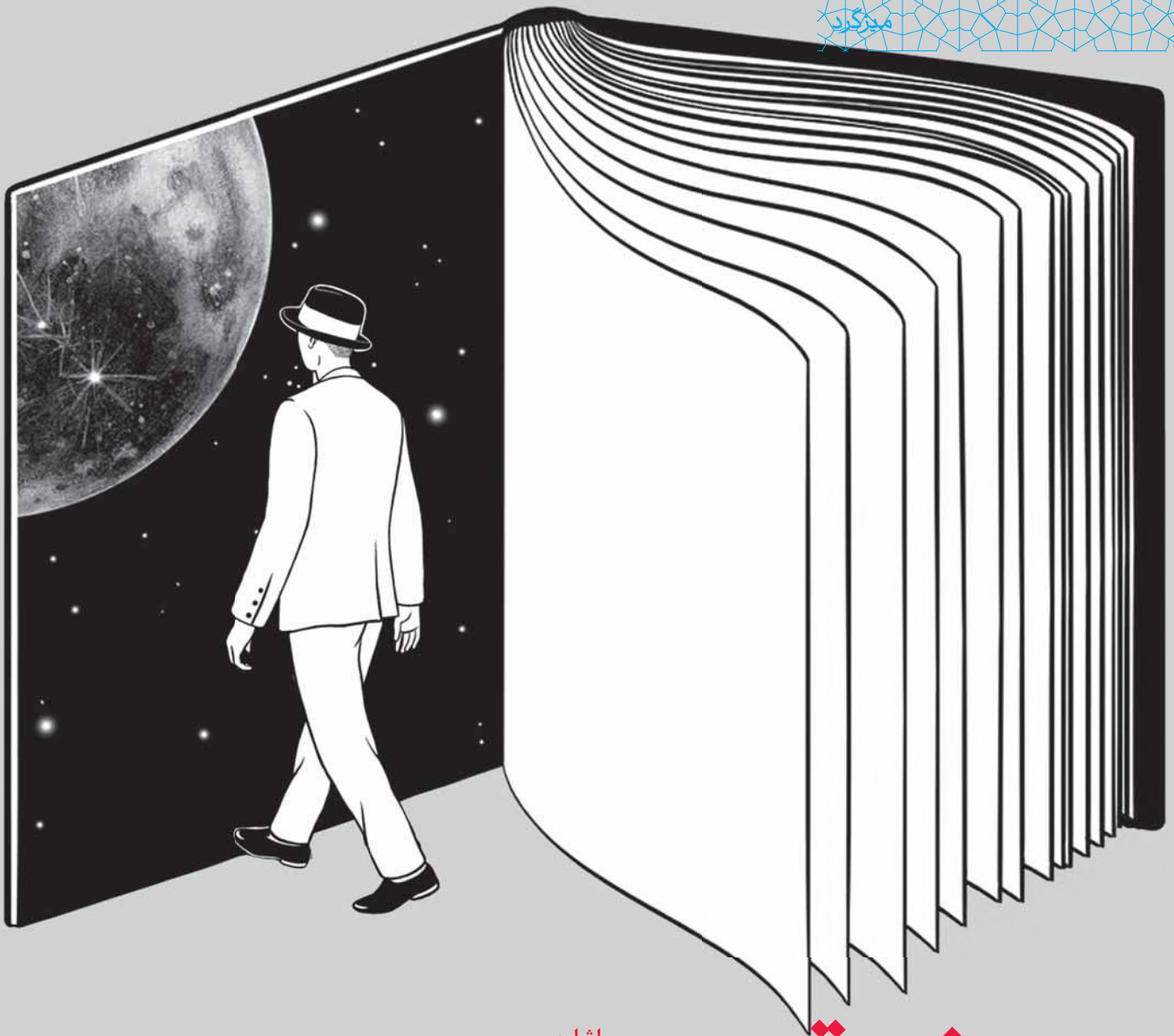
پودمان سوم به تجزیه و تحلیل آثار هنری و شناخت معیارهای زیبانشناختی بر اساس مؤلفه فضا، صدا و حرکت اختصاص دارد که شالوده اصلی شاخه‌های هنری مختلف را شکل می‌دهد.

در پودمان پایانی، یعنی پودمان چهارم، دانش‌آموزان با مهم‌ترین خصوصیات هویت‌بخش هنر ایرانی - اسلامی و راه‌های حفظ و نگاه‌داری میراث فرهنگی هنری آشنا می‌شوند. در پایان این پودمان، از فراگیرندگان انتظار می‌رود با شناخت شماری از ویژگی‌های فرهنگی و هنری ایران، به نقش آن‌ها در شکل‌دهی هویت خود پی ببرند و با محترم شمردن آن‌ها برای حفظ و ارتقای ارزش‌های فرهنگی تلاش کنند.

کتاب هنر دهم کتابی است کاملاً گسترده از مباحث زیبایی‌شناسی هنری و برای تدریس آن به فراگیرندگان، نیروی متخصص هنری مورد نیاز است که بتواند زمینه را برای ارائه مطالب هنری و هدایت مباحث گروهی در کلاس فراهم آورد و با مطرح کردن پرسش‌های حساب‌شده و مبتنی بر مبانی هنرهای تجسمی، بتواند به اهداف هر بخش برسد. نیروی متخصص هنری در دوره متوسطه دوم برای این منظور کافی نیست و این کاستی حلقه مفقوده موفقیت این درس می‌باشد. این را هم می‌توان با راهکارهای متفاوتی از جمله برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت برای همکاران علاقه‌مند به تدریس این درس و استفاده از نیروهای متخصص دوره اول متوسطه جبران کرد. در کتاب هنر پایه دهم دروس اختیاری و از جمله درس سواد رسانه و درس کارآفرینی به چشم می‌خورد. در زمستان ۹۴ وقتی درس هنر را در فهرست دروس دوره متوسطه دوم دیدم، خیلی خوشحال شدم و وجود آن را میان درس‌های شاخه نظری متوسطه دوم به فال نیک گرفتم. این درس یکی از سه درس انتخابی است که در پایه دهم و یازدهم ارائه می‌شود و دانش‌آموزان باید یکی از آن‌ها را در پایه دهم و دیگری را در پایه یازدهم بگذرانند، البته به صورت اختیاری،

اما در سال قبل و امسال ما شاهد اتفاق خوبی برای این درس نوظهور نبودیم. سال گذشته در اکثر مناطق آموزش و پرورش کشور درس سواد رسانه و امسال نیز گویا در اکثر مناطق آموزش و پرورش درس کارآفرینی ارائه شده است. البته این امر یعنی ارائه نشدن درس هنر می‌تواند عواقبی داشته باشد؛ از جمله کمبود زیرساخت‌ها که یکی از آن‌ها نیروی متخصص می‌باشد که مسئولین را جهت ارائه درس در مدارس با تردید روبه‌رو می‌سازد. عامل دومی که در ارائه این درس تأثیر بسزایی دارد، توجه نبودن دانش‌آموزان نسبت به این سه درس اختیاری و مخصوصاً درس هنر، و تأثیرات آن بر روند نگرش کلی آن‌هاست از دیگر چالش‌هایی که درس‌های اختیاری دوره دوم متوسطه از جمله درس هنر با آن‌ها روبه‌رو است، مقوله گذراندن آن و هماهنگی در ارائه مناطق مختلف آموزش و پرورش است؛ به طوری که چنانچه دانش‌آموزی بر فرض درس هنر را در مدرسه‌اش انتخاب کرده و در حال گذراندن آن باشد و همین دانش‌آموز به هر علتی از آن مدرسه یا ناحیه آموزش و پرورش و یا شهر، انتقالی بگیرد و به ناحیه یا شهر دیگری منتقل شود، با اماواگرهایی روبه‌روست که عباراتند از اینکه: آیا در مدرسه مقصد همان درس انتخابی‌ای که ایشان در مدرسه مبدأ گذرانده است، ارائه می‌شود یا درس انتخابی ارائه شده در مدرسه مقصد متفاوت است و یا اینکه فراگیرنده در شروع سال آموزشی جدید به منطقه یا شهر دیگر منتقل شده است اما درسی که در پایه دهم به عنوان درس انتخابی گذرانده، در مدرسه مقصد ارائه نمی‌شود.

در پایان، تأکید بر این نکته را لازم می‌دانم که بهترین چیزی که برای اهل هنر انتظار می‌رفت حضور درس هنر در دوره دوم متوسطه بود که اتفاق افتاده و این نویدی خوب در نگرش جامعه به درس هنر است. امیدوارم با رفع مشکلات اجرایی، شاهد اتفاقات خوبی برای این درس باشیم.



اشاره

لطیف‌ترین و پایدارترین نکات آموزشی با چاشنی قصه بیان شده‌اند. قصه آن قدر شیرین و دلکش است که گروه سنی خاصی نمی‌شناسد. قصه‌های تربیتی برای تأثیرگذاری بر دانش‌آموزان نیازمند هیچ مجوزی نیستند و به راحتی در روح و روان آن‌ها رسوخ می‌کنند. بهترین ورودیه تدریس، بهره داشتن از هنر قصه‌گویی در موقعیت‌های مناسب است. تلفیق هنر قصه‌گویی با هنر تدریس هم‌افزایی در خور توجهی فراهم می‌آورد که تأثیر آن وصف‌ناشدنی است. علاقه به قصه در تار و پود وجود انسان‌هاست و به همین سان، بهره گرفتن از آن در هنر تدریس یکی از اولویت‌های تربیتی است. حضور شماری قصه‌گوی جوان و دانش‌جو معلم که به زودی به جرگه معلمان دیارشان خواهند پیوست، فرصتی برای هم‌نشینی و هم‌اندیشی فراهم آورد. خوشبختانه یکی از استادان پردیس فرهنگیان نیز با راهنمایی‌ها و توصیه‌های خود بر غنای بحث افزود. میزگردی که در ادامه مشروح آن را مطالعه می‌کنید، حاصل دقایقی است که از گفتارهای جذابی به نام «قصه» حکایت دارد. رشد هنر از دوستان جوان شرکت‌کننده در میزگرد و دکتر محمدحسن مغیث به طور ویژه قدردانی می‌کند.

هنر قصه راز جذابیت تدریس

میزگردی با حضور دکتر محمدحسن مغیث و دانش‌جو معلم‌هاان قصه‌گو

تحریریه رشد آموزش هنر

دکتر محمدحسن مغیث



جناب آقای دکتر مغیث لطفاً خودتان را معرفی کنید و در مورد دانشجویان خود توضیحاتی بفرمایید.

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان هستم و رشته تحصیلی ام زبان و ادبیات فارسی است. دانشجویان ما در دوره کارشناسی با داستان و ادبیات کودک آشنا می شوند.

روان شناسی و آن بخش های تربیتی و ارتباط مؤثر باشد. تمامی این ها درون مایه بحث قصه گویی هستند. اگر در بیرون از دانشگاه این بخش مطرح شود، فرد بر اساس علاقه وارد این محتوا می شود؛ در حالی که در اینجا موارد یاد شده جزو لوازم است و کلی هم آموزش می دهند. البته آموزش صرفاً برای قصه گویی نبوده و این بخشی از وظایف معلم است.

چرا در حال حاضر داستان کوتاه اهمیت پیدا کرده است؟

شاید این به دلیل تنگ حوصله بودن مردم است. به علاوه مطالبی با حجم زیاد، تغییری در فضای فکری خواننده ایجاد نمی کنند. شاید نکته گفتن بهتر از طولانی گفتن باشد. در گذشته هم می گفتند که یک بیت شعر شاید بتواند کاری کند که یک سخنرانی می خواهد انجام دهد.

ذوق دانشجو مؤثر تر است یا پشتوانه آموزشی؟

تلفیقی از این دو، ولی چون آموزش ما هدفمند است، در این زمینه هم باید هدفمند باشد. به نظرم وقتی قرار است ما یک جشنواره برگزار کنیم، در حقیقت باید به فکر ایجاد زیر بنا و پایه ها باشیم.

سازوکار حضور رشته قصه گویی در جشنواره ها چگونه است؟

دانشجویان قبلاً با توجه به آثاری که فرستاده بودند گزینش شدند و دوازده قصه گو را شایسته شرکت در جشنواره دانستند.

آیا در دانشجو معلمان رگه هایی از خلاقیت در قصه گویی دیده شد؟

بله، نفر اول، شایسته اول بودن است اما مقام دوم و سومی نداشتیم.

این ها راوی هستند یا خودشان قصه را هم تولید می کنند؟

راوی هستند. دلیل هم این است که دانشجویان رشته علوم تربیتی ما گرایش تحصیلی شان در دانشگاه، تربیت معلم دبستان و پیش دبستان است؛ یعنی چیزی که بیشترین ارتباط را با فن قصه گویی دارد. پس ناگزیرند به این هنر آراسته شوند. یقیناً تعلیم و تربیت، هوشمندانده آن ها را وادار کرده است که به فن قصه گویی آراسته شوند و این کار در خدمت معلمی آن ها باشد.

مشکل از کجاست که فقط یک برگزیده داشتیم؟

آموزش ندیده بودند. واقعاً امروز نفر اول که با من صحبت می کرد، دیدم مجموعه ای از آموزش ها را دیده است. استادش فلاتی است. عکس هایی که به من نشان می داد، مشخص می کرد که کلی کار کرده و اتفاق جالب این بود که هیچ وسیله ای هم به همراه نداشت؛ جز یک دستمال که آن را به صورت های مختلف در می آورد.

مؤلفه های اصلی قصه گویی کدام اند؟ یعنی شما در ساختار قصه گویی به چه نکاتی توجه می کنید؟

۱. انتخاب؛ ۲. نحوه ارائه. انتخاب ۳۰ امتیاز دارد؛ در حالی که امتیاز بخش بعدی دو برابر است.

با توجه به اهمیت موضوع، آیا باید برای قصه گویی برنامه داشته باشیم؟ اگر روند و فرایند موضوع را نبینیم، ذوق قصه گویی در یک شیب راه دارد کم می شود. باید برای این فکری کنیم. بفرمایید. در فضای بیرونی، قصه دارای چه کار کردی است؟ تلفیق بین توانمندی تدریس و مزایای هنری چه ویژگی هایی دارد؟

ما دانشجو را با فضاهای جشنواره ای و مسابقه آشنا می کنیم که به او آموزش دهیم. یعنی اینکه شما بعد از معلم شدن، کارت تمام نمی شود. باید در فضای معلمی خود هم با جشنواره در ارتباط باشید و هم در جهت بالندگی خودتان

آیا دانشجویان راهنمایی می شوند که در قصه گویی چه کنند و چه منابعی را انتخاب کنند؟

این به ذوقشان و اگزار شده است؛ اگر چه باید آموزش ببینند. آموزش انجام می شود، باید در درس ادبیات کودک، مبانی زبان آموزی،



اینجا معلوم می‌شود که این یک بیت شعر ارتباط مؤثر را توانسته است برقرار کند. زمینه قصه‌گویی این است که بتوانیم قصه را درونی کنیم نه اینکه قصه را حفظ کنیم؛ یعنی خودمان بخشی از قصه باشیم. چون راوی و قصه‌گو با هم متفاوت‌اند. باید جزئی از قصه باشیم. مورد دیگری که درباره قصه‌گویی و توان قصه‌گویی می‌گویم این است که از امکانات شهر خود آگاه باشید. در کانون‌های فکری و فرهنگی نوجوانان برای شما چه فرصتهایی وجود دارد و در وزارت ارشاد اسلامی چه انجمن‌هایی دیده شده است؟ چهارمین مورد اینکه شما باید با قصه‌نویس‌ها آشنا باشید؛ مثلاً می‌گویند اگر کسی می‌خواهد شاعر باشد، باید حتماً ده هزار بیت از پیشینیان و ده هزار بیت از متأخرین حفظ باشد. پس، از ذهن خالی چیزی بیرون نمی‌آید. برای اینکه شما در کاری موفق شوید، حتماً و حتماً باید اطلاع داشته باشید. مورد بعدی این است که روح قصه در شما حلول کند. ما باید در روح قصه حلول کنیم. زندگی‌نامه افراد را مطالعه کنیم. اگر شما زندگی‌نامه بزرگان را مطالعه کنید می‌فهمید که رمز موفقیت آن‌ها تلاش بوده است. مورد آخر اینکه یک قصه‌گو باید قصه‌های فراوانی را دیده باشد؛ هم به زبان فارسی و هم به زبان‌های دیگر. سعی کنید زبان بیاموزید؛ چون فیلم‌هایی وجود دارد با زیرنویس؛ و می‌دانید که زبان بدن خیلی قشنگ‌تر است و گاهی می‌خواهید ببینید آن "زبان بدنی" که قصه‌گو انجام می‌دهد، چیست. در حقیقت این هم راه دیگری است.

استاد مغیث، کارکرد قصه‌گویی در روزگار ما چیست؟ اگر حرفی را معمولی بگوییم، چه تأثیری دارد و اگر آن را در قالب یک قصه زیبا و دل‌نشین بگوییم، چه تأثیری دارد؟ اصلاً در زبان کودکی و نوجوانی زبان غالب چیست؟ آیا غیر از قصه‌گویی است؟

تلاش کنید. ما کارمان در جشنواره همین است. می‌خواهم بگویم شما می‌توانید ارتباط داشته باشید. اتفاق خوبی که امسال برای دانشگاه فرهنگیان افتاده این است که اجازه دادند نفرات اول و دوم این جشنواره در سطح ملی شرکت کنند.

این در واقع زمینه را فراهم می‌کند که دانشجو معلمان ما خودشان را بیشتر باور کنند. باید در جریان معلم شدن پله پله آن‌ها را به سمت خودباوری و خودساختگی سوق داد که در میدان اصلی خوب بازی کنند؛ یعنی در همان عالم معلمی. چه کنیم که این غنی‌تر شود؟

به نظر من در مرحله اول لازم است کلاس‌های توجیهی برگزار شود. این نکته جنابعالی که دانشجوی ما بتواند خود را باور کند و ببیند کجاست، هم نیاز به کلاس توجیهی دارد، هم اینکه استادان قابل‌ی برای این‌ها وجود داشته باشد. در پردیس شهید مقصودی همدان بچه‌ها به‌صورت خودگردان کلاس‌های این‌چنینی برگزار می‌کنند و فعالیت‌هایی که در این زمینه می‌شود، استعدادیابی است. دانشجویان هم حاضرند خیلی راحت این کار را انجام دهند.

استاد مغیث اشاره کنید که قصه‌گو باید چه محورهایی را دنبال کند؟ من محورها را به‌صورت مختصر می‌گویم. برای اینکه قصه‌گوی خوبی باشیم، چندین نکته را باید رعایت کنیم. یکی اینکه مثلاً من بدانم اصلاً فیزیک و روح و روانم با قصه‌گویی می‌خواند یا نه. چون وقتی چیزی را به‌صورت عاریه در جایی بگذاریم، خودش را نشان می‌دهد. آیا اصلاً توان خنداندن و گریاندن، شادکردن و غمگین کردن را دارم؟ دومین مطلب در قصه‌گویی، ارتباط برقرار کردن یا ارتباط مؤثر است. می‌گویند یک بیت شعر گاه کار یک سخنرانی را می‌کند.

دومین مطلب در قصه‌گویی، ارتباط برقرار کردن یا ارتباط مؤثر است. می‌گویند یک بیت شعر گاه کار یک سخنرانی را می‌کند



علاقه زیادی داشتیم که از روش‌های مختلف قصه‌گویی در روند تدریس استفاده کنیم. برای همین، از استادان در این مورد سؤال‌هایی می‌کردم و آن‌ها راه‌های مختلفی به من پیشنهاد می‌دادند. به خاطر همین علاقه‌مند شدم که به کسب اطلاعات در زمینه قصه‌گویی ادامه دهم. بیشترین خواسته من پرورش قوه تخیل دانش‌آموز است. اینکه چطور می‌توانم به‌واسطه قصه گفتن دانش‌آموزانم را خلاق و مبتکر کنم. همین مسائلی که در داخل خود قصه وجود دارد و بال‌وپرهایی که داخل همین قصه هست، نقطه شروع خوبی برای تقویت تخیل دانش‌آموز می‌تواند باشد.

✿ باید داشته باشد؟ قصه در کلاس چه ویژگی‌هایی

جذاب باشد و دانش‌آموزان بتوانند ارتباط خوبی با متن آن برقرار کنند. با گروه سنی نیز همخوانی داشته باشد. جشنواره تجربه خیلی خوبی برای من بود. چون دوستان در رشته‌های مختلفی بودند.

✿ آیا در شما این نگرش را به وجود آورد که قصه‌گویی را جدی‌تر دنبال کنید؟

بله، صددرصد؛ ما ۱۲ نفر بودیم و من ۱۲ نوع نگاه را مشاهده کردم.

✿ ارجمند

سجاد ارجمند هستم از پردیس شهید رجایی فارس رشته آموزشی ابتدایی، گرایش من به قصه‌گویی ریشه در روستای قدیمی ما دارد که پدر بزرگم در آن زندگی می‌کند و در اطراف شیراز است. از زمانی که در دانشگاه فرهنگیان قبول شدم، فهمیدم که راه من با دوره ابتدایی و کودکان است. در روستا علاوه بر اینکه به دیدن و عیادت پدر بزرگ می‌رفتم، دوست داشتم کودکان را هم دور خود جمع کنم. خیلی سعی می‌کردم دانش‌آموزان را هم دور خود جمع کنم؛ با پذیرایی یا اردو، ولی آن‌طور که می‌خواستم نشد. تنها راهی که با آن توانستم بچه‌ها را دور خودم جمع کنم، موضوع حیوانات اهلی روستا یعنی گاو و الاغ و گوسفند بود. چیزهایی را هم از قصه‌گویی شنیده بودم که آن‌ها را در درس‌های دانشگاه تلفیق کردم. آن دانش به کار آمد. استاد خوبان هم از قصه‌گویی شروع کردند. قصه‌گویی روش خوبی برای جلب توجه بچه‌هاست. من هم سعی کردم

از استاد می‌خواهم کارکرد قصه‌گویی و کارکرد اجتماعی قصه‌گویی را برای ما توضیح دهند و بگویند چرا این همه کتاب و انواعی از قصه‌های مختلف بامزه و کم‌مزه و... شکل می‌گیرد؟ چرا در جامعه ما پذیرش قصه و داستان وجود دارد؟ زبان یکی از ابزارهایی است که در جامعه معنا پیدا می‌کند؛ یعنی خود زبان به‌صورت صرف هیچ ارزشی ندارد؛ مگر اینکه در اجتماع قرار گیرد و یکی از اجزای اجتماع به شمار آید. پس، برای اینکه ما بتوانیم با هم ارتباط برقرار کنیم، باید از زبان استفاده شود. این زبان هر چه هنری‌تر باشد، اثربخشی‌اش بالاتر می‌رود. بزرگ‌ترین و محوری‌ترین کارکرد قصه در هر اجتماعی آگاهی بخشیدن است. چه در زمان گذشته و چه در زمان حال، آگاهی رمز و رمز بین انسان و غیر اوست و او سعی در ارتقای آن داشته است. شما فکر می‌کنید اگر من درباره پکیج شوفاژخانه اطلاعات داشته باشم بد است؟ اگر در مورد تعویض تعمیر کولر اطلاع داشته باشم بد است؟ خب این اطلاعات منجر می‌شود به استقلال؛ یعنی کارکرد اصلی‌اش این است که آگاهی می‌بخشد. آگاهی به‌منظور رسیدن به خودکفایی است. چون مرز بین خود و نبودن خود این است که من توانایی‌های خود را متوجه نباشم. من فکر می‌کنم بزرگ‌ترین کارکردش آگاهی بخشیدن است. آن‌وقت اگر این آگاهی در مورد خود و هستی و جایگاه من و آینده من و پیشینه من باشد، ببینید چقدر ارزشمند می‌شود.

✿ اشاره می‌کنم که این کارکرد قصه مثل اینکه خودش، خودش را بیمه کرده است. اصلاً نباید کهنه شود. به‌جای اینکه برای عصر باشد، برای اعصار است. یکی از غزل‌سرایان مطرح می‌گوید: «در قلب قصه‌های یکی بود یا نبود / یادم نمی‌رود که کسی جز خدا نبود». یعنی دست‌ما به‌ای می‌شود و در مطلع شعر هم قرار می‌گیرد. در این قسمت از نظرات دوستان استفاده می‌کنیم. ضمن معرفی خود، دریافتی را که از قصه‌نویسی دارید و اینکه این در تدریس چه کمکی می‌تواند به شما بکند، بفرمایید.

✿ علیزاده

اهل اردبیل هستم و در رشته علوم تربیتی درس می‌خوانم در گرایش آموزش ابتدایی پردیس دانشگاه علامه طباطبایی. من

زمینه قصه‌گویی این است که بتوانیم قصه را درونی کنیم نه اینکه قصه را حفظ کنیم؛ یعنی خودمان بخشی از قصه باشیم. چون راوی و قصه‌گو با هم متفاوت‌اند. باید جزئی از قصه باشیم

به‌عنوان پروژه از موضوع حیوانات داستان تخیلی بنویسم و برای بچه‌ها بیان کنم.

✳️ یعنی نگاه شما از اینجا متحول شد؟

✳️ **ارجمند** من این‌ها را به کلاس آوردم. آن قدر برای بچه‌ها جالب بود که سعی کردم این داستان حیوانات را بسط دهم. قبل از کارورزی هم برای خودم چیزهایی می‌نوشتیم. طوری شده بود که در درس ریاضی و جمع و تفریق از این‌ها استفاده می‌کردم. مثلاً حسن دو سیب به دوستش داد. از همین دوتا مانور می‌دادم تا این داستان به جای خویش می‌رسید. بچه‌ها هم آموزش پیدا می‌کردند.

✳️ **به‌عنوان معلمی که یک صفحه از شما جلوتر است توصیه‌ای دارم و آن اینکه تجارب ارزشمند خود را بنویسید. در سال آینده همین نوشته‌های شما بهترین وسیله انبساط خاطر برای خودتان می‌شود. موضوع وقتی از دایره نوشتار برخوردار باشد، گسترده‌تر می‌شود و دیگران می‌توانند از آن استفاده کنند.**

✳️ **اصلاحی** من دانشجوی رشته علوم تربیتی گرایش آموزش پیش‌دبستان و دبستان از پردیس امام علی (ع) هستم. تجربه‌ای که از این جشنواره داشتم، خیلی خوب بود. توانستم با شیوه‌های مختلف قصه‌گویی آشنا شوم و متوجه شدم که قصه‌گویی الزاماً این نیست که ما بخواهیم پشت تریبون باشیم و قصه‌مان را بگوییم. می‌توانیم از ابزارها بهتر استفاده کنیم. حتی می‌توانیم تا مرز نمایش هم پیش برویم که ملموس‌تر شود. نخستین ارتباطی که شکل می‌گیرد، بین دانش‌آموز و قصه‌گوست. حالا برای معلمی که دارد قصه می‌گوید این ارتباط باید خیلی فراتر باشد و دانش‌آموز حس کند که این قصه‌گو از جنس خود اوست. یعنی منی که معلم هستم، دیگر با کتوشلوار به کلاس نروم. سعی کنم لباس شاد بپوشم؛ تا دانش‌آموز مرا از جنس خود بداند.

✳️ **کارکرد هنر این است که فاصله‌ها را از بین می‌برد.**

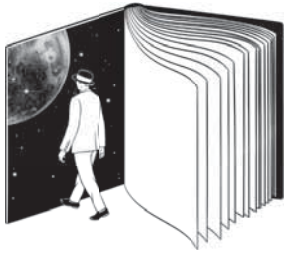
✳️ **اصلاحی** این ارتباط را باید سعی کنیم با لباس‌هایمان و حتی با حرکات بدن نشان دهیم. این را یادمان نرود که فقط کلاس درس

نیست. دانش‌آموز از بدو ورود حتی ممکن است شما را در کوچه و مدرسه ببیند و آن ارتباط برقرار شود. آن ارتباطی که برقرار کرده است، در رفتار و حرف‌شنوی و باور قصه‌ای که می‌خواهید تعریف کنید، تأثیر دارد. این‌گونه نباشد که فقط در زمان قصه‌گویی خودمان را آماده ارتباط کنیم. این ارتباط باید از قبل شکل گرفته باشد. نباید نقش بازی کنیم؛ باید در فیزیک خودمان باشد. نکته دیگر اینکه ما می‌توانیم از خیلی درس‌ها و چیزهای دیگر استفاده کنیم. الزاماً نباید برای بچه قصه بگوییم. به نظرم قصه به همین جا ختم نمی‌شود. می‌توانیم این راه را ادامه دهیم و در مراحل بالاتر شاهد این باشیم که معلمان دیگر معلم صرف نیستند؛ چون از ابزار و هنرهای استفاده می‌کنند.

✳️ **ویژگی قصه این است که ماندنی و ماندگار است و در ذهن می‌ماند.**

✳️ **جعفر نژاد** فریدون جعفر نژاد هستیم؛ از پردیس ایلام، دانشجوی رشته علوم تربیتی ورودی ۹۱. اگر به‌عنوان یک فرد تازه‌کار بخواهم نظر و دیدگاه خود را نسبت به قصه‌گویی بیان کنم، باید بگویم که از نظر من کل هستی و دنیا یک قصه خیلی عمومی است. همین‌که ما می‌آییم داستان‌های قدیمی پیامبران، بزرگان یا چیزهای دیگر را بیان می‌کنیم، در واقع این‌ها را در قالب قصه بیان می‌کنیم، اما این قصه، قصه طبیعی و واقعی است. بر همین مبنا به نظر من قصه دو نوع است: ۱- قصه‌های عمومی و طبیعی؛ ۲- قصه‌های مصنوعی یا ساختگی. اولی قصه‌هایی هستند که درباره نظام هستی و همین دنیایی که در آن وجود داریم مطرح می‌شود. قصه‌ها درباره پیامبران یا در نهج‌البلاغه و ... کودکان و نوجوانان که درباره آن‌ها صحبت می‌کنیم، برای بزرگسالان هم هست. درست است برای بزرگسالان بیان می‌شود ولی در قالب قصه است. این نوع قصه‌ها برای بزرگسالان خوب است. اما ما قصه‌های مصنوعی درست می‌کنیم و برای کودکان می‌گوییم و الآن کار ما هم دقیقاً در همین بخش است. قصه‌های مصنوعی یا ساختگی نسبت به قصه‌های طبیعی و عمومی خیلی سخت‌ترند چراکه قصه‌های عمومی از قبل وجود داشته‌اند و تمام نکات ریزدرشت آن هم وجود دارد و می‌توانیم آن‌ها را بیان کنیم، اما قصه‌های مصنوعی و ساختگی سخت‌ترند؛

قصه باید جذاب باشد و دانش‌آموزان بتوانند ارتباط خوبی با متن آن برقرار کنند



تاریکی را گفت. چراغ کلاس را خاموش کردم؛ قصه‌اش را ادامه دادم. بعد همه در مورد ترس صحبت کردند. یکی گفت: از تاریکی می‌ترسم. یک‌باره یادم افتاد که در کلاس چند تا بادکنک دارم. بادکنک‌ها را به بچه‌ها دادم و گفتم همه ترس‌هایتان را بگویید و فوت کنید توی بادکنک. فوت کردند و چراغ‌ها را روشن کردم. بعد همه بادکنک‌ها را ترکاندند. جالب بود که خانواده آن بچه به من مراجعه کردند و گفتند چه کار کرده‌ای که بچه ما دیگر از تاریکی نمی‌ترسد!

یعنی ما در قالب داستان‌های طبیعی باید قصه‌هایی را بیرون بیاوریم، برای کودکان و این کار سختی است. بر همین مبنا، قصه‌گویی یعنی کمک به افراد برای تصمیم‌گیری برای آینده. قصه پیامبران را برای چه می‌گوییم؟ برای اینکه درس عبرتی باشد برای دیگران. اینکه دیگران بر اساس این‌ها در آینده انتخاب و تصمیم‌گیری درست کنند. وقتی برای کودکان در مورد بهداشت و آدم‌های خوب و بد قصه می‌گوییم، برای کمک به آن‌ها در زمینه تصمیم‌گیری و انتخاب در آینده می‌گوییم.

فرشی به نام آنکه خود را قصه‌گو خواند حقایق را لباس از قصه پوشاند محسن فرشی هستم از شهرستان یزد- رشته علوم تربیتی. من از بچگی تئاتر کار می‌کردم و حدود ۴، ۵ سال است که به قصه‌گویی رسیده‌ام. از نظر من می‌توان از هر رشته‌ای یک قسمتش را برداشت و در رشته‌های دیگر هم استفاده کرد. من از تئاتر چیزی برداشتم. از رشته‌های دیگر هم می‌توان چیزی برداشت و استفاده کرد. اما در مورد سؤال اول شما که از قصه‌گویی در زندگی چه استفاده‌ای کردید. دو مثال می‌زنم که خودم استفاده کرده‌ام. اول اینکه تولد بچه خواهر من بود. روز قبل فکر می‌کردم چه چیزی برایش بخرم که خوب باشد و خوشحالش کند. همه آمده بودند و هزینه‌های خیلی سنگینی کرده بودند. من روز قبل به او گفتم بابات رفته مسافرت و او گفت بله. شوخی کردم و شروع کردم به قصه گفتن. پدر او در سفر بود و فردایش می‌آمد. به او گفتم: به نظرت پسری که فردا تولدش بوده، باباش برایش چی کادو خریده؟ او گفت: لباس مرد عنکبوتی. بعد من برایش لباس مرد عنکبوتی خریدم. در شب تولد او هدیه مرا گرفته بود و کلی ذوق داشت. مثال دوم اینکه در یکی از کلاس‌های قصه‌گویی‌ام بود با بچه‌ها. کاری که من انجام می‌دهم این است که قبل از شروع کلاس از خانواده‌ها سؤال می‌کنم که چه چیزی از بچه‌ها می‌خواهید. چه انتظاراتی از آن‌ها دارید و بچه‌ها چه انتظاراتی از شما؟ این‌ها را روی کاغذ بنویسید. یکی از خانواده‌ها آمد و گفت که من بچه‌ام از تاریکی می‌ترسد. فکر کردم که این موضوع خوبی است. چه کنم که او از تاریکی نترسد؟ سر کلاس قصه‌گویی بچه‌ها شروع کردند به قصه گفتن. نوبت به او رسید. گفتم: تو در مورد ترس بگو. ترس از تاریکی را گفت. چرخش را ادامه دادم. بعد همه در مورد ترس صحبت کردند. یکی گفت: از تاریکی می‌ترسم. یک‌باره یادم افتاد که در کلاس چند تا بادکنک دارم. بادکنک‌ها را به بچه‌ها دادم و گفتم همه ترس‌هایتان را بگویید و فوت کنید توی بادکنک. فوت کردند و چراغ‌ها را روشن کردم. بعد همه بادکنک‌ها را ترکاندند. جالب بود که خانواده آن بچه به من مراجعه کردند و گفتند چه کار کرده‌ای که بچه ما دیگر از تاریکی نمی‌ترسد!

قصه‌گویی الزاماً این نیست که ما بخواهیم پشت تریبون باشیم و قصه‌مان را بگوییم. می‌توانیم از ابزارها بهتر استفاده کنیم. حتی می‌توانیم تا مرز نمایش هم پیش برویم که ملموس‌تر شود

بشناسیم. فکر می‌کنم مناسب باشد که ببینیم آیا مستعد این کار هستیم یا نه. در مواقعی نیاز است که به قصه‌گویی به‌عنوان یک هنر نگاه کنیم ولی به‌عنوان معلم، قصه واقعاً یک ابزار است. یعنی ما باید از قصه‌گویی به‌عنوان یک ابزار و شیوه تربیتی استفاده کنیم. این شیوه تربیتی و آموزشی در قرآن هم هست. مثلاً قصه حضرت یوسف آمده و از آن به‌عنوان احسن القصص یاد شده است. ما هم در کلاس درس مان می‌توانیم از این ابزار استفاده کنیم. احساس می‌کنم باید قصه‌ای را برای گفتن انتخاب کنیم که واقعی باشد؛ نه اینکه حتماً در دنیای خارج اتفاق افتاده باشد بلکه باید به واقعیت‌ها نزدیک باشد. همان‌طور که ما همه قصه‌هایی که در قرآن می‌خوانیم واقعی هستند. کارکرد قصه علاوه بر خلاف چیزی که ما فکر می‌کنیم برای بیدار کردن است. قصه‌ای که جنبه تخلیش متعادل باشد بهتر است.

✽ مجابی سید سجاد مجابی، از استان همدان (شهر همدان)، پردیس شهید مقصودی هستیم. رشته راهنمایی و مشاوره. دیدگاه بنده به قصه این است که ما دو نوع قصه داریم: قصه شنیداری و قصه دیداری؛ یعنی ما زندگی که می‌کنیم، همین زندگی خودش یک قصه است و همین که برای ما یک ماجرای تعریف می‌شود، قصه شنیداری است. پیامبر (ص) فرموده‌اند: علم در کودکی مانند حجاری روی سنگ است؛ یعنی هر قصه و ماجرای را که در کودکی می‌شنویم، تا ابد در ذهن ما کنده کاری می‌شود. به نظر من، هر چه در کودکی بچه‌ها چیزهای بهتری ببینند، قصه دیداری‌شان بهتر خواهد بود. بنابراین، باید قصه شنیداری‌شان هم خوب باشد ولی متأسفانه در زمان نوجوانی و بزرگسالی این قضیه فرق می‌کند. بچه‌ها وارد جامعه شده‌اند و قصه دیداری‌شان قشنگ نیست؛ دنیا قشنگ نیست. پس، این قصه شنیداری است که باید به کمک‌شان بیاید. قصه شنیداری است که در تشکیل شخصیت‌شان باید کمک کند. من قصه‌گویی را از تئاتر شناختم. اصلاً از تئاتر آمدم. یک روز اجرایی داشتیم در تالار تئاتر شهر؛ کارگردان به من گفت: اجرایی داری برای ده دقیقه برای جمعیت. متأسفانه ما موقع فروش بلیت نگفته‌ایم چه کسی، چه گروه سنی و چه کسانی و با چه دیدگاهی بیایند! همه آمده‌اند و پول داده‌اند و وارد

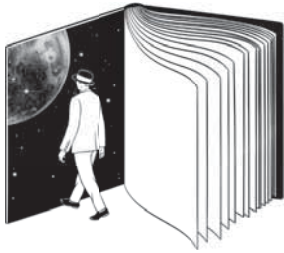
استفاده می‌کنند. این بود که قصه‌گویی را انتخاب کردم و دلیل اینکه می‌گویم قصه‌گویی یک رشته خوب است، این است که ما رشته‌مان ابتدایی است و با بچه‌های ابتدایی سروکار داریم. به نظرم این راه خیلی ساده و خوبی برای برقراری ارتباط با بچه‌هاست. روش‌های دیگری مثل نمایش هم هست ولی با زمان کم کلاس‌های ابتدایی هماهنگ نمی‌شود. بهترین راه حل همین قصه است. به دوستانم پیشنهاد می‌کنم که حتماً قصه‌گویی را در کلاس‌هایشان در اولویت قرار دهند.

✽ ه **وقتی ما قصه می‌گوییم، قصه باید کوتاه و دقیق و گویا باشد. آیا ما تا ابد باید برای بچه‌ها قصه بگوییم یا بیاییم آن‌ها را هدایت کنیم به قصه‌خوانی؟**

✽ داوود کیا این سؤال در ذهن خود من هم ایجاد شده است. نمی‌شود همیشه بنشینیم بالای سر بچه و برایش قصه بگوییم. مثلاً برایش از مزیت‌های مسواک زدن قصه بگوییم. بهترین کار این است که بچه را به قصه علاقه‌مند کنی. چند تا قصه که اجرا کردی، به او بفهمانی که اگر مشکلی هست و هر بدی و خوبی هست، صد در صد یک قصه درباره آن وجود دارد. سعی می‌کنیم دانش‌آموزان را به سمت همان قصه‌گویی‌ها هدایت کنیم تا اگر رفتار بدی دیدند، دنبال آن باشند که قصه‌اش را پیدا کنند. در کار معلمی خودمان وقتی مثلاً رفتار دانش‌آموز می‌بینیم، می‌توانیم بگوییم بچه‌ها هفته بعد شما یا مثلاً هر کسی توانست قصه‌ای با موضوع برداشتن وسایل دیگری بیاورد، همین باعث می‌شود بچه‌ها پیگیر قصه‌ها باشند و مطالعه داشته باشند. همچنین، یک جو رقابتی پیش می‌آید و بچه‌ها به کلاس علاقه‌مند می‌شوند. چیزی که الآن در بچه‌ها نیست و خودم بعینه این را دیده‌ام.

✽ طباطبایی بنده سید مرتضی طباطبایی، دانشجوی پردیس شهید رجایی، استان سمنان در رشته علوم تربیتی هستیم. من دوره چهارم است که به مسابقات کشوری راه پیدا می‌کنم و احساس می‌کنم در این دوره، جشنواره به هدف اصلی‌اش که آموزش بوده نزدیک‌تر شده است. پیشنهاد می‌کنم اگر برای مسئولان مقدور است به دانشجویان کارنامه بدهند تا قوت‌ها و ضعف‌های خود را بیشتر

قصه‌گویی
یعنی کمک
به افراد برای
تصمیم‌گیری
برای آینده. قصه
پیامبران را برای
چه می‌گوییم؟
برای اینکه درس
عبرتی باشد
برای دیگران



داشتیم به آن گوش کنیم. در آن روزها، قصه‌گو هم آن قدر استادانه قصه می‌گفت که ما با تجسم و تخیل کودکی و نوجوانی، آن را برای خودمان بازسازی می‌کردیم. قصه به صورت فیلم در ذهنمان می‌چرخید و اجرا می‌شد. ضمن اینکه موارد تربیتی بسیار زیبایی در کنارش بود که ما ناخودآگاه خود آن‌ها را ذخیره می‌کردیم و بعدها به آن‌ها عمل می‌کردیم. آن برنامه به صورت غیرمستقیم داشت ما را تربیت می‌کرد. دوستانی که می‌خواهند معلم شوند، قطعاً یکی از مهارت‌های معلمی بیان خوب است و اینکه بتوانند خوب قصه بگویند. مخصوصاً بچه‌هایی که رشته علوم تربیتی هستند و با کودک و نوجوان سروکار دارند و این، قطعاً می‌تواند کمکشان کند. الحمدلله ما منابع زیادی هم داریم؛ از جمله قرآن که خودش حاوی احسن القصص است و بعد قصه‌های دیگر ادبی، شاهنامه، مولانا و الی‌آخر. من شش سال مربی کانون فرهنگی هنری بودم؛ یعنی با فضای کانون پرورش فکری آشنا هستم. در دهه ۱۳۸۰ در آنجا دیدم که حتی اتاقی که برای قصه‌گویی انتخاب می‌کردند، معماری خاصی داشت. یعنی قصه‌گو می‌رفت در گودی می‌ایستاد و بچه‌ها روی یک پله می‌نشستند. شاید از این بابت هم باید قدری دقت کنیم و فکر کنیم که چرا قصه‌گوی کانون پرورش فکری اتاقش باید این مدلی باشد؟ این به چه معناست که قصه‌گو به‌عنوان مرکز آن دایره بایستد و شروع کند به قصه گفتن و بچه‌ها روی پله، دور او بنشینند؟ آیا این نگاه، نگاه ۳۶۰ درجه‌ای را نمی‌رساند؟ این را نمی‌رساند که قصه‌گو محور دایره است و باید بتواند پیامش را به‌عنوان یک بازیگر به همه القا کند؟ به جشنواره قصه‌گویی که در کانون هر سال برگزار می‌کنند بروید؛ زیرا واقعاً قصه‌هایی قوی می‌رسید. قصه‌هایی با ابزار و بدون ابزار. در آنجا یاد گرفتم که قصه می‌تواند با ابزار یا بدون ابزار باشد. از استان‌های مختلفی آمدند و تجربه خیلی خوبی بود. پیشنهادم این است که دوستان با کانون پرورش فکری ارتباط برقرار کنند.

🌸🌸 برای شرکت در این میزگرد، از همه شما دوستان سپاسگزارم.

شده‌اند! تو مخاطب بچه و بزرگسال و حتی نوجوان داری. باید طوری رفتار کنی که بچه از رفتار خسته نشود. نه شوخی سنگین بکن که بچه نفهمد، نه شوخی لوس که از نظر پدر و مادر قشنگ نباشد. وقتی بچه خوشش نیاید می‌خواهد برود بیرون و خانواده هم طبعاً همراه او بیرون می‌روند و تو تماشاگر را از دست می‌دهی. پس، ببین و برای تک‌تک موارد برنامه‌ریزی کن. به نظر من برای بزرگسال و برای سن نوجوان، قصه‌گویی‌مان باید متفاوت باشد. من برای قصه‌گویی در آنجا برای نوجوان پانزده نمره را انتخاب کردم، که زمانی که جوان یا نوجوان قصه مرا می‌شنود، این پیام را از من بگیرد که من هم از جنس تو هستم. فریاد بزنم، بیایم پایین و خشم را نشان دهم. بغض کنم، گریه کنم ...

🌸 قدسی علیرضا قدسی هستیم، از پردیس شهید آیت‌الله طالقانی شهر مقدس قم. به‌طور خلاصه، قصه یکی از علایق فطری و ذاتی هر انسان است. لذا شما در جامعه امروز مشاهده می‌کنید که با وجود پیشرفت فناوری، قصه باز هم اهمیت خودش را دارد. اینکه قصه را ساده بگویید، نقش بسیار مهمی در بیان مسائل آموزشی دارد. تعریفی که به آن اعتقاد دارم و آن را از استادان آقای مرادی شنیده‌ام، این است: «قصه یعنی تلاش هنرمندانه در قالب کلام برای هدایت کودک به‌سوی روشنی، رشد زبانی، رشد بیانی، رشد عاطفی، رشد اجتماعی و رشد اخلاقی». لذا اهداف قصه‌گویی این است که شما در کودک اعتمادبه‌نفس ایجاد کنید، به او قدرت بیان بدهید و تخیلش را پرورانید. اینجاست که ژان پیاژه می‌گوید: «شما بهترین مفاهیم را می‌توانید در قالب قصه به کودک بیاموزید.»

🌸🌸 از صحبت‌های یک یک دوستان بهره بردم. اگر آقای اسد بیگی بحث ما را تکمیل کند، ممنون می‌شوم.

🌸 اسد بیگی اسد بیگی هستم کارشناس امور فرهنگی پردیس شهید مقصودی همدان. همان‌طور که دوستان فرمودند، قطعاً قصه به‌عنوان یک ابزار تربیتی می‌تواند نقش مهمی در تربیت کودکان و نوجوانان و حتی بزرگسالان داشته باشد. ما دوران کودکی قصه‌ظهر جمعه رادیو را به‌خوبی به یاد داریم و این نوستالژی بسیاری از ماست. همیشه علاقه

در مواقعی نیاز است که به قصه‌گویی به‌عنوان یک هنر نگاه کنیم ولی به‌عنوان معلم، قصه واقعاً یک ابزار است. یعنی ما باید از قصه‌گویی به‌عنوان یک ابزار و شیوه تربیتی استفاده کنیم

قیمت مرد به قدر هنر است

علی اکبر قاسمی گل افشانی

دبیر ادبیات فارسی و هنر سوادکوه (مازندران)



اشاره

قلندران حقیقت به
نییم جو نخزند قبابی
اطلس آن کس که از
هنر عاری است
(حافظ)

میان گروه فراوان هنرمندانی که داریم چند درصدشان رفتار و کردار و منش استاد داریوش ارجمند و استاد جمشید مشایخی را دارند؟
پشت هنر آن روز شکسته است درست کاین بی هنران
پشت به بالش دادند
(نقل در جوینی، ۱۳۸۷: ۱۷۹)

پیشنهاد می‌شود همکاران گران قدر در درس هنر اندکی دربارهٔ عالم هنر صحبت کنند؛ از قداست و پاکی ذات هنر و هنرمند حقیقی سخن بگویند؛ از تعهد و وظیفهٔ انسانی هنرمند در قبال جامعه و انسان‌ها و اخلاق عمومی بگویند؛ از شرایط موجود و کنونی هنرمندان بگویند و به‌نوعی آسیب‌شناسی کنند تا دانش‌آموزان آگاه شوند و ماهیت هنر راستین و هنرمند حقیقی را بفهمند و درک کنند.

ما سعی داریم در این فرصت اندک گشت‌وگذاری به گسترهٔ ادب فارسی داشته باشیم تا نظر شاعران و نویسندگان پارسی را دربارهٔ هنر بدانیم. نخست به چند فرهنگ لغت مراجعه می‌کنیم تا ببینیم واژهٔ هنر از گذشته تا امروز چه معانی‌ای داشته است.

زنده‌یاد دکتر محمد معین در پانوشت برهان قاطع دربارهٔ هنر چنین نوشته‌اند: «به ضم اول و فتح دوم، اوستا - hunara - عظمت، استعداد، قابلیت، هندی باستان - sunara - سانسکریت sundara (زیبا، قشنگ)، پهلوی hunar: صنعت، معرفت امری توأم با ظرافت و ریزه‌کاری».

در لغت‌نامهٔ دهخدا نیز ذیل کلمهٔ هنر این معانی آمده است: «کیاست، فراست، زیرکی؛ این کلمه در واقع به معنی آن درجه از کمال آدمی است که هشیاری و فراست و فضل و دانش را دربردارد و نمود آن صاحب هنر را برتر از دیگران می‌نماید؛ خطر، اهمیت؛ قابلیت، لیاقت، توانایی فوق‌العادهٔ جسمی یا روحی؛ صنعت، حرفه، شغل، پیشه و کسب؛ خاصیت» (دهخدا، «هنر»).

این سال‌ها بیشتر دانش‌آموزان و دانشجویان این آرمان و آرزو را در دل می‌پروراند که وارد عالم هنر و بازیگری شوند. پول و ثروت و شهرت دنیای هنر و بازیگری چنان آن‌ها را وسوسه کرده است که با هر قیمتی می‌خواهند به این دنیای خوش نقش و نگار وارد شوند. اگر از سی دانش‌آموز یک کلاس بپرسید چند نفرتان دوست دارید زنده‌یاد استاد محمد معین و جاویدنام پروفیسور محمود حسابی و پروفیسور مجید سمیعی شوید، شاید پنج شش دست را بالا نبینید. حال اگر بپرسید چند نفرتان دوست دارید فلان بازیگر سینما و تلویزیون شوید، مطمئن باشید این دفعه تعداد دست‌های بسیار بیشتری از نوبت قبل بر بالا می‌بینید.

مفهوم هنر مفهومی متعالی و مقدس است. هنر با فضیلت، پیوند و خویشی دارد. در گذشته هنر در معنی فضیلت بود و به صاحب فضیلت، هنرمند می‌گفتند. اگر نیک بنگریم، هنرمند بدون فضیلت هنرمند نیست و هنرمند صاحب فضیلت، هنرمندی است که ایمان به خدا و انسان‌دوستی و پاکی و اخلاص و عشق و مهربانی و صفا و صمیمیت در نهاد او شعله‌ور است و خود را در میانه نمی‌بیند. متأسفانه امروز ناهنجاری، بی‌ادبی، عریانی، غرور و فساد اخلاقی ویژگی‌های برجستهٔ بسیاری از هنرمندان شده است. این گروه، هنر را به چشمان رنگی، زلف‌افشانی و ... تعریف کرده و عرض و آبروی هنر را بر باد داده و پشت آن را شکسته‌اند. اگر با معیار گذشته به‌سوی به‌اصطلاح هنرمندان امروز برویم، به چند درصد هنرمند صاحب فضیلت برمی‌خوریم؟ در

نفس هنر را در هر معنا و مفهومی که بگیریم در نگاه نیاکان ما مقدس بود و ستودنی؛ ارزش به حساب می‌آمد و همه را به آموختن و فراگرفتن آن سفارش می‌کردند. امروز بر هنرمندان ما واجب است همچون گذشتگان به ارزش والای هنر پی ببرند و دامان پاک آن را به ناپاکی‌ها آلوده نسازند.

عنصرالمعالی کیکاووس در باب ششم «قابوس‌نامه» در نصیحت به فرزندش، گیلان‌شاه، می‌گوید:

«بدان ای پسر، که مردم بی‌هنر دائم بی‌سود بود چون مگیلان که تن دارد و سایه ندارد، نه خود را سود کند و نه غیر را ... و بدان نام که مادر و پدر نهد هم‌داستان مباش که آن نام نشانی باشد؛ نام آن باشد که تو به هنر بر خویشتن نهی تا از نام جعفر و زید و عمرو و عثمان و علی به استاد و فاضل و حکیم اوفتی ...» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۳: ۲۷).

سعدی در باب اول «گلستان» دربارهٔ فضیلت هنر می‌گوید: «خرمندان گفته‌اند توانگری به هنر است نه به مال و بزرگی به عقل است نه به سال» (سعدی، ۱۳۷۶: ۳۱).

او در باب هفتم «گلستان» هم می‌گوید:

«حکیمی پسران را پند همی‌داد که جانان پدر، هنر آموزد که ملک و دولت دنیا اعتماد را نشاید و سیم و زر در سفر بر محل خطر است، یا دزد به یک‌بار ببرد یا خواجه به تفاریق بخورد اما هنر چشمهٔ زاینده است و دولت پاینده و گر هنرمند از دولت بیفتد، غم نباشد که هنر در نفس خود دولت است. هر جا که رود قدر بیند و در صدر نشیند و بی‌هنر لقمه چیند و سختی بیند» (همان: ۱۵۰).

و نیز در باب ششم «بوستان» آورده است که خرمندان در پی پروراندن هنر هستند و انسان‌های تن‌پرور راهی به هنر ندارند:

خرمدمد مردم هنرپرورند که تن پروران از هنر لاغرند (همان: ۳۵۳)

جامی در «بهارستان» می‌گوید:

قیمت مرد نه از سیم و زر است قیمت مرد به قدر هنر است

ای بسا بنده که از کسب هنر قدرش از خواجه بسی بیشتر است

وی بسا خواجه که از بی‌هنری در ره بندهٔ خود پی سپر است

(جامی، ۱۳۷۴: ۵۴)

ادیب‌الممالک فراهانی می‌گوید:

کمال مرد به فضل است و مردمی و هنر به‌ویژه آنکه مر او را بود نژاد و گهر

برو هنر طلب ای خواجه کز پدر مادرت درون گور نپرسد نکیر یا منکر

بزرگ‌مرد کسی را شمر که توأم داشت نژاد و اصل و

گهر با کمال و فضل و هنر
خوشا کمال و هنر، خرما خردمندی که شاخسار
وجودش ز دانش آرد بر

هنر به نزد خردمند بس خطیر آید چنان‌که در نظر مرد
جوهری، جوهر

کسان بمیرند اما هنر نمیردشان یکی به قصه به
گذشتگان پیش نگر

هنر بیاید تحصیل کرد مردان را و گر نداشت هنر، نام
او به نیک میر

(ادیب‌الممالک، ۱۳۷۸: ۲۶۶)

در دیوان پروین اعتصامی نیز در فضیلت هنر شعرهای فراوانی وجود دارد که ما در اینجا برای نمونه به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

گویند عارفان هنر و علم کیمیاست وان مس که گشت
همسر این کیمیا طلاست

فرخنده طایری که بدین بال‌وپر پرد همدوش مرغ
دولت و هم‌عرصهٔ هماغس

جان را بلند دار که این است برتری پستی نه از زمین و
بلندی نه از سماست

آن را که دیبهٔ هنر و علم در بر است فرش سرای او چه
غم آر زانکه بوریاست

(اعتصامی، ۱۳۸۵: ۸۴)

و:

مگذار که میرد ز ناشتایی جان را هنر و علم همچو
نان است

(همان: ۸۸)

و:

به هنر کوش که دیبای هنر هیچ بافنده به بازار نداشت
(همان: ۹۱)

و:

زیب باید سر و تن از ادب و دانش زنده گردد دل‌وجان
از هنر و عرفان

(همان: ۱۱۶)

نتیجه‌گیری

با جست‌وجو در همین چند اثر از متون ادب فارسی گذشته، متوجه شدیم که پیشینیان و نیاکان ما به دیدهٔ احترام به هنر می‌نگریستند و از هنر در کنار مفاهیم متعالی نظیر عقل و خرد و دانش و فضل و مردمی یاد می‌کردند. هنرآموزی ارزش به حساب می‌آمد و همه را به آن ترغیب می‌کردند. درست است که امروز معنا و مفهوم هنر نسبت به معنا و مفهوم آن در گذشته تغییر کرده اما بر هنرمندان و همهٔ کسانی که در آینده قصد دارند به این وادی گام بگذارند واجب است قداست و پاکی و منزلت این نام را حفظ کنند تا نام آن‌ها در دفتر هنرمندان راستین این مرزوبوم جاوید ماند.

منابع

- ادیب‌الممالک فراهانی، محمدصادق. (۱۳۷۸). دیوان. تهران: فردوس.
اعتصامی، پروین. (۱۳۸۵). دیوان. تبریز: آیدین.
امین پور، قیصر. (۱۳۸۶). دستور زبان عشق. تهران: مروارید.
جامی، نورالدین عبدالرحمن. (۱۳۷۴). بهارستان (تصحیح اسماعیل حاکمی). تهران: اطلاعات.
جوینی، عطاملک. (۱۳۸۷). تاریخ جهانگشا (به اهتمام احمد خاتمی). تهران: علم.
حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۱). دیوان (به کوشش خلیل خطیب رهبر). تهران: صفی‌علی‌شاه.
خلف تبریزی، محمدحسین. (۱۳۶۲). برهان. قاطع (به اهتمام محمد معین). تهران: امیرکبیر.
دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۵). لغت‌نامه. تهران: موسسه دهخدا، دانشگاه تهران.
سعدی، مصلح. (۱۳۷۶). کلیات (تصحیح محمدعلی فروغی). تهران: ققنوس.
عنصرالمعالی، کیکاووس. (۱۳۷۳). قابوس‌نامه (تصحیح غلامحسین یوسفی). تهران: علمی و فرهنگی.

آموزش خلاقیت در هنر تصویرسازی

همارضا زاده

هنرآموز رشته گرافیک هنرستان زینب
کبری (س) شهرستان شاهین دژ

چکیده

امروزه در کشورهای توسعه یافته، شکوفایی و پرورش خلاقیت دانش آموزان از مهم ترین فعالیت های آموزشی و عالی ترین هدف آموزش و پرورش در سطوح مختلف تحصیلی به شمار می رود و همواره به این نکته توجه می شود که روند آموزش برای فراگیرندگان روندی پویا و مؤثر باشد؛ دانش آموزان فعالانه در امر آموزش شرکت کنند، تفکر کنند و ایده های بکر ارائه نمایند. با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر با هدف بررسی شیوه و تکنیک های خلاقیت آفرین در آموزش هنر تصویرسازی تدوین یافته است. در این مقاله پس از بررسی تعاریف و نظریات ارائه شده درباره ماهیت خلاقیت و هنر تصویرسازی، به ضرورت به کارگیری خلاقیت در تصویرسازی پرداخته شده و راهکارهای آموزش خلاقیت در هنر تصویرسازی با استفاده از تکنیک بارش فکری مورد مطالعه قرار می گیرد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که خلاقیت، قابل آموزش و یادگیری است و می توان با استفاده از روش ها و تکنیک های پرورش خلاقیت، از جمله روش بارش فکری در فرایند آموزش هنر تصویرسازی جهت پرورش خلاقیت هنرجویان و خلق آثار تصویری خلاق بهره گرفت.

کلیدواژه ها: خلاقیت، تصویرسازی، ایده، بارش فکری

مقدمه

از پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های اندیشهٔ انسانی، تفکر خلاق اوست که در رشد و تکامل فرد و تمدن بشری نقش مؤثری دارد و زیربنای اختراعات و دستاوردهای هنری و علمی است. پرورش خلاقیت در آموزش هنر، به‌خصوص هنر تصویرسازی، به دلیل بی‌شمار بودن تولیدات و خدمات، و از سوی دیگر، به سبب تنوعی که در مخاطبان و مصرف‌کنندگان به وجود آمده امری مهم و ضروری است؛ زیرا هنرجویان در تصویرسازی به تفکر خلاق نیاز دارند تا بتوانند ایده‌ها و تصاویری خلق کنند که موجبات لذت و جذب هر چه بیشتر مخاطبان را فراهم آورد (مقالی، ۱۳۹۰: ۵۲). متأسفانه ما در زمینهٔ آموزش این شاخهٔ مهم گرافیکی با کمبود کتب و منابع آموزشی لازم مواجهیم و اندک کتب درسی و آموزشی موجود در زمینهٔ این رشته، یا متون ترجمه شده‌اند و یا بیشتر به بیان تکنیک پرداخته‌اند؛ درحالی که تکنیک فقط یکی از رکن‌های اساسی یک اثر تصویری موفق محسوب می‌شود و به اصول مهمی از جمله خلاقیت - که نقش مهمی در جذب و تأثیرگذاری هر چه بیشتر مخاطبان دارد - توجه چندانی نشده است (فاضل، ۱۳۸۶: ۳۸). به همین دلیل، هنرجویان در دوره‌های مختلف تحصیلی، چه در هنرستان و چه در دانشگاه‌ها، آموزش لازم و منطبق با مهارت‌های خلاق را برای تولید آثار تصویری خلاق نمی‌بینند و بیشتر به خلق آثار تقلیدی و به‌دوراز تفکر خلاقانه روی می‌آورند. این مشکل، هنرجویان را به کپی‌کارانی تبدیل می‌کند که قرار است پس از اتمام تحصیلات خود به فعالیت هنری در سطح جامعه بپردازند و این مسئله نه‌تنها به خودشان در زمینهٔ شغلی آسیب خواهد زد، بلکه آیندهٔ هنری کشور را نیز دچار رکود خواهد کرد؛ درحالی که در دنیا دست‌کم ۲۰۰ تکنیک و روش پرورش خلاقیت و ایده‌یابی توسط محققان ارائه شده است که

تصویرگر: فرشته نجفی



تصویرگر: کریم نصر

در زمینهٔ آموزش این شاخهٔ مهم گرافیکی با کمبود کتب و منابع آموزشی لازم مواجهیم و اندک کتب درسی و آموزشی موجود در زمینهٔ این رشته، یا متون ترجمه شده‌اند و یا بیشتر به بیان تکنیک پرداخته‌اند





تصویرگر: راشین خیریه



تصویرگر: حمید بهرامی

می‌توان از آن‌ها در آموزش و خلق آثار تصویری خلاق بهره گرفت.

اخیراً تام کلی و تیم براون^۲ و همکاران آن‌ها در کتاب (تغییر از طریق طراحی، ۲۰۰۹) تکنیک‌های جامعی را برای قرار دادن مسائل در چارچوب حل مسائل و ابداع راه‌حل‌ها با تأکید بر طراحی، به‌عنوان مفهومی برای برآوردن نیازهای بشری توسعه داده‌اند. محققانی همچون الکس. اف. اسبورن^۳ در کتاب (تخیل کاربردی، ۱۹۵۳) و ادوارد دوبونو^۴ در کتاب (فکر جدید، ۱۹۶۷) به شرح و توضیح روش‌های خلاقانه حل مسئله پرداخته‌اند. پاول تورنس^۵ (۱۹۷۹) از جمله محققانی است که تحقیقات خود را بر بررسی محیط خلاق و خلاقیت متمرکز نموده و در کتاب «مهارت و توانایی‌های خلاق» به نقل از قاسم‌زاده به بررسی راهکارها، آزمون و شیوه‌های پرورش خلاقیت پرداخته است.

نظر به مباحث فوق، هدف از مطالعه حاضر بررسی راهکارهای آفرینش خلاق در آموزش تصویرسازی با استفاده از تکنیک‌های پرورش خلاقیت و ایجاد توانایی در هنرجویان برای شکستن مرزها و فراتر رفتن آنان از چهارچوب تفکرات قالبی و فکر کردن به شیوه‌های متفاوت و جدید و رسیدن به ایده‌های نو و خلاق در جهت خلق آثار تصویری خلاق است.

نمی‌شود بلکه همه افراد می‌توانند به شرط فراهم آمدن شرایط درونی و بیرونی، امکان رشد بالقوه آن را در خود به وجود آورند (حسینی، ۱۳۸۸: ۴۴).

در کل خلاقیت مفهومی پیچیده و مبهم است که ارائه تعریف مستقلی از آن دشوار می‌باشد. صاحب‌نظران تعاریف مختلفی از خلاقیت ارائه داده‌اند که به‌رغم تفاوت‌های اساسی که در این تعاریف وجود دارد، از بعضی جهات دارای نقاط مشترکی می‌باشند. از مهم‌ترین نقاط اشتراک این تعاریف - که بسیاری از پژوهشگران در آن به توافق رسیده‌اند - ویژگی نو بودن و تازگی داشتن است (ویزبرگ، ۱۳۸۷: ۲۰)، اما تازگی و نو بودن، نمی‌تواند به‌تنهایی مفهوم خلاقیت را روشن کند؛ زیرا بسیاری چیزها ممکن است نو و تازه باشند اما خلاقانه نباشند به همین دلیل، بعدها عنصر ارزشمند بودن را به آن افزودند (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۰). به این معنا که خلاقیت، فرایند خلق چیز جدیدی است که دارای ارزش باشد. بنابراین، خلاقیت را به‌طور کلی، می‌توان فرایندی ذهنی، مرکب از قدرت ابتکار و انعطاف‌پذیری تعریف کرد، که هدف آن تولید یک ایده و محصول ارزشمند، کاربردی و نوآورانه است و قابلیت پرورش دارد.

عناصر و اجزای خلاقیت

در فرایند پرورش خلاقیت عناصر تشکیل‌دهنده‌ای وجود دارد که افراد به شرط دارا بودن این عناصر می‌توانند مهارت‌های خلاق را در خود پرورش دهند. سه عنصر اساسی فرایند پرورش خلاقیت عبارت است از: دانش و مهارت‌های مربوط به موضوع، مهارت‌های مربوط به تفکر خلاق، و داشتن انگیزه.

مهارت‌های مربوط به موضوع به‌منزله مواد اولیه شامل استعداد، تجربه و آموزش است که فرد در یک زمینه خاص دارد (صادقی مال امیری، ۱۳۸۶: ۱۳۴). روشن است که مثلاً یک فرد زمانی می‌تواند در نقاشی خلاقیت داشته باشد که قبلاً چگونگی کار کردن با قلم‌مو و ترکیب رنگ‌ها را آموخته باشد. بنابراین، انسانی می‌تواند در یک زمینه خلاق باشد که

خلاقیت تعاریف و نظریه‌ها

فلاسفه، پژوهشگران و روان‌شناسان خلاقیت را در حیطه‌های گوناگونی مورد مطالعه قرار داده‌اند. برخی آن را از نظر فلسفی مورد توجه قرار داده‌اند، که از این منظر خلاقیت نوعی الهام است؛ موهبتی الهی که از نظر افلاطون از ماوراءالطبیعه سرچشمه می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه، هنرمند در ابداعات خویش، از نیروی فرا انسانی الهام می‌گیرد. سوروکین^۶ در این زمینه معتقد است که بزرگ‌ترین دست‌یافته‌های خلاق انسانی نتیجه نیروهای فراطبیعی و فراحسی هستند (اف. نلر، ۱۳۸۰: ۲۱).

دسته‌ای دیگر، خلاقیت را در حیطه انسان‌گرایی مورد بررسی قرار داده‌اند که از این نظر، خلاقیت به امور خارق‌العاده مربوط



از اتود تا تصویر نهایی: فاطمه حق نژاد

مهارت‌هایی را در آن زمینه آموخته باشد. با وجود اهمیت این عنصر، اگر فردی از بالاترین حد استعداد، تجربه، دانش و غیره برخوردار باشد اما از مهارت‌های مربوط به تفکر خلاق بهره‌ای نداشته باشد، هرگز نمی‌تواند کار خلاقانه انجام بدهد (قاسمی و اقلیدس، ۱۳۸۴: ۶۲). مهارت‌های مربوط به تفکر خلاق با شکستن قالب‌ها، مهارت‌های موضوعی را در راهی جدید به کار می‌گیرند؛ یعنی از مهارت‌های موضوعی به شکل جدید استفاده می‌کنند.

عامل انگیزه یکی از عناصر اساسی و شاید یکی از مهم‌ترین اجزا در این مجموعه است. اگر فردی دارای هر دو مهارت، مربوط به موضوع و تفکر خلاق باشد ولی انگیزه لازم برای شروع کار را نداشته باشد، هرگز نمی‌تواند اثری خلاق خلق کند (حسینی، ۱۳۸۸: ۶۶). برای شروع فرایند خلاقیت، وجود انگیزه درونی بسیار مهم است. تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که انگیزه درونی می‌تواند نقش سازنده‌تری در تحقق خلاقیت داشته باشد (صادقی‌مال امیری، ۱۳۸۶: ۴۴). اگر انگیزه از درون بجوشد، کار برای فرد جالب و لذت‌بخش می‌شود.

مفهوم تصویرسازی

تصویرسازی یکی از شاخه‌های مهم هنرهای تجسمی است که از گذشته‌های دور تا امروز وظیفه انتقال مفاهیم و پیام‌های مورد نظر بشر را بر عهده داشته و انسان‌ها از آن برای برقراری ارتباط با یکدیگر بهره گرفته‌اند. از تصاویر غارهای عهد پارینه‌سنگی گرفته تا تصاویری که امروزه زینت‌بخش کتب مختلف است، همه حاکی از اهمیت این هنر ارزشمند در بیان و بهتر فهمیده شدن اهداف، احساسات و اندیشه‌های بشری است.

به‌طور کلی، از هنر تصویرسازی می‌توان برداشته‌ها و تعاریف گوناگونی ارائه داد اما پدیده‌ای که اختصاصاً در دوره معاصر از آن با عنوان هنر تصویرگری یا تصویرسازی نام برده می‌شود، در ارتباط با یک متن یا محتوای مشخص تعریف می‌شود. فرشید *مقالی* تصویرسازی را در معنای معاصر خود این‌گونه تعریف می‌کند: «تصویرسازی عبارت است از

متن یا معنایی را برای مخاطبی معین، مصور و تزیین کردن» (مقالی، ۱۳۸۸: ۲۰). هنر تصویرسازی از یکسو ارتباطی نزدیک با ادبیات دارد و عناصر محتوایی خود را از ادبیات وام می‌گیرد و از سوی دیگر، به نقاشی وابسته است و عناصر بصری بیان خود را با وام گرفتن از نقاشی بیان می‌کند. البته با وجود این ارتباط، تفاوتی بنیادین از لحاظ نقطه شروع بین هنر تصویرسازی و نقاشی وجود دارد و آن این است که نقاشی امری شخصی است که در چهارچوب ذهنی هنرمند در طول سالیان زندگی‌اش شکل می‌گیرد و پا به عرصه وجود می‌گذارد؛ درحالی‌که تصویرسازی امری است ارتباطی، که در چهارچوب یک نوشتار و گفتار معین شکل می‌گیرد و قابلیت تکثیر شدن دارد (مهردادفر، ۱۳۹۰: ۱۲).

تصویرسازی هم به لحاظ روش و هم به لحاظ چگونگی عرضه، تقسیم‌بندی و انواعی دارد و می‌توان بر اساس اهداف، محتوا و موضوع به انواع تصویرسازی کتب علمی و آموزشی، تصویرسازی کتاب کودک، تصویرسازی مطبوعاتی و تبلیغاتی و غیره اشاره نمود.

ضرورت پرورش خلاقیت در

آموزش تصویرسازی

تصویرسازی شیوه‌ای از بیان و تلفیقی از منطق و خلاقیت است که در صورت به‌کارگیری خلاقیت در آفرینش آن، به زیباترین، نافذترین و ماندگارترین اثر تبدیل می‌شود و امکان نفوذ، گسترش و ماندگاری بیشتری پیدا می‌کند (زیگن، ۱۳۹۰: ۲۰). تصویرساز به نیروی خلاق احتیاج دارد تا بتواند ایده، تصاویر، فرم‌ها و

اگر فردی دارای هر دو مهارت، مربوط به موضوع و تفکر خلاق باشد ولی انگیزه لازم برای شروع کار را نداشته باشد، هرگز نمی‌تواند اثری خلاق خلق کند



تصویرگر:
معصومه اعتبارزاده

را نیز تحریک می‌کند. اگر ایده‌ها و موضوعات تصویری در رابطه با مهارت‌های تخیلی و خلاقانه نباشند، بی‌معنا یا کم‌ارزش خواهند بود؛ زیرا هنرمند بودن به توانایی در طراحی و خلق آگاهانه نشئت یافته از تصورات و قدرت نوآوری بستگی دارد (ساطعی، ۱۳۸۶: ۵۴).

در عصر حاضر با پیشرفت علم و فناوری، استفاده از خلاقیت در تصویرسازی، به‌خصوص تصویرسازی کتاب کودکان، ضرورت بیشتری یافته است؛ زیرا کودکان بیشتر وقت خود را صرف دیدن کارتون‌ها و بازی‌های متنوع رایانه‌ای می‌کنند و تمایل کمتری به کتاب خواندن دارند. کم‌توجهی این گروه سنی به خرید و مطالعه کتاب موجب نگرانی بسیاری از روان‌شناسان و پژوهشگران کودک شده است (کاملان، ۱۳۹۱: ۸۷). پژوهش‌هایی که در حیطه چگونگی ایجاد پیوند میان کودک و کتاب صورت پذیرفته، نشان دهنده این است که کودکان از طریق حس خود با پیرامونشان ارتباط برقرار می‌کنند و بر پایه آن تجربه‌ها از خود واکنش نشان می‌دهند. تصاویر مختلف در رنگ‌ها و سبک‌های گوناگون می‌تواند به‌طور خلاقانه این واکنش‌ها را تشدید کند و قدرت تخیل و تشخیص آن‌ها در رابطه با محیط پیرامونشان را افزایش دهد (موسوی، ۱۳۸۶: ۴۶). استفاده از تصاویر خلاقانه در تصویرسازی کتاب کودکان به آن‌ها کمک می‌کند که بتوانند در خود جهانی خلاق بیافرینند و خلاقیت جهان خود را بهتر درک کنند (ساطعی، ۱۳۸۶: ۱۸). با کمی توجه به زیبایی‌شناسی و به‌کارگیری خلاقیت در طراحی و نوع ارائه یک کتاب می‌توان تحرک و جاذبه‌های بصری فراوانی برای خرید و مطالعه کردن کتاب به وجود آورد (کاملان، ۱۳۹۱: ۸۸). چراکه اولین تأثیر هر کتاب، معمولاً به‌وسیله جاذبه بصری آن به وجود می‌آید.

آموزش خلاقیت در تصویرسازی با استفاده از تکنیک بارش فکری

امروزه علم روان‌شناسی نشان می‌دهد که فرایند خلاقیت ذاتی نیست، بلکه می‌تواند آموزش داده شود و پرورش یابد. از طریق

رنگ‌هایی بسازد که به بهترین وجه محتوای پیام را به مخاطبان منتقل کند. اهمیت یک اثر تصویری خوب تنها در منعکس کردن تصویری محتوای نوشته نیست بلکه یک تصویرساز باید بتواند با به‌کارگیری مؤلفه‌های خلاقیت در تصویرسازی، از یکنواختی و تک‌بعدی بودن اثر جلوگیری کرده، در خواننده انرژی و شوق بیشتری برای ادامه مطالعه ایجاد کند (داوودی، ۱۳۸۸: ۸۲).

به‌کارگیری خلاقیت در خلق کاراکترها و فضاپردازی آثار، منجر به این می‌شود که مخاطب بیشتر به تفکر واداشته شود و بیش از آنچه در متن وجود دارد، به تصور درآورده و به درک عمیق‌تر و بهتری از موضوع دست یابد. اگر اثر هنری محصول خلاقیت هنری هنرمند باشد، در مخاطب احساسی از خشنودی و لذت برمی‌انگیزد و اثر هنری را به امری زیبا مبدل می‌کند (بلخاری، ۱۳۸۸: ۱۵۵). تماس با کارهای هنری بدیع علاوه بر دادن اطلاعات جدید به مخاطب، آگاهی بصری او از اطراف



تصویرگر: سمانه مطلبی



تصویرگر: محمود مختاری

در میان الگوها و تکنیک‌های متعدد پرورش خلاقیت، تکنیک بارش فکری از جمله بهترین الگوهای است که در مدت زمانی کوتاه، منجر به رسیدن به ایده‌های نو و خلاقانه می‌شود

۲. کمیت بیشتر: ارائه هر چه بیشتر ایده‌ها موجب می‌شود راه‌حل‌ها و ایده‌های بیشتری طرح شود و دامنه انتخاب وسیع‌تر گردد. به عبارتی، کمیت بیشتر کیفیت را به دنبال خواهد داشت.

۳. ترکیب: از ترکیب ایده‌های حاصل شده می‌توان به نتایج جدیدتر و بهتری دست یافت (حسینی، ۱۳۹۰: ۵۹).

قوانین این روش فرصت خوبی را ایجاد می‌کند که افراد بدون نگرانی از هرگونه قضاوت و انتقادی به ارائه ایده‌های خود بپردازند. استفاده از روش بارش فکری در ساعات آموزش تصویرسازی به خوبی میسر است. این تکنیک را می‌توان به صورت گروهی و فردی اجرا کرد اما روش گروهی آن مطلوب‌تر است.

در ساعات آموزش تصویرسازی و در جلسات گروهی که افراد به‌طور جمعی کار می‌کنند، می‌توان ابتدا کاراکترها و عناصر اصلی موضوع یا محتوای مورد نظر را مشخص نمود. سپس، از هنرجویان خواست که یک به یک، ایده‌های خود را درباره نحوه طراحی کاراکترها، فضاپردازی و انتخاب تکنیک مورد نظر به صورت تصویری روی تخته یا تابلو که در معرض دید گروه قرار دارد ارائه دهند. این کار سبب آن می‌شود که ذهن از طریق دیدن بهتر متوجه مطلب گردد. همچنین، ایده‌ها به سهولت قابل دیدن، مقایسه، طبقه‌بندی و ترکیب باشند و بین افراد به اشتراک گذارده شوند (عابدی، ۱۳۸۳: ۱۲). با ادامه بسط ایده‌ها، افراد گروه با دیدن ایده‌های تصویری هم‌گروهی‌های خود الهام می‌گیرند

آموزش می‌توان به افراد یاد داد که به راه‌های غیرمعمول در شناسایی و حل مشکلات خویش دست یابند (عابدی، ۱۳۷۲: ۴۷). محققان دنیا دست کم ۲۰۰ تکنیک و روش برای پرورش خلاقیت و ایده‌یابی ارائه کرده‌اند که می‌توان از آن‌ها برای آموزش و خلق آثار تصویری خلاق بهره گرفت؛ روش‌های مختلفی از قبیل تکنیک بارش فکری، سینکتیک^۷، تکنیک ارتباط اجباری^۸ و تکنیک اسکمپر^۹ (نیرومند، ۱۳۹۱: ۶). در میان الگوها و تکنیک‌های متعدد پرورش خلاقیت، تکنیک بارش فکری از جمله بهترین الگوهای است که در مدت زمانی کوتاه، منجر به رسیدن به ایده‌های نو و خلاقانه می‌شود (لاپتن، ۱۳۹۲: ۱۸-۱۷). این تکنیک که الکس. اف. اسبورن آن را در سال ۱۹۵۰ ابداع کرد، به سرعت به روشی محبوب برای کمک به افراد در زمینه تفکر خلاق - حتی افرادی که آن‌ها را به هیچ‌وجه خلاق نمی‌دانستند - تبدیل شد. در این تکنیک از تفکر خلاق یا تفکر واگرا^{۱۰} برای دستیابی به بهترین ایده‌های مفهومی و هسته‌ای استفاده می‌شود.

در روش بارش فکری قوانین خاصی وجود دارد که رعایت آن‌ها منجر به رسیدن به بهترین ایده‌ها خواهد شد و در طی اجرای آن باید به آن‌ها توجه داشت. این قوانین عبارت‌اند از:

۱. انتقاد ممنوع: در اجرای این روش باید از هرگونه قضاوت و داوری درباره ایده‌های طرح‌شده توسط افراد خودداری کرد؛ زیرا انتقاد ممکن است مانع ارائه ایده‌های نو و خلاقانه شود.



تصویرگر: نورالدین زرین کلک

تصویرگر: سعید رزاقی

و ایده‌های جدیدتر و متنوع‌تری به ذهنشان خطوط خواهد کرد. بدین ترتیب که وقتی یکی از اعضای گروه ایده‌ای را طرح می‌کند، موجب تحریک ایده‌های سایر افراد شده ایده‌های جدیدتری را برای آنان تداعی خواهد کرد و زنجیره‌ای از افکار و ایده‌های خلاق در خصوص موضوع مورد نظر شکل می‌گیرد. علاوه بر این، نوعی رقابت در افراد گروه ایجاد می‌گردد که منجر به تلاش بیشتر افراد برای طرح ایده‌های خلاق خواهد شد (جوزی، ۱۳۸۷: ۵۷).

نتیجه‌گیری

تصویرسازی‌های جذاب و گیرا اصولاً با مهارت در تفکر خلاق همراه‌اند. در هر اثر تصویری، معمولاً یک کشش اولیه برای ارتباط با مخاطب لازم است؛ نقطه‌ای که مخاطب را جذب کند و او را درگیر اثر عرضه‌شده قرار دهد. جذابیت اثر می‌تواند موجب اتصال اولیه مخاطب با اثر شود و اطلاعات لازم را به او انتقال دهد؛ رسیدن به این مهم تنها با به‌کارگیری خلاقیت و ایده‌های نو در تولید اثر تصویری ممکن می‌شود. مطالعات انجام‌گرفته نشان می‌دهد که خلاقیت، مجموعه‌ای از مهارت‌های قابل اکتساب است که از طریق تکنیک‌ها و فرایندهای آموزشی مؤثر می‌توان آن را به افراد آموزش داد. تاکنون روش‌ها و تکنیک‌های مختلفی در خصوص پرورش خلاقیت در زمینه‌های مختلف ارائه‌شده است که از این میان، روش بارش مغزی می‌تواند روشی مناسب برای آموزش خلاقیت به هنرجویان در درس تصویرسازی به شمار آید. قوانین این روش موقعیتی را فراهم می‌کنند که هنرجویان بدون نگرانی از ارزیابی دیگران به ابراز ایده‌های خود بپردازند. بدین ترتیب،

در هر اثر تصویری، معمولاً یک کشش اولیه برای ارتباط با مخاطب لازم است؛ نقطه‌ای که مخاطب را جذب کند و او را درگیر اثر عرضه‌شده قرار دهد

روش بارش فکری را به شکل فردی نیز می‌توان در تصویرسازی اجرا کرد. به این ترتیب، که فرد تنها عضو گروه بارش فکری باشد و با مشخص کردن موضوع اصلی شروع به ارائه ایده‌های مختلف در خصوص نحوه طراحی کاراکترها و فضا سازی و نحوه اجرا اثر کند. هرچه تعداد ایده‌های ارائه‌شده بیشتر باشد، به نتایج بهتری می‌توان دست یافت. در پایان، از بین ایده‌های ارائه‌شده می‌توان بهترین ایده را انتخاب کرد (حسینی، ۱۳۸۸: ۹۵).

طی اجرای روش بارش مغزی در جلسات آموزش تصویرسازی می‌توان از اصل تغییرات فراوان، که شامل کوچک و بزرگ کردن، اغراق، حذف یا تقسیم، تغییر و اصل جاندارانگاری که شخصیت دادن به همه اشیا، عناصر و پدیده‌هاست در طراحی شکل کاراکترها و فضا سازی اثر برای دستیابی به نتایج خلاقانه‌تر بهره گرفت (نیرومند، ۱۳۹۱: ۵۲)



تصویرگر: مریم طباطبایی



تصویرگر: نگین احتسابیان

منابع
 اف. نذر، جورج. (۱۳۸۰). هنر و علم خلاقیت، ترجمه سید علی اصغر مسدود، شیراز: دانشگاه شیراز.
 بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۷). عکس مهرویان: خیال عارفان، تهران: فرهنگستان هنر.
 جوزی، حسین. (۱۳۸۷). روش‌ها و فنون تدریس هنر، تهران: مدرسه.
 حسینی، افضل السادات. (۱۳۸۸). ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن، مشهد: آستان قدس رضوی.
 حسینی، افضل السادات. (۱۳۹۰). یادگیری خلاق کلاس خلاق، تهران: مدرسه.
 داوودی، آرمان. (۱۳۸۸). ترجمه تصویری، نشریه حرفه هنرمند، شماره ۳۰.
 زیگن، لارنس. (۱۳۹۰). مبانی تصویرسازی، ترجمه شهره رحمانیان، تهران: پشتون.
 ساطعی، عشرط. (۱۳۸۶). هنر کودک و نقاشی، تهران: نیکن کتاب.
 سالزبری، مارتین. (۱۳۸۷). تصویرگری کتاب کودک، ترجمه شقایق قندهاری، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
 عابدی، محمدرضا. (۱۳۸۳). خلاقیت، تهران: جامی.
 فاضل، فاطمه. (۱۳۸۶). چگونه برای کتاب تصویرسازی کنیم، فصلنامه گرافیک و چاپ، شماره سوم.
 قاسمی، فرشید و اقلیدس، طاهره. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر آموزش درس پرورش خلاقیت در کودکان بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان دختر سال سوم کودک یاری هنرستان‌های شیراز، مجله نوآوری آموزشی، ۴: ۸۴-۵۸.
 کامران، الیاس. (۱۳۹۱). تصویرسازی در قالب خلاقیت، نشریه کتاب ماه کودک و نوجوان، ۶: ۸۷-۹۶.
 لاپتن، آن. (۱۳۹۲). طراحی تفکر گرافیک آن سوی طوفان مغزی، ترجمه نازیلا محمد قلیزاده، تهران: فرهنگسرای میردشتی.
 مهردادفر، مریم. (۱۳۹۰). تصویرسازی، تهران: مارلیک.
 مثقالی، فرشید. (۱۳۸۸). در چندوچون تصویرگری، نشریه حرفه هنرمند، شماره ۳۰.
 ویزبرگ، رابرت. ۱۳۷۸. خلاقیت فراسوی اسطوره نبوغ، ترجمه مهدی والفی، تهران: روزنه.
 How Design. Brown, T. (۲۰۰۹). Thinking Transforms Organizations and Inspires Innovation. New York: Harper Business.
 New Think. (۱۹۶۷). De Bono, E. The Use Of lateral Thinking in the Generation of new idea. New York: Basic Book.
 Applied. (۱۹۵۳). Osborn, Alex. F. Imagination. New York: Scribner.
 Creativity As An. (۱۹۶۲). Stein. M. Intra-Personal Process in Parnes Sidney, Source book For Creative Thinking Charles Scribner. New York: sons.
 (۱۹۷۹). Torrance, E. P. & Goff, K. A Quiet Revolution. Creative Behaviour. ۲۳: ۱۳۶-۱۴۵.

خلاق در متن و محتوای منابع و دروس آموزش تصویرسازی توسط برنامه‌ریزان آموزشی و درسی؛

۳. آموزش استفاده از روش بارش فکری و سینکتیکس برای ایده‌یابی در تصویرسازی هنرجویان؛

۴. برگزاری دوره‌های آموزشی خلاقیت و راهکارهای پرورش آن در آموزش تصویرسازی برای هنرآموزان.

اعتمادبه‌نفس آنان افزایش می‌یابد و امکان ارائه ایده‌های ابتکاری و خلاق درباره موضوع مورد تصویرسازی فراهم آید.

پیشنهاد‌های کاربردی

۱. ایجاد و تقویت و نگرش مثبت هنرآموزان و استادان هنر نسبت به کارایی روش‌های خلاق در تدریس و تأثیر آن بر خلاقیت هنرجویان؛
۲. گنجاندن فعالیت‌هایی بر اساس روش‌های



تصویرگر: یژمان رحیم‌زاده

گام‌های نخستین

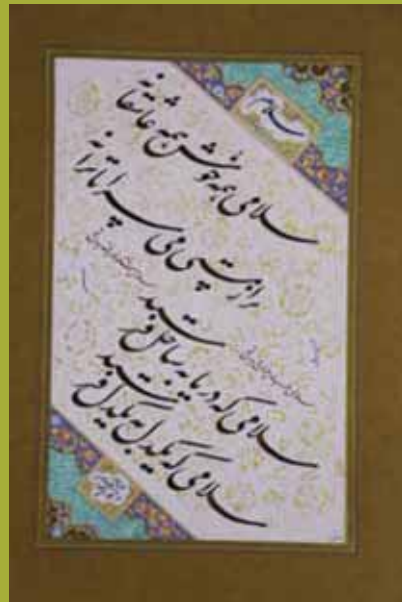
با تأکید بر خطوط سنتی

کاوه تیموری

مقدمه

اهمیت خط و نوشتار در گرافیک روشن است. پوستر-نوشته‌ها در دنیای گرافیک و خوشنویسی بخش قابل توجهی از تولیدات هنری به شمار می‌آیند. کاربرد نوشتار در قالب پوستر و آثار نقاشی خط در حال تزايد است. برای ایجاد آمادگی در فراگیرندگان، لازم است از دوره‌های متوسطه اول و دوم و مطابق با برنامه درسی هنرستان‌های هنری اهتمام ویژه داشت. غنی کردن واحدهای «خط در گرافیک» و «طراحی حروف» رشته‌های گرافیک یکی از دلایلی است که باید به خواص تصویری و نوشتاری حروف و کلمات توجه کرد.

کلیدواژه‌ها: خطوط سنتی، خط در گرافیک، طراحی حروف



تصویر شماره ۱- نگارنده



تصویر شماره ۳: رضا مافی



تصویر شماره ۲: محمد احصایی



تصویر شماره ۵: محمد احصایی



تصویر شماره ۴: محمد احصایی



تصویر شماره ۶: مرتضی ممیز

ن خط در گرافیک

* شناختن شیوه‌های خط برای کاربرد مناسب گرافیکی

هر شیوه از خوشنویسی شخصیت خاص خودش را دارد و با ویژگی‌هایی شناخته می‌شود. برای مثال؛

* خط نستعلیق را شاعرانه می‌گویند؛ زیرا موزون و متوازن، متقارن و متجانس است. (تصویر شماره یک و ۲)

* خط شکسته را خط عاشقانه می‌گویند؛ زیرا نرم و موج و سیال و رونده است. خطوط ثلث، ریحان و محقق به خاطر حرکت شش‌دانگ قلم، زبان بصری قوی دارند

و در نقاشی خط کاربرد پیدا کرده‌اند. (تصاویر شماره ۳ تا ۱۰)

* خط کوفی از قدمت خبر می‌دهد و هر حرف آن در حکم یک طراحی حروف در گرافیک بوده و دارای شخصیت بصری است. (تصویر شماره ۱۱)

* نکته مهم:

هر گرافیستی که پیوند بیشتری با خط سنتی داشته باشد، در طراحی حروف، «عنوان‌نویسه» یا آرم‌نویسه و بالأخره تایپوگرافی و در نهایت نقاشی خط می‌تواند انعکاس توانایی خود را



تصویر شماره ۱۲: حسین زنده رودی



تصویر شماره ۹: صدقت جباری



تصویر شماره ۸: صدقت جباری



تصویر شماره ۷: رضا مافی



تصویر شماره ۱۱: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۱۰: مسعود نجابتی



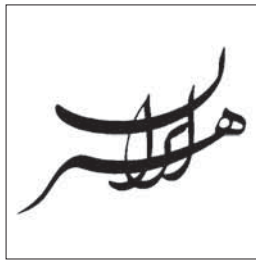
تصویر شماره ۱۵: محمد احصایی



تصویر شماره ۱۴: محمد احصایی



تصویر شماره ۱۳: رضا مافی



تصویر شماره ۱۸: محمد احصایی



تصویر شماره ۱۷: محمد احصایی



تصویر شماره ۱۶: رضا مافی

در طراحی حروف ما به ساختمان بصری و شخصیت تصویری و ابعاد و زوایای آن نگاه می‌کنیم و سپس با آموزه‌های گرافیک آن را برجسته‌تر می‌کنیم. فایده اصلی بررسی خواص تصویری شیوه‌های گوناگون خطوط سنتی این است که بیننده شکل و شمایل حروف و کلمات را می‌بیند که از صافی قرون گذشته‌اند و اصلاحات زیبایی‌شناختی به‌خوبی در آنها اعمال شده است، درک تغییرات زیبایی‌شناختی در آینه تحول شیوه‌های گوناگون آن‌چنان خوشایند و حتی حیرت‌آور است که نمی‌توان در نظام‌های هندسی دقیق آنها ذره‌ای دخل و تصرف ناآگاهانه کرد. (تصاویر شماره ۱۸ تا ۲۰)

مشاهده‌کننده. «عنوان نوشتۀ» قوی همیشه از آن کسانی بوده است که از توانمندی خط سنتی بهره‌بردارایی داشته‌اند. (تصویر شماره ۱۲)

در احوال مرحوم استاد ممیز و مرحوم مافی آمده است که آنان همواره به آثار خوشنویسی خودمان نگاه می‌کرده‌اند و از مایه‌های گرافیکی آنها بهره می‌برده‌اند. به همین دلیل است که بهترین آثار «عنوان‌نویسته» هم از آن این بزرگواران است. در دوره فعلی استاد محمد احصایی از موفق‌ترین طراحان آرم‌نویسته است.

(تصاویر شماره ۱۳ تا ۱۷)

با شناخت ویژگی‌های شیوه‌های خوشنویسی راه برای طراحی حروف هموارتر می‌شود؛ زیرا

✳️ روش‌های کاربردی اولیه



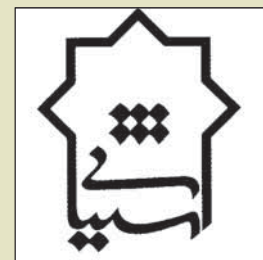
تصویر شماره ۲۱: رضا مافی



تصویر شماره ۱۹: رضا مافی



تصویر شماره ۲۰: رضا مافی



تصویر شماره ۲۲: محمدرضا هاشمی‌نژاد



تصویر شماره ۲۳: صداقت جباری



تصویر شماره ۲۷: حمیدری



تصویر شماره ۲۶: رضا بختیاری فرد



تصویر شماره ۲۵: ضحی اصغرزاده



تصویر شماره ۲۴: جواد بختیاری



تصویر شماره ۳۰: مرتضی ممیز



تصویر شماره ۲۹: صداقت جباری



تصویر شماره ۲۸: صداقت جباری

حروف و کلمات امتداد دادن یا دنباله‌دار کردن قسمت‌های پایانی آن‌ها و یا سایر قسمت‌هاست. (تصاویر شماره ۲۱ تا ۲۳) ۴- گاه در حروف مبالغه می‌کنیم؛ مثلاً در عنوان نوشته «ایران» در روزنامه ایران حرف الف که در اندازه کلاسیک سه نقطه است، چهار نقطه شده است. (تصاویر شماره ۲۴ تا ۲۷)

۵- نزدیک کردن مفهوم نوشتار به وجهه تصویری؛ در این روش سعی بر آن است که عناصر نوشتاری از بیانی بصری برخوردار گردند به همین منظور، نوشتار با رویکردی بصری و تصویری طراحی می‌شود. به این ترتیب، لازم است فرم و ظاهر نوشتار با محتوای آن هماهنگی و همخوانی داشته باشد. (تصاویر شماره ۲۸ تا ۳۱)

برخی از تمرین‌ها و تکالیف کلاسی را برای مواجهه گرافیکی و در نظر داشتن حروف به‌مثابه تصویر مرور می‌کنیم. مهم این است که فراگیرندگان با ایجاد زمینه تمرین و تکرار به دنیای حروف و کلمات وارد شوند و نحوه شکل‌گیری و شیوه استقرار آن‌ها را دریابند. ۱- عبور دادن خط به‌عنوان نخ تسبیح از میانه و مرکز حروف فارسی نستعلیق، نسخ و ثلث

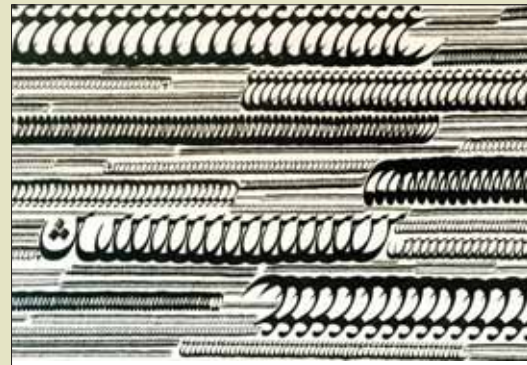
برای این تمرین تمام مفردات این سه خط را انتخاب می‌کنیم و ماحصل کار در زیر همان حرف شکل می‌گیرد.

۲- دست‌ورزی با ابعاد و زوایای حروف و کلمات فارسی و تجسم فضایی آن‌ها با مواد گوناگون (سفال و چوب)

۳- یکی از روش‌های جاذبه‌دار کردن



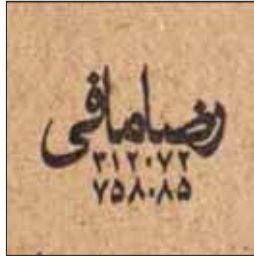
تصویر شماره ۳۲: رضا مافی



تصویر شماره ۳۱: رضا مافی



تصویر شماره ۳۶: سارا ارباب



تصویر شماره ۳۵: رضا مافی



تصویر شماره ۳۴: مرتضی ممیز



تصویر شماره ۳۳: فرزاد ادیبی



تصویر شماره ۳۹: مرتضی ممیز



تصویر شماره ۳۸: مرتضی ممیز



تصویر شماره ۳۷: مسعود نجابتی

به شکل تخصصی آثاری در عنوان‌نویسی و طراحی حروف را فراهم کرده‌اند، به توانمندی فراگیرندگان کمک می‌کند. (تصویر شماره ۳۶) بدیهی است با گرافیک دست‌مایه و خمیرمایه اولیه حروف کلمات غنی می‌شود. اما امانت‌داری و درک صحیح از خواص تصویری حروف اهمیت دارد. در کلاس از دانشجوی گرافیک قصد ساختن و تربیت خوشنویس وجود ندارد. اما آشنایی با شخصیت حروف و کلمات، چینش بصری صحیح، تداعی معانی با حروف، و همساز کردن نوشته با مؤلفه‌های بصری (نقطه، خط، بافت، حجم)، مدنظر است. تمام این‌ها برای این است که به طراحی از حروف الفبا و اتصالات میانی پرداخته شود و دانشجو و هنرجو با ابعاد و ویژگی‌های بصری حروف آشنا گردد. در این موارد لازم است هنرجو با مبانی خط، حرکت قلم و آفریده شدن حروف و کلمات و اصول خط آشنا شود و از آن طریق بتواند تصرفی هنرمندانه و زیبایی‌شناسانه در حروف انجام دهد. حروف‌نگاری در نهایت، کاربرد هوشمندانه و زیبایی‌شناسانه حروف و تلفیق آن با اصول ارتباطات تصویری یا گرافیک است.

۶- تداعی معانی؛ با استفاده از حروف و کلمات یک مصرع، معنی همان شعر را تصویر کنیم. مثلاً: این عمر به باد نوبهاران ماند (تصویر شماره ۳۲)

۷- حرف الف، ب و سایر حروف و تکرار آن‌ها
۸- استخراج مفردات بزرگان خوشنویسی و مقایسه آن‌ها با هم؛ مانند میرزا غلامرضا اصفهانی، میرزا رضا کلهر، میرعماد و ... این کار باید از آثار پخته و قوی آن‌ها استخراج و بعد با هم مقایسه شود.

۱۰- خط کوفی بنایی مملو از آرایه‌های گرافیکی و هنری است. آشنایی با حروف این خط و طراحی آن‌ها می‌تواند نقطه عزیمت برای طراحی‌های اولیه حروف کلمات ساده باشد. (تصاویر شماره ۳۱ تا ۳۲)

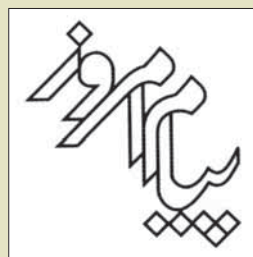
۱۱- یکی از روش‌های مؤثر، کاویدن و پویش و پژوهش مداوم در آثار پدیدآورندگان بنام در نوشتارهای گرافیکی است. بر این اساس، مطالعه و ارائه کنفرانس درباره نسل‌های پیش‌گام مانند استاد مرتضی ممیز، استاد محمد احصایی، شادروان مافی، استاد دکتر حلیمی، قباد شیوا و نسل‌های جوان‌تر همانند رضا عابدینی، بیژن صیفوری، مسعود نجابتی، ساعد مشکی، صداقت جبّاری، که



تصویر شماره ۴۳: رضا مافی



تصویر شماره ۴۲: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۴۱: مرتضی ممیز



تصویر شماره ۴۰: مرتضی ممیز



تصویر شماره ۴۵: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۴۶: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۴۴: رضا مافی (نقاشی خط انتزاعی)

* اصل کلی

برای بروز خلاقیت و تجلی استعداد فراگیرندگان لازم است بر اساس اصول همگن بودن، تعادل و روان بودن موضوعی مناسب در طراحی حروف و کلمات انتخاب شود و آن‌ها آزادانه برای بروز دادن توانایی خود راهنمایی گردند. (تصاویر شماره ۳۳ تا ۳۸)

* نقصان آموزش خط و طراحی حروف در دوره ابتدایی

در دوره ابتدایی، هنر کتاب درسی ندارد. با وجود اینکه سرفصل هنر از نظر برنامه درسی جزء موارد فرادرسی است، اهمیت لازم را پیدا نکرده است و چنانچه تدریس شود بستگی به ذوق زیبایی‌شناسی معلم دارد. در عین حال، می‌دانیم که تکنیک‌های هنری در هنرهای تجسمی آموختنی هستند و علاقه و ذوق هنری موتور محرک و نقطه عزیمت اولیه به شمار می‌آیند. در مورد خوشنویسی دوره ابتدایی به تبع نبودن کتاب هنر، سرفصل و مواد درسی پیش‌بینی شده است. بر این اساس، بدخطی و بدنویسی دانش‌آموزان از همان دوره ابتدایی و در اثر دیدن متوالی و مداوم خط‌های غیرهنری نسخ چاپی شکل می‌گیرد.

و هر دانش‌آموزی به روایت خود و متناسب با برداشت اولیه‌اش، این خط را بر صفحه جاری می‌کند. با شکل‌گیری نظام آموزشی ۶-۳-۳ از همان سال هفتم تا نهم دبیرستان سه کتاب تدوین شده است که بخش خوشنویسی در این کتاب‌ها وجود دارد. البته در سال هفتم تعداد هنرهای قابل تدریس ۹ تا و در سال هشتم ۴ تا و در سال نهم ۹ تا می‌باشد. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشترین گرایش دبیران هنر به خوشنویسی و نقاشی است. ظرف زمانی دو ساعت است که به‌طور معمول، متناسب با گرایش دبیر هنر کلاس به‌سوی آن هنر شیب پیدا می‌کند.

در این دوره تحصیلی، معمولاً فرصت طراحی حروف وجود ندارد اما آموزش مفردات انجام می‌شود البته تقسیم‌بندی زمان کلاس هنر برای هنرهای مختلف باعث می‌شود که هنر خوشنویسی بتواند فرصت ورود در ذهن و ضمیر و دست‌بچه‌ها را پیدا کند.

به‌همین‌سان، در سرفصل‌های هنری هنرستان و در رشته تخصصی گرافیک مباحث طراحی حروف وجود دارد که به‌طور معمول آموزش آن به دلیل نبود مدرس فن آشنا با مشکلاتی روبه‌روست. با این حال، پایه‌پای اولیه



تصویر شماره ۵۰: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۴۹: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۴۸: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۴۷: عباس بنایی

آواز بخشک



تصویر شماره ۵۳: عباس پرچی



تصویر شماره ۵۱: نگارنده

تصویر شماره ۵۲: سیروس سلیمی خلیق



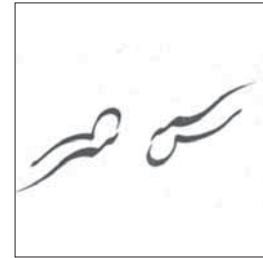
تصویر شماره ۵۷: علیجانی



تصویر شماره ۵۶: مونا رحیم زاده



تصویر شماره ۵۵: نگارنده



تصویر شماره ۵۴: نگارنده

شکل می‌دهد. در این تکنیک بزرگ و کوچک کردن حروف و کلمات، توجه به یک حرف یا کلمه اصلی و به دست دادن بافت و نهایتاً فضاهای متنوع مورد نظر است. به همین سان، با شگردهایی چون معکوس کردن، ایجاد تغییر جهت در حروف و بهره‌گیری از نقطه می‌توان از خواص تصویری حروف یا خرده حروف برای هم‌نشین کردن آن‌ها با هم بهره گرفت. در مجموع، چنین فعالیتی مستلزم درک بهتر محیط بیرونی و درونی حروف و کلمات در هر شیوه از خط و خوشنویسی است. این ویژگی راه را برای در کنار هم قرار دادن و چیدمان هر چه بهتر حروف و کلمات فراهم می‌کند. در این تکنیک، برخلاف سیاه‌مشق، تداخل و تقاطع حروف نیست. برای انجام دادن این فعالیت، لازم است هر یک از هنرجویان پس از انتخاب حرف مورد علاقه خود، آن را در کانون اصلی طرح قرار دهد و بعد، فضای مورد علاقه‌اش را با حرف و خرده حرف مورد علاقه چیدمان کند. چیدمان به صورت جورچین در نهایت می‌تواند طرح اولیه پوستر را شکل دهد و اطلاعات و توضیحات لازم را در انتها با خود همراه کند. (تصاویر شماره ۳۹ تا ۴۲)

طراحی حروف در آنجا آشنایی اولیه دانش آموز شکل می‌گیرد. در اینجا فقط می‌توان به تناسب ذوق و علاقه هنری دانش آموز و تأثیرگذار بودن معلم اشاره کرد؛ زیرا در این کلاس امکان پرورش دانش‌آموزان مستعد براساس شم استعدادپژوهی وجود دارد.

توسعه روش‌های کاربردی خط در گرافیک در قالب فعالیت کلاسی

برای این منظور، فعالیت‌های کلاسی قابل انجام با استفاده از روش‌های کاربردی طراحی شده است. یادآوری می‌شود فعالیت‌های کلاسی برشمرده شده در روند آموزشی «خط در گرافیک» آزمون شده‌اند و در ردیف روش‌های شناخته‌شده و مؤثر دسته‌بندی می‌شوند.

۱ استفاده از حروف و کلمات به‌منابه اجزای اصلی جورچین (پازل) (تایپوگرافی)

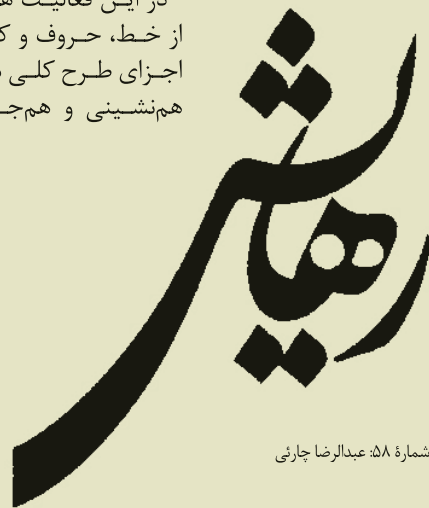
در این فعالیت هنرجو با انتخاب شیوه‌ای از خط، حروف و کلمات را به‌عنوان عنصر و اجزای طرح کلی در نظر می‌گیرد و با ایجاد هم‌نشینی و هم‌جواری، جورچین نهایی را



تصویر شماره ۶۰: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۵۹: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۵۸: عبدالرضا چارئی



تصویر شماره ۶۴: مرتضی شمیسا



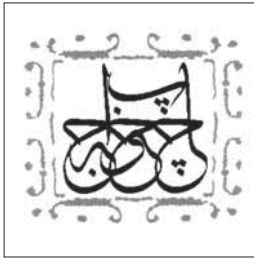
تصویر شماره ۶۳: بهرام عفرای



تصویر شماره ۶۲: محمدعلی محسنی



تصویر شماره ۶۱: نگارنده



تصویر شماره ۶۸: مازیار علی یاری



تصویر شماره ۶۷: علیرضا مساوات



تصویر شماره ۶۶: علی ماهی سفید



تصویر شماره ۶۵: امیر صداقتی

۲ * همخوان کردن و چیدمان کلمات و حروف

یکی از ویژگی‌های حروف و کلمات در خط و نظام هندسی آن، ایجاد ظرفیت برای هماهنگ کردن و چیدمان آن‌هاست. به‌طور موردی در خط نستعلیق به‌رغم هماهنگی‌های فراوانی که وجود دارد، می‌توان ظرفیت‌های تازه‌ای کشف کرد. برای نمونه، فضا سازی‌هایی را که با برخی از حروف و کلمات می‌توان انجام داد می‌آوریم برای رسیدن به چنین تناسبی توجه به چند نکته ضروری است: (تصاویر شماره ۴۳ تا ۴۴)

- ۱- انتخاب قالب سیاه‌مشق یا چیدمانی از حروف و کلمات؛ (تصاویر شماره ۴۵ تا ۴۸)
- ۲- معکوس‌نویسی و گنجاندن حروف و کلمات در جهت‌های مختلف و تشکیل چیدمان لازم؛
- ۳- استفاده از اندازه قلم‌های مختلف بر اساس تناسب اقلام با یکدیگر. (تصاویر شماره ۴۹ تا ۵۳)

حال به هم‌نشینی‌هایی که از نظر زیبایی‌شناسی قابل توجه است اشاره می‌کنم. این موارد را می‌توان توسعه داد اما تمرین دل‌نشین سیاه‌مشق حتی فارغ از بار ادبی به کشف فضاهای هماهنگ و تنظیم مواد و بیاض

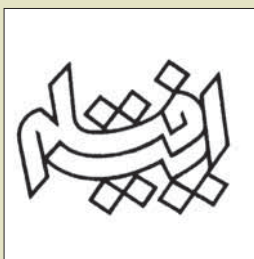
سیاهی حروف و فضاهای سفید پیرامونی آن‌ها کمک شایانی می‌کند. در حقیقت، این تجربه زیسته نگارش بی‌امان هنرجو را با سرفصل «خط در گرافیک» پیوند عملی می‌دهد. شناخت کارکرد بصری حروف و جانمایی آن‌ها نقطه کانونی برای ایجاد بافت‌های خوشایند خوشنویسانه است. این شیوه چه در حد محدود و چه در کلیت کار یکی از شیوه‌های رایج برای تایپوگرافی، طراحی پوسترها، روی جلدها و موضوعاتی است که می‌تواند به تناسب سفارش از حروف و کلمات و روابط بصری فی‌مابین آن‌ها بهره برد. (تصاویر شماره ۵۴ تا ۵۷)

۱ * فعالیت: در اندازه کاغذ B5 سیاه‌مشقی را بر اساس چیدمان حروف و کلمات طراحی کنید و بافت مورد علاقه خود را با اندازه‌های متفاوت قلم به وجود آورید.

۳ * فعالیت کلاسی (با هدف

درگیر کردن کلاس و ایجاد تمرکز لازم)

این فعالیت برای ایجاد تمرکز در دانش‌آموزان، دانشجویان و به کار انداختن خلاقیت‌های ذهنی و درگیر کردن آن‌ها در ایده‌یابی‌های نوشتاری مؤثر است. در واقع، مراحل ایده تا



تصویر شماره ۷۲: صداقت جباری



تصویر شماره ۷۱: شعیب ابوالحسنی



تصویر شماره ۷۰: حسن کریم‌زاده



تصویر شماره ۶۹: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۷۶: صداقت جباری



تصویر شماره ۷۵: صداقت جباری



تصویر شماره ۷۴: صداقت جباری



تصویر شماره ۷۳: سارا ارباب



تصویر شماره ۷۹: مهدی محمدی



تصویر شماره ۷۸: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۷۷: صداقت جباری

این نوع‌اند. اگر معنی واژه و حروف‌آرایی واژه با افزودن ویژگی زیباشناختی همراه شود سیمای ظاهری اولیه می‌تواند دست‌مایه خوبی برای عبور دادن از صافی مؤلفه‌های گرافیکی باشد.

❁ کار عملی:

برای آشنایی بیشتر و درگیر شدن با تمرین عملی، هر یک از کلمات پیش‌گفته را طراحی و برای همایش یا آرم‌نوشته‌ای طراحی کنید. (تصاویر شماره ۶۶ تا ۷۱)

❁ فعالیت کلاسی

استفاده از تصاویر حیوانات به‌ویژه شیر یا تصاویر گل‌ها (مثل بته‌جقه، لوتوس، لاله، درخت و ...) اشیا (گلدان، ...) برشی از جنگل، برشی از تنه درختان و یا اشکال مربع، مستطیل، دایره و اشکال آزاد با هدف پر کردن با حروف و کلمات فعالیتی است که منجر به شکل‌گیری نوعی از چیدمان می‌شود. این چیدمان بر اساس نوع خط، بزرگی و کوچکی حروف و کلمات و فرم اصلی تصویر شکل می‌گیرد. دقت در انتخاب نوع خط متناسب با فرم اثر مهم‌ترین انتخاب برای طراحی چنین کاری است. یادآوری می‌شود این تکنیک در

اجرا در نشانه‌نویسته یا لوگوتایپ با این فعالیت به تجربه‌ای عملی و پویا تبدیل می‌شود. در این مرحله، از دانشجویان می‌خواهیم که از کلماتی چون چرخش، سرعت، راندمان، ... برای آماده‌سازی لوگوی نشریه‌ای با همین نام بهره گیرند. در این فعالیت کلاسی، کلیه دانشجویان حاضر بر کلمه مورد نظر متمرکز می‌شوند و طرح‌های اولیه و نهایی خود را در دو جلسه ارائه می‌کنند. سپس، هر کدام از دانشجویان نکات بصری به‌کارگرفته‌شده و روش کاری و نظرات خود در مورد طرح تولیدشده یا نشانه‌نویسته طراحی‌شده را ارائه می‌کند. برای این کار و انجام اتوهای اولیه، کاغذ پوستی و کاغذ شطرنجی ضروری است. (تصاویر شماره ۵۸ تا ۶۵)

❁ فعالیت / کار عملی کلاس

غنی کردن خط در گرافیک نیازمند بهره‌گیری از ظرفیت‌های زیبایی‌شناختی ادبی حروف و کلمات است. برای مثال، برخی از واژه‌های سه‌حرفی وجود دارند که از هر طرف که خوانده شوند دیکته واحدی را معرفی می‌کنند. واژه‌های «نان»، «پاپ»، «مام»، «کاک»، «الا»، «درد»، «کمک» و ... از



تصویر شماره ۸۳: رضا مافی



تصویر شماره ۸۲: رضا مافی



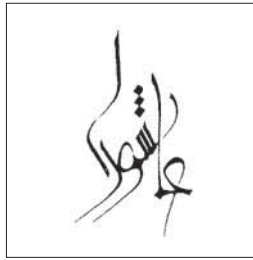
تصویر شماره ۸۱: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۸۰: صداقت جباری



تصویر شماره ۸۷: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۸۶: مسعود نجابتی



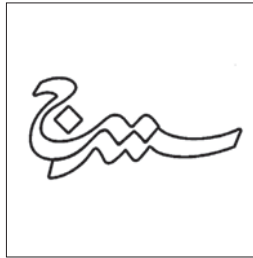
تصویر شماره ۸۵: مسعود نجابتی



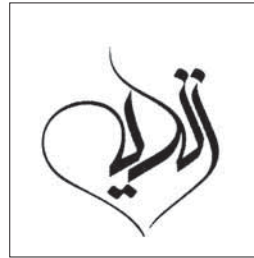
تصویر شماره ۸۴: رضا مافی



تصویر شماره ۹۱: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۹۰: حمید زری



تصویر شماره ۸۹: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۸۸: حمید زری

و ذهن فراگیرندگان را به عمق، پس‌زمینه و ماهیت و آناتومی درونی حروف و کلمات می‌برد. بچه‌ها در ضمن طراحی با گردش‌ها، قوس‌ها، زوایا، پیچش‌ها و فرازوفروند کلمات آشنا می‌شوند و برای نوشتن آن‌ها آمادگی لازم را پیدا می‌کنند. این همان آمادگی است که احساس خوشایند ناشی از نوشتن را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد. (تصاویر شماره ۷۹ تا ۸۵)

از یاد نبریم این روش تمرینی یازده قابل توجهی دارد و برخی از خوشنویسان مبرز آن را در دوران آموزش به شکل فعالانه و مداوم به کار گرفته‌اند. در این روش، واریسی و بررسی حروف و کلمات از تمام زوایا میسر است و دانش آموز با به کارگیری آن می‌تواند ساختمان و اسکلت و یاب‌تعبیری آناتومی آن‌ها را به خوبی درک کند. این روش مقوم مشق نظری و مشق قلمی به شکل توأمان است و ورودیه‌ای مطلوب برای درک بهتر نظام هندسی حروف و کلمات به شمار می‌رود. طراحی کردن از حروف و کلمات نوعی نقاشی سرگرم‌کننده و دلپسند است که به‌طور حتم فراگیرندگان نیز از آن استقبال می‌کنند و با خود مشغولی آن‌ها مدرس می‌تواند نظارت بهینه را در کلاس اعمال کند.

حافظه خوشنویسی و تاریخی خط سابقه‌ای طولانی دارد. همچنین، برای آزادی عمل نگارش در شیوه «خوشنویسی»، «حروف‌چینی» و «دست‌نویس آزاد» قابل انجام است. (تصویر شماره ۷۲)

۶ فعالیت کلاسی

با استفاده از تکنیک «تداعی معانی» تلاش کنیم به کمک حروف و کلمات یک مصرع، معنی شعر را به تصویر درآوریم. تکرار حروف و کلمات، فضا سازی، ایجاد فرازوفروند، تغییر در اندازه‌ها و ضخامت فونت یا قلم و بسیاری از دیگر ابتکارها و شگردهای هنری می‌تواند به ارائه اصل دل‌نشین نهایی کمک کند.

مثال: این عمر به باد نوبهاران ماند

مثال: باد آمد و برگ لاله را برد

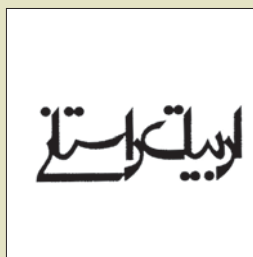
(تصاویر شماره ۷۳ تا ۷۸)

۷ طراحی کردن از حروف

طراحی کردن از حروف و کلمات روشی کارآمد در آموزش حروف نوشتاری، خط درشت و خط تحریری است. مدرسان و معلمان گرامی به استفاده از این روش مؤثر در فرایند آموزش به‌اهتمام ویژه کنند. این نوع از طراحی دست



تصویر شماره ۹۵: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۹۴: رضا عابدینی



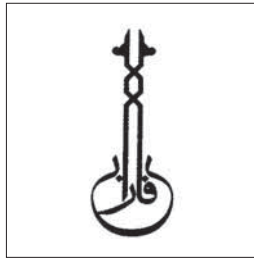
تصویر شماره ۹۳: مسعود نجابتی



تصویر شماره ۹۲: حمید زری



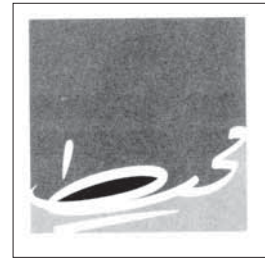
تصویر شماره ۹۹: مرتضی ممیز



تصویر شماره ۹۸: مرتضی ممیز



تصویر شماره ۹۷: ابوالحسنی



تصویر شماره ۹۶: شهرام کیهانی



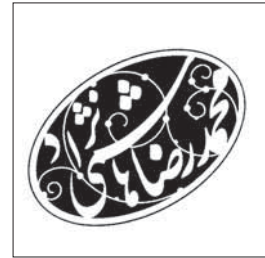
تصویر شماره ۱۰۳: صداقت جباری



تصویر شماره ۱۰۲: صداقت جباری



تصویر شماره ۱۰۱: بهرنگ نامداری



تصویر شماره ۱۰۰: محمد رضا هاشمی نژاد

۲- با خطوط کلاسیک پذیرفته شده هماهنگی و همخوانی داشته باشد؛
 ۳- ساخت و ساز نشانه نوشته با معیارها و اصول هنرهای تجسمی منطقی تصویری باشد؛
 ۴- باید نمونه‌هایی را از نشانه نوشته برشمرد که حداقل سی سال از طراحی و استفاده کاربردی آن‌ها گذشته باشد و تغییر نکرده باشد. در حقیقت، این نشانه نوشته‌ها از سوی جامعه پذیرفته شده باشند (روزنامه کیهان، بانک رفاه، روزنامه اطلاعات، کتاب اول، نهج البلاغه).
 نشانه نوشته صرفاً خط خالص نیست و می‌تواند مملو از گرافیک باشد و هم منطق تجسمی داشته باشد و مورد پذیرش جامعه قرار گیرد.

۵- شناخت عناصر نوشتاری کشور خودمان کاملاً ضروری است؛ زیرا نقطه عزیمت کار است.^۱ (تصاویر شماره ۸۶ تا ۱۰۱)

❁ فعالیت کلاسی

با در نظر داشتن موارد ذکر شده و با توجه به شیوه‌های خوشنویسی مورد مطالعه، ترکیبات عبارت زیر را در قالب عنوان نوشته طراحی کنید:
ایران جاودان،

❁ سیاه‌مشق درچه‌ای به تاپوگرافی

حال که می‌خواهیم روش‌های خوشنویسی را برای غنی کردن آموزش خط در گرافیک و تاپوگرافی به کار گیریم، باید تلاش کنیم از ظرفیت‌های موجود آن به‌خوبی بهره‌تعلیمی گرفته شود. سیاه‌مشق نویسی یکی از این

مزیت این روش این است که حدود مرز سنی ندارد؛ یعنی در دوره ابتدایی می‌توان طراحی را حتی از کلاس‌های دوم و سوم آغاز کرد و نتیجه گرفت. نهادینه شدن شکل و هیئت کلی حروف و کلمات و طراحی از آن‌ها بی‌تردید در ایجاد خط خوش و خوانا نقش مستقیم را دارد و راه را برای کاربرد مناسب خط در گرافیک هموار می‌کند.

در مجموع، طرح زدن از حروف و کلمات به نرمی و روانی و شناخت خط کمک می‌کند و راه تعلیم برای نگارش هرچه بهتر را هموار می‌سازد.

❁ عنوان نوشته

یکی از نتایج ممارست و تمرین و درگیر شدن با حروف و کلمات این است که هنر گرافیک پاسخ هنرمندان‌های به مقتضایان طراحی «عنوان نوشته» یا «آرم‌نوشته» ارائه کند. در واقع، یکی از شگردهای کار در حوزه خط در گرافیک طراحی قوی برای عنوان نوشته است. به‌همین‌سان، رهرو این عرصه ملزم است برای ارائه عنوان نوشته، حافظه دیداری قوی داشته باشد. برای این مهم، داشتن بانک جامعی از اشارات تصویری و نوشتاری مورد نیاز است. همچنین، برای کسب مهارت طراحی «عنوان نوشته قوی» هنر سنتی خوشنویسی بسیار کارساز است و با آن می‌توان به ویژگی‌های تصویری و نوشتاری و حروف و کلمات وقوف کامل پیدا کرد. لوگو یا نشانه نوشته همان طراحی و دیزاینی است که بر روی حروف انجام می‌شود. رعایت پنج نکته کلیدی می‌تواند نشانه نوشته را مقبول بینندگان کند:
 ۱- با رسم الخط رسمی کشور هماهنگ و همخوان باشد؛



تصویر شماره ۱۰۴: بیژن صیغوری



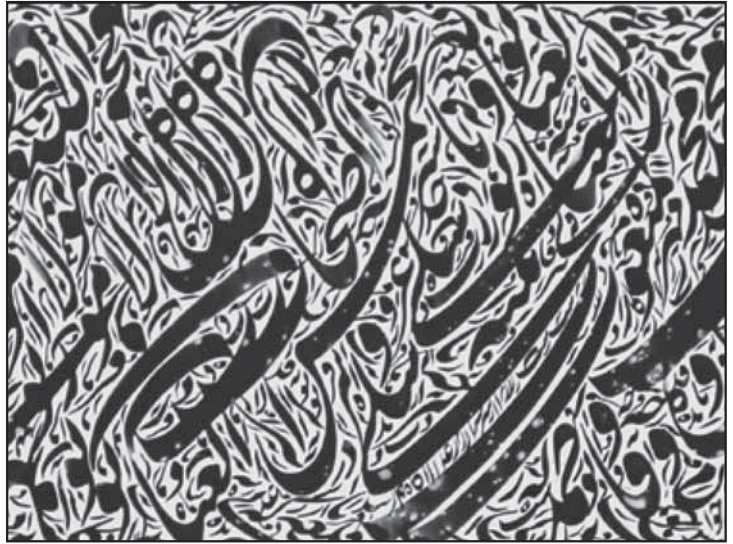
تصویر شماره ۱۰۵: صداقت جباری



تصویر شماره ۱۰۶: صداقت جباری



تصویر شماره ۱۰۷: رضا مافی



تصویر شماره ۱۰۹: نگارنده

حروف و کلمات و جاندار کردن آن‌ها در اشکال مورد علاقه

- توجه به ظرفیت‌های هنر خوشنویسی در فضاسازی، صفحه‌آرایی و مبنای و مؤلفه‌های بصری و ایجاد فضاهای انتزاعی و خیالی نویسی - بارور کردن ذهن خلاق دانش‌آموز و دادن فرصت برای رهاسازی نیروی ذهنی آن‌ها در عرصه سیاه‌مشق‌نگاری و درک روح هندسی خط

- از ویژگی‌های سیاه‌مشق‌نویسی کشف فضاهای تازه و فضاهای انتزاعی و حتی تخیلی یا خیالی نویسی است. (تصویر شماره ۱۱۱) این ویژگی می‌تواند انتظارات زیبایی‌شناختی هنرمند گرافیک را برای رسیدن به هدف برآورده کند. در واقع، با سیاه‌مشق‌های بدیع و تازه می‌توان به زمینه‌های زیبای گرافیکی دست یافت. عبور دادن این زمینه‌ها از صافی معیارهای گرافیکی همان به‌کار بستن آن‌ها در تولیدات آثار «خط در گرافیک» است. (تصویر شماره ۱۱۲)

فعالیت کلاسی

با انتخاب دو یا سه بیت شعر، سیاه‌مشق را در کاغذ B5 (نصف A4) طراحی کنید. در این سیاه‌مشق، فاصله تکرار حروف و کلمات را با زیانه قلم ۳ یا ۴ میلی‌متری به اندازه نیم یا یک میلی‌متر انتخاب کنید. آیا در صفحه سیاه‌مشق حاصل ریتم و حرکت را می‌توانید احساس کنید؟ (تصویر شماره ۱۱۳ و ۱۱۴)

معرفی منابع برای مطالعه

بیشتر

در انتهای این نوشتار یادآوری می‌شود

ظرفیت‌هاست. (تصویر شماره ۱۰۸) در این نوشتار ضمن تعریف سیاه‌مشق، کارکرد هنری و انواع آن تلاش خواهد شد کارکرد دانش‌آموزپسندانه و هنرجوپسندانه آن مورد توجه قرار گیرد. یادآوری می‌شود سیاه‌مشق از چنان نیروی زیبایی‌شناختی برخوردار است که می‌تواند در کلاس خوشنویسی خیزشی تازه ایجاد کند و با جذابیت‌های خود بر علاقه هنرجویان به خط بیفزاید. (تصویر شماره ۱۱۰ و ۱۱۱)

تعریف سیاه‌مشق

تکرار حروف و کلمات و روی هم‌نویسی آن‌ها با هدف تمرین یا تولید اثر هنری است. در سیاه‌مشق انتقال مفهوم ادبی اولویت ندارد بلکه ایجاد فرم و فضا با مواد نوشتاری است که ذهن بیننده با آن‌ها آشناست. همین‌جا یادآوری این نکته ضروری است که خوشنویسی و نظام هندسی خط (نستعلیق) به‌گونه‌ای است که هرچه بیشتر با آن آشنا می‌شویم و زیبایی‌های آن را کشف می‌کنیم، بیشتر به آن دل بسته می‌شویم. جذابیت‌های پنهان و ناشناخته‌ای که به‌مرور بر سالک خوشنویسی آشکار می‌شود، عامل دل‌باختگی او به شمار می‌آید. سیاه‌مشق یکی از قالب‌هایی است که این فرصت را فراهم می‌آورد.

کارکرد آموزشی سیاه‌مشق

از نظر آموزشی مزایای قابل توجهی برای سیاه‌مشق می‌توان برشمرد که چند نمونه آن‌ها به قرار زیر است:

- ایجاد فرصت برای تمرین و دست‌نویسی و آماده‌سازی برای یادگیری
- ویژگی سرگرمی در فرایند شکل‌آفرینی با



تصویر شماره ۱۰۸: رضا مافی

پی‌نوشت:

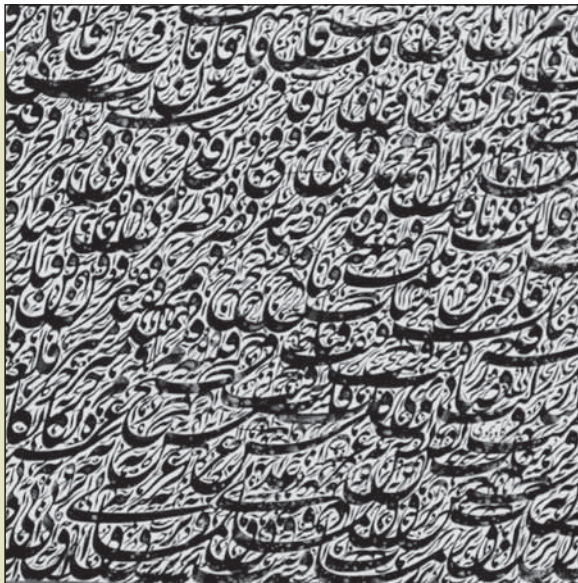
۱. گفت‌وگوی چاپ‌نشده‌نگارنده با دامون خانجنازاده. (۱۳۹۵). مجله‌رشد آموزش هنر.



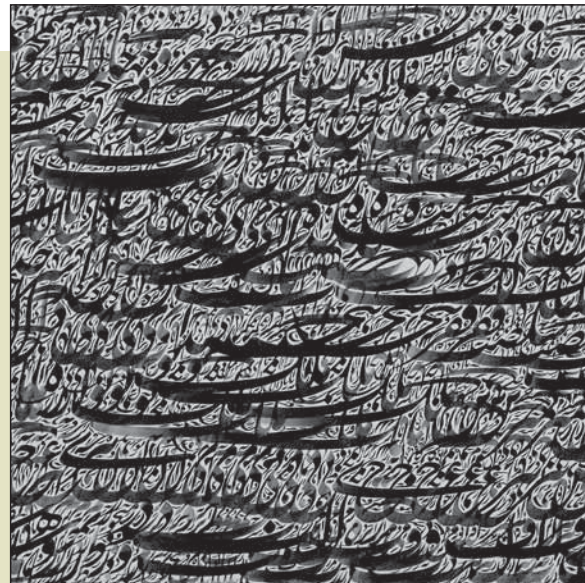
تصویر شماره ۱۱۱: نگارنده



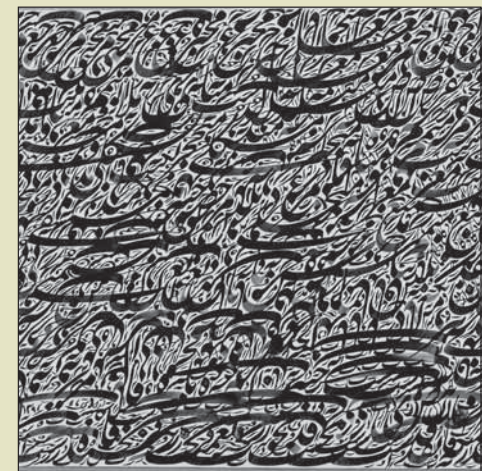
تصویر شماره ۱۱۰: نگارنده



تصویر شماره ۱۱۳: نگارنده



تصویر شماره ۱۱۲: نگارنده



تصویر شماره ۱۱۴: نگارنده

ایران.

- گروه پژوهشی غفراوی. (۱۳۸۸).
لوگوتایپ‌های ایرانی. تهران: نشر سی بال.

❁ نکته پابانی

این نوشتار همان گام نخستینی است که در عنوان مقاله به آن اشاره رفت. هنرآموزان، دانش‌آموزان و دانشجویان علاقه‌مند این گام نخست را محکم برداشته و خود را برای ورود به عرصه وسیع خط در گرافیک آماده کنند. طبیعی است تأکید این نوشتار همان اصل مهمی است که استادان خط در گرافیک نیز بر آن تأکید دارند و آن آشنایی با مبانی خطوط سنتی برای کاربرست در طراحی‌های جدید و تازه است. نکته‌ای که باید آن را زیربنای خط در گرافیک بنامیم.

مبحث خط در گرافیک بسیار گسترده است و هر محقق و جوینده‌ای به تنهایی به تنهایی از آن را مطرح کرده است. استفاده از دستاوردهای تلاشگران این عرصه به گسترش بینش و افزایش دایره معلومات کمک شایانی می‌کند. با در نظر داشتن این نکته، در ادامه تعدادی از آثار ارزشمند این حوزه معرفی می‌شود.

- سعیدی، مهدی. (۱۳۹۳). از خط تا خط. نشر آبان.

- صیفوری، بیژن و مشکي، ساعد. (۱۳۹۱). نشانه‌ها. نشر یساوی.

- رضایی نبرد، امیر. (۱۳۹۲). خوشنویسی و طراحی حروف چاپ دوم. نشر جمال هنر.

- مرزی، محمدعلی. (۱۳۹۰). خوشنویسی و طراحی حروف (۱). چاپ سوم. دانشگاه پیام نور.

- نجابتی، مسعود. (۱۳۹۱). خط در گرافیک. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی



زیبایی‌شناسی، لازمه تدریس هنر در گفت‌وگو با محمد میلانی

معلم هنر باید تخیل خلاق دانش‌آموزان را پرورش دهد

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر

اشاره

امروزه از مفهوم «زیبایی‌شناسی» با اندکی اغماض به «فلسفه هنر» تعبیر می‌شود که یک رشته دانشگاهی است و در آن نظریه‌هایی که اندیشمندان و فیلسوفان در طول تاریخ درباره هنر و امر زیبا مطرح کرده‌اند، آموزش داده می‌شود. سؤال این است که آیا لزومی برای آموزش این علم به دانش‌آموزان نیز وجود دارد. در گفت‌وگوی هیئت تحریریه «رشد آموزش هنر» با محمد میلانی، پژوهشگر حوزه فلسفه هنر این نکته مطرح شد که بهترین راهکار برای نهادینه کردن دید زیبایی‌شناسانه در دانش‌آموزان این است که معلمان هنر تخیل خلاق را در آنان تقویت کنند؛ نه اینکه برای آن‌ها از نظریه‌های فیلسوفان درباره هنر بگویند.



درباره هنر و اثر هنری می‌توان اندیشید و این شاید یک تعریف ساده برای فلسفه هنر باشد؛ یعنی فلسفه هنر از آنجا آغاز می‌شود که ما درباره هنر می‌اندیشیم. هنر پیش از آنکه جنبه تعلیمی داشته باشد، جنبه ترسیمی دارد. کسانی که با هنر آشنایی دارند، مانند انسان‌های عادی، بی‌اعتنا از کنار هنر نمی‌گذرند، زمانی که حتی به یک بشقاب نگاه می‌کنند، پیش از آنکه کارکرد این شیء مدنظرشان باشد، به رنگ‌ها و ترکیبات به‌کاررفته در آن نگاه می‌کنند. این مسئله باعث می‌شود این اشخاص درک متفاوتی نسبت به دیگران داشته باشند و چیزهایی را ببینند که مردم عادی نمی‌توانند مشاهده کنند. بر این اساس، این افراد درک، تفسیر و تعبیر متفاوتی از هنر دارند.

تیموری به این ترتیب، آیا آگاهی از «فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی» می‌تواند دبیران هنر را که کار خودشان آموزش هنر است، پویاتر و موفق‌تر کند؟

زمانی که هر چیزی را در زیرمجموع، فلسفی قرار می‌دهید، ناخودآگاه ممکن است ماهیتی سخت و دشوار برای آن بسازید. می‌خواهم به این نکته برسم که مقوله هنر و فلسفه ساحت‌های متفاوتی دارند اما وقتی مورد هم سنجی قرار می‌گیرند، منشأ مشترکی پیدا می‌کنند. هنر به ذات خود با وضعیت انواع بشر مواجه

تیموری یکی از سؤالات جدی که همواره برای معلمان هنر وجود داشته، چپستی فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی است. به یقین، اگر آموزگاران هنر با این مفاهیم آشنایی کامل داشته باشند، با نگاه نظری قوی‌تری می‌توانند به آموزش هنر به کودکان و نوجوانان بپردازند. به‌عنوان آغاز بحث دیدگاه‌های خود را مطرح فرمایید.

میلانی در صحبت از فلسفه هنر پیش از هر چیز ما متوجه یک پروژه، شیء یا مفهوم هنری می‌شویم که قابل ادراک است و یک تعریف بنیادی دارد. همچنین، این مفهوم قابل‌رؤیت و لمس است؛ بنابراین، فردی را نیز می‌توان به‌عنوان خالق آن شناخت. بر این اساس، می‌توان گفت که اثر هنری پدیده‌ای است که از حیث مادی و حسی می‌تواند به ادراک انواع بشر دربیاید. در راستای این ادراک حسی، سؤالاتی از این قبیل برای ما ایجاد می‌شود: «چگونه می‌توان به این اثر هنری نگاه کرد و آن را از سایر مقوله‌های هنری تمیز داد؟»، «آیا ممکن است دیگران این شیء را که برای ما اثر هنری است، به‌عنوان یک اثر هنری قبول نداشته باشند؟»، «آیا این اثر هنری خاصیت تعلیمی و آموزشی دارد» و ... برای پاسخ دادن به این سؤال‌ها، ما به تعریفی ساختارمند از هنر نیاز داریم. این موارد نشان‌دهنده آن است که



مجتبی بابانیان

بوده است. به عبارتی، هنر نه در آسمان و نه در زمین، بلکه در جایی میانه این دو قرار دارد؛ بنابراین، منشأ یکسانی با فلسفه دارد و چه بسا از فلسفه دشوارتر باشد. برای مثال، وقتی موسیقی شکل می‌گیرد، از یک طرف با ذات انسانی سروکار دارد؛ بنابراین، بخشی از مادیت خود را به کناری می‌گذارد. از طرف دیگر، محتوای خود را از صدای طبیعت (دریا، باد و...) می‌گیرد که با لوازم مادی تولید می‌شوند. از این صحبت‌های من می‌توان نتیجه گرفت که زیبایی‌شناسی ممکن است در ذات اشخاص وجود داشته باشد، اما وقتی از فلسفه که زیبایی‌شناسی در زمره آن است صحبت می‌شود، ممکن است مرزبندی‌هایی صورت گیرد.

❁ آسیابانی بر اساس صحبت‌های شما، ما به تعریف ساده‌ای از فلسفه هنر رسیدیم که همان اندیشیدن درباره هنر است. دبیران هنر چگونه می‌توانند درباره هنر اندیشه کنند؟

بسیار راحت می‌توان این سؤال را در قالب تعریفی برد که پیش‌تر ارائه شده بود اما حرف من این است که بیا باید تعاریف رایج را رها کنیم و به بررسی ذات فلسفه هنر بپردازیم.

اینکه امروزه آموزگار هنر به طرف فلسفه هنر نمی‌آید، طبیعی است؛ زیرا اعتقاد دارد خودش درک دقیقی از فلسفه هنر ندارد که بخواهد آن را به دانش‌آموز مثلاً ۱۵ ساله‌اش انتقال دهد. باید این‌گونه ذهنیت‌ها را تغییر داد؛ چراکه در طول تاریخ، هر نگاه یا آفرینش هنری یا به‌طور کلی هر اتفاق هنری‌ای که افتاد، شاخک‌های فلسفه برای آنکه به درک منطقی از آن برسد، تکان خورد. وقتی به این درک رسید، متأسفانه جایگاه بلندتری به خود گرفت و حتی به هنرمند گفت که هیچ‌کس همانند من به‌عنوان فیلسوف، تو را درک نمی‌کند.

❁ تیموری پس نباید این توقع را داشته باشیم که با بالا رفتن درک از فلسفه هنر، در تولید هنری نیز توفیق بیشتری پیدا کنیم؟

در تولید خیر، اما در درک تولید هنری توفیق بیشتری خواهیم داشت. در اینجا سؤالی مطرح می‌شود: اگر یک هنرمند نقاش از فلسفه به معنای خاص و مباحث فلسفی چیزی نداند، چه اتفاقی در نقاشی‌اش می‌افتد؟ اگر بتهوون، باخ و ... فلسفه نخوانده بودند، چه اتفاقی در تولید هنری آن‌ها می‌افتاد؟ وقتی می‌گویند یک فیلم را تحلیل فلسفی کنید، معنایش این است که فقط فیلسوف آن فیلم را می‌فهمد؟ خیر. بنابراین، همان‌طور که معلم هنر وقتی به سر کلاس می‌رود لزوماً نباید تاریخ هنر بداند، لزوماً نیازی نیز به دانستن مباحث فلسفه هنر از دیدگاه فیلسوفان نخواهد داشت. مهم این است که این معلم به دانش‌آموزان درک هنری بدهد و نوجوانان و کودکان بفهمند که اثر هنری چیست. البته در این میان لزومی هم ندارد که همه دانش‌آموزان را هنرمند بار آورد.

❁ آسیابانی بله، لزومی ندارد که همه دانش‌آموزان در آینده هنرمند شوند، اما همه باید درک هنری داشته باشند و این برای جامعه مفید است.

در برخی کشورها دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی مختلف، تولید هنری را نیز آموزش می‌بینند و برای مثال، یاد می‌گیرند که یک ساز بنوازند، مجسمه بسازند و ... برای آن‌ها مهم نیست که دانش‌آموز می‌خواهد به دانشگاه هم برود یا خیر، اما مهم است که همراه با اخذ دیپلم، تولید هنری خود را نیز به همراه داشته باشد. در ترکیه نیز دانش‌آموزی که دیپلم می‌گیرد، قطعاً بلد است ۱۷ نت موسیقی ملی ترکیه را بنوازد. سؤال این است که آیا به همه این دانش‌آموزان فلسفه هنر را هم آموزش می‌دهند یا این دانش‌آموزان به الزام فلسفه هنر را نیز یاد می‌گیرند؟ قطعاً خیر. اگر چنین بود، در ایالت متحده همه فیلسوف بودند و شرایط آموزش فلسفه و حجم کتاب‌های فلسفی در ترکیه از ایران خیلی بیشتر می‌شد. فلسفه هنر برای آن‌ها یک رشته دانشگاهی است.





هنر در تعلیم و تربیت ما جدی گرفته می‌شود. آموزش هنر وجود دارد اما همان‌طور که خود شما نیز بیان کردید، قرار نیست همه هنرمندان بزرگ و مطرحی شوند. حرف من این است که من معلم هنر، دوست دارم آموزش زیبایی‌شناسی در کلاس با حس و حال بیشتر انجام بگیرد.

✳️ بابایان بحث اصلی ما در مدارس بحث آموزش سواد بصری است. سواد بصری سرلوحه کار است و در آن، طراحی، خوشنویسی، نقاشی و ... آموزش داده می‌شود. همه باید سواد بصری داشته باشند. در این میان، اگر استعداد خارق‌العاده‌ای هم کشف شود، معلم هنر آن را هدایت می‌کند تا به مرحله شکوفایی برسد. مقوله هنر در مدارس به‌جز ارتقای سواد بصری و آشنا کردن دانش‌آموزان با مفاخر هنری وظیفه دیگری ندارد.

یک راه بالا بردن حس زیبایی‌شناسی دانش‌آموزان این است که معلمان برای آن‌ها ادبیات کلاسیک بخوانند. معلمان هنر حتماً باید با ادبیات کلاسیک ایران آشنا باشند و برای ارتقای ذوق ادبی و هنری شاگردان خود، برای آنان برای مثال غزلی از حافظ یا مولانا را بخوانند و آن را در سطح دانش‌آموزان تفسیر کنند. ادبیات زیرمجموعه هنر است و معلمی که با

✳️ تیموری فلسفه هنر به غنی شدن تولید هنری دانش‌آموزان این کشورها کمکی نکرده است؟

به نظر من خیر. برای درک بهتر بیاید دو مقوله را از هم جدا کنیم: نخست، درک و نهادینه شدن زیبایی‌شناسی و دوم، مباحثی که تحت عنوان «فلسفه هنر» به‌عنوان یکی از شاخه‌های فلسفه‌های مضاف در طول تاریخ اندیشه مطرح شده است. البته می‌توان این بخش را هم به‌صورت جزواتی با زبان ساده به معلمان ارائه داد، اما نباید الزامی در این باره وجود داشته باشد. من از شما به‌عنوان یک معلم باسابقه هنر سؤال دارم. آیا تمام رشته‌های هنری به‌طور عام برای دانش‌آموزان تدریس می‌شوند و آیا برای همه این‌ها کتاب‌های درسی هم داریم؟

در دوره ابتدایی درس نقاشی تعریف شده است اما کتابی برای آن وجود ندارد. در دوره متوسطه اول سه کتاب مناسب داریم. در این کتاب‌ها هنرهای آوایی و موسیقی و هنرهای نمایشی و تجسمی شامل خوشنویسی، طراحی، نقاشی، حجم، صنایع دستی و ... آموزش داده می‌شوند. در این سه کتاب ۱۹ هنر مطرح می‌شود. برخی از این هنرها داوطلبانه‌اند و برخی اولویت دارند. اما اینکه در سطح کشور برای تئاتر معلم کافی داریم یا خیر، قطعاً نداریم. این بدان معناست که



محمد میلانی

ادبیات آشنا باشد، می‌تواند تخیل خلاق دانش‌آموز را بارور کند و این تخیل خلاق در زیبا دیدن جهان مؤثر است. به نظر من نباید هیچ‌گونه بحث فلسفی دربارهٔ هنر به دانش‌آموز تحمیل شود. پیشنهاد این است که کتاب «درک زیبایی‌شناسی» تدوین شود. این کتاب لزوماً نباید فلسفی باشد و دانش‌آموزان را درگیر نگاه‌های متعدد کند. در این کتاب که می‌توان آن را به صورت یک واحد درسی هم طراحی کرد، باید درک زیبایی‌شناسی از مقولات هنری و تشویق دانش‌آموز و حتی معلم به اینکه به درس هنر اهمیت دهند، آموزش داده شود. باید به دانش‌آموز یاد داد که مثلاً این اثر هنری، از حیث ساختار، حجم و... معیارهایی دارد که اگر به آن‌ها توجه کند، بهتر می‌تواند آن اثر را بفهمد. اگر بگوییم که مثلاً فلان فیلسوف فلان نگاه را به نقاشی دارد، کارساز نخواهد بود.

همچنین، باید ذهن خلاق و سیال و خیال‌پرداز را در درون دانش‌آموزان تقویت کرد. برای مثال، اگر دانش‌آموز به معلم خود می‌گوید که این تخته‌سیاه شبیه سردر فلان کارخانه است، نشان می‌دهد که وی ذهنی خیال‌پردازانه دارد و معلم باید این ذهن را تقویت کند. قطعاً اگر دانش‌آموزی به این شیوه نگاه می‌کند، در آینده به تولید اثر هنری می‌رسد. در این میان، باید دانش‌آموزان را آزاد گذاشت تا خود به هر شاخهٔ هنری که دوست دارند بروند. این‌گونه نباشد که معلم دانش‌آموزان را فقط مجبور به فراگیری هنر خاصی کند. دانش‌آموزی که به نقاشی علاقه دارد، قطعاً باید فقط نقاشی بکشد. حتی به نظرم اگر دانش‌آموزی به ساز علاقه دارد، معلم باید اجازه دهد که در سایر کلاس‌ها نیز آن دانش‌آموز با ساز خود بازی کند. با این شیوه می‌توان ذهن خلاق و خیال‌پرداز در دانش‌آموزان را تقویت کرد.

اسیابانی تقویت ذهن خیال‌پرداز یا تخیل خلاق دانش‌آموزان خوب است؛ اما به شرط اینکه معلمی باشد که بتواند آن را هدایت کند.

تیموری هدف کتاب‌های درسی هنر نیز

در قدم نخست، پرورش خلاقیت بوده است. در این میان یک چیز مهم است و آن اینکه خیال‌پردازی و پرورش خلاقیت به‌قاعده باشد. به عبارتی، بخشی از هنر قاعده‌مند بودن و بخشی دیگر، یله بودن ذهن و اندیشه است. از اینجاست که نقش معلم برجسته می‌شود.

تیموری به عبارتی، شما اعتقاد دارید که غایت آموزش هنر در وزارت آموزش و پرورش این است که فضای کلاس آزاد باشد و محدود به کتاب نشود؟

دقیقاً. می‌توان جزوه‌های کوچکی در موضوع زیبایی‌شناسی تهیه کرد و در اختیار دانش‌آموزان علاقه‌مند گذاشت.

تیموری برای معلمان هنر چطور؟ یعنی دوره‌های ضمن خدمتی برای معلمان گذاشته شود که در آن فلسفهٔ هنر و زیبایی‌شناسی تدریس گردد تا معلمان بهتر بتوانند آن را به دانش‌آموزان منتقل کنند؟

ایدهٔ بسیار بجایی است و دغدغهٔ من نیز همین است. حتی نشریهٔ رشد آموزش هنر، که مخاطبان عمده‌ای در میان معلمان هنر دارد، می‌تواند بخشی از این رسالت را به دوش گیرد؛ یعنی، درس گفتارهایی در آموزش زیبایی‌شناسی را به صورت مختصر منتشر کند. البته با این قید که این درس گفتارها نباید در قالب جملات قالبی و نظر فیلسوفان باشد. می‌توانید از روش طرح بحثی که در کتاب «مبانی فلسفهٔ هنر» نوشته آن شهپر (با ترجمهٔ علی رامین) مشاهده می‌شود، برای این منظور بهره ببرید. معلمی که بتواند زیبایی‌شناسی را درون خود نهادینه کند، می‌تواند ذهنیت تخیلی و خیال‌پرداز را در ذهن دانش‌آموز ایجاد کند.

برای این کار معلم هنر باید دارای انگیزه شود. معلم هنر اگر انگیزه داشته باشد، می‌تواند تحول ایجاد کند و این با بستن دست و پای او توسط قوانین نظام اداری منافات دارد. باید شرایطی فراهم شود که معلم هنر خود آموزش ببیند تا بعدها بتواند دانش خویش را



محمد آسیابانی

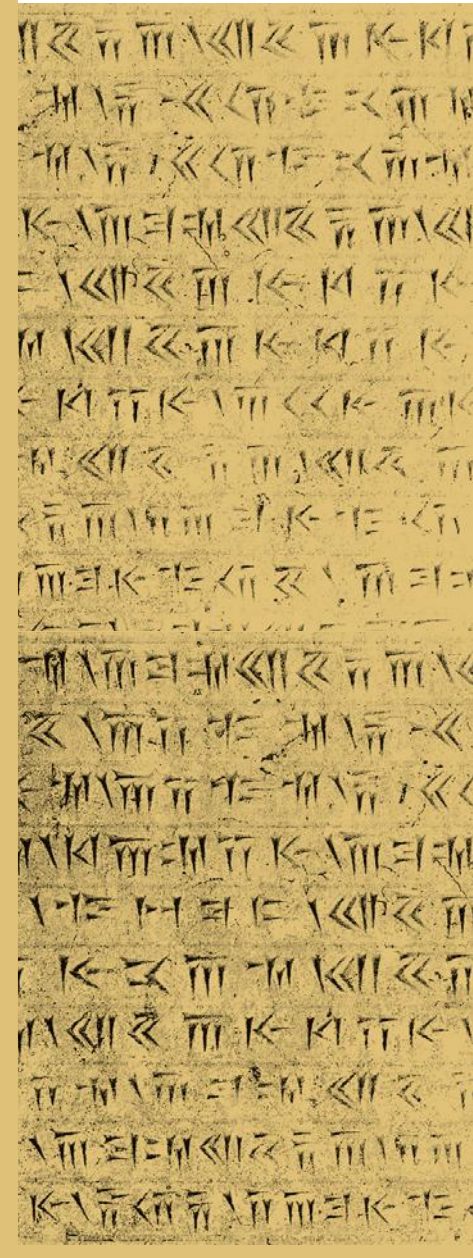
بر دو بال خط و تاریخ

محمدعلی اشرفی

از آن ریشه اولیه آبیاری می‌شود. باین‌حال، خط در روند تکاملی به مراحل کیفی زیبایی‌شناختی خود رسیده است. ویژگی داستان‌گونه و آمیختگی خط با تاریخ مطالب کتاب را برای خواننده (معلم و دانش‌آموز) دل‌نشین و دلچسب و گوارا می‌کند. در واقع، کتاب به‌ویژه زمانی که دوره‌های تاریخ ایران را در آیین سلسله‌های هخامنشی، اشکانی، ساسانی و دوره اسلامی مطرح می‌کند. تأثیر خط را در شکوفایی این دوره‌های مهم سیاسی به‌خوبی بازمی‌نمایاند. تا آنجا که خط به‌عنوان مهم‌ترین رسانه برای قلمروهای گسترده آن روزگار بالاترین کارکرد را در پیام‌رسانی از آن خود کرده است. بازبینی و غور در خطوط تصویری، اندیشه‌نگار و آوایی (آوانگار) نشان می‌دهد که انسان آن روزگار با ابزارهایی ساده چون گل، چوب و تکه‌های نی و سنگ از تمام ظرفیت هنری خود برای تهیه الواح گلی که به‌عبارتی کتابخانه‌های مرسوم آن روزگار بوده‌اند، چگونه بهره گرفته است. در این کتاب به مراحل تربیت کاتب و منزلت وی در جامعه آن دوران توجه شده است. جایی معلم خطاب به دانش‌آموز نوشته است: «ای جوان»، اکنون که سخنانم را از یاد نبردی و پندهای مرا به گوش دل شنیدی، امیدوارم که در فن دبیری مقام بلند پیدا کنی و آن‌چنان ماهر شوی که رهبر همه و سرور یاران بشوی، تو کارهای مدرسه را به‌خوبی انجام داده‌ای و در گروه اهل علم و فضیلت درآمدی.» (ص: ۳۸)

در کتاب و البته در تاریخ خط، خط میخی که مولود بزرگ‌ترین تحول در فرایند تبدیل تصویر به حروف الفبا بوده است، اهمیت زیادی دارد. با دو کتیبه بیستون کرمانشاه و گنج‌نامه همدان بعدها راز سر به‌مهر این خط توسط مستشرقان گشوده شده. شاهان حوادث مهم دوران خود را با خط میخی بر صخره‌های بیرون از دسترس ماندگار می‌کردند و به همین دلیل، امروز همین الواح سنگی مهم‌ترین اسناد به‌شمار می‌آیند. خط رسمی میخی در قلمرو گسترده سلسله‌های باستان

کتاب این فرصت را فراهم آورده که کارکرد و ارزش خط در جوامع گذشته به‌خوبی نمایان شود. دو کارکرد مهم اجتماعی و اقتصادی خط در نظام‌های سیاسی دوره باستان با مثال‌های روشن بیان شده است. به‌همین‌سان، نکته قابل‌توجه و مهم کتاب این است که خواننده پیوستگی و هم‌زیستی «خط و تاریخ» را در طول حیات بشر و دلیل تکامل آن را به‌راحتی درمی‌یابد. خط روایتگر تاریخ است و تاریخ در حرکت تکوینی خود به تکامل خط و سازگار کردن آن با نیازهای بشری تأثیر مستقیم می‌گذارد. نکته مهم‌تر این است که به‌موازات پیشرفت خط و عبور آن از مراحل خط تصویری، خط اندیشه‌نگار و بالاخره خط آوایی یا هجایی، می‌توان مراحل تکوین در تحول معرفتی و زیبایی‌شناختی انسان‌های باستان را دریافت. در حقیقت، دگرگونی در خطوط نشان می‌دهد که چگونه انسان‌ها معرفت زیبایی‌شناختی را آرام‌آرام در کنار کارکرد اقتصادی و اجتماعی با خط همساز کرده‌اند. نشان دادن نقش ابزاری مانند لوح گلی به‌مثابه کاغذ از گذشته بسیار نکته‌آموز است. کودکان برای آموزش نوشتن در «مدرسه الواح» به آموختن می‌پرداختند و لوح گلی یگانه محمل آن‌ها برای نگارش بود. سومریان در بین‌النهرین از نخستین پیش‌گامان ابداع خط تصویری بودند و در این روند، تصویرها را به‌صورت شکل‌های زاویه‌دار روی گل ترسیم می‌کردند، به‌تدریج از این شکل‌های هندسی زاویه‌دار، خط میخی ابداع شده بعدها معلوم شد که خط تصویری برای بیان واژه‌هایی چون عشق، نفرت، عقل، جنگ و ... مابه‌ازای لازم و گویا را ارائه نمی‌دهد. بنابراین، انسان‌ها با ترکیب چند تصویر نمادهایی را برای این واژه‌ها ساختند و به‌این‌ترتیب، خط «اندیشه‌نگار» شکل گرفت. این کار زمینه را برای تبدیل خط اندیشه‌نگار به خط الفبایی یا هجایی فراهم آورد. کتاب نشان می‌دهد که چگونه پیوستگی سیمای ظاهری خط در این روند تحولی حفظ شده است و به‌عبارتی، این میوه ثانویه همچنان





عنوان: داستان پیدایش خط، از کتیبه تا کتاب
نویسنده: جمال رادفر
۲۵۲ صفحه، رنگی، مصور، جدول حروف
ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه، چاپ اول ۱۳۹۳، تهران

تصویر ۱۴۳).

بخش‌هایی ارزنده نیز درباره خطوط اسلامی و تغییر و تحول آن‌ها در گذرگاه تاریخ در کتاب آمده است که خواننده را در این باره به اصل کتاب ارجاع می‌دهیم.

در جمع‌بندی باید ذکر شود که نظام هندسی هر خطی تبلور و تجلی حس زیبایی‌شناختی قوم مبدع آن نیز می‌باشد. در همین کتاب از طریق تصاویر هر معلم و دانش‌آموز می‌تواند «ارزش نظام‌های هندسی خوشنویسانه ایرانی» را در مقایسه با سایر خطوط دریابد. اگر امروز از خط نستعلیق به عنوان عروس خطوط اسلامی یاد می‌شود به این دلیل است که ارزش زیبایی‌شناختی هر حرف آن یک شخصیت ویژه هنری را به خود اختصاص داده است. این نکته نیز در بردارنده معنی مهمی است که چگونه ایرانیان در سایه‌سار فرهنگ اسلامی و عشق و علاقه به مبانی و آموزه‌های قرآن در انتهای پیوستار خط آن را به سرمنزل والاترین شکوفایی رساندند. کافی است خط زیبایی نستعلیق را با خطوط اولیه مقایسه کنیم و به راحتی دریابیم که فاصله زیبایی‌شناختی با آن‌ها به اندازه طول تاریخ است.

کتاب «داستان پیدایش خط از کتیبه تا کتاب» اثری خواندنی، دانش‌آموز‌پسند و مفید برای معلمان و به‌ویژه دبیران هنر است. دبیران هنر می‌توانند با نمایش تصویری کتاب و بیان مطالب بخش خوشنویسی را در کلاس جاذبه‌دار کنند. افزون بر این، مدرسان هنرستان‌ها به‌ویژه برای درس خط در گرافیک می‌توانند از این کتاب به‌عنوان یک منبع غنی بهره‌گیرند. دامن زدن به مباحث کلاس با حضور فعال دانش‌آموزان و ارائه کنفرانس از محتوای این کتاب می‌تواند حافظه بصری و دیداری آن‌ها را از خطوط مختلف دوره‌های باستان غنی کند. بر این اساس، مطالعه این اثر به خوانندگان گران‌قدر مجله توصیه می‌شود.

از عوامل مهم برای تثبیت این نظام‌ها به شمار می‌آمده است. تصاویر خطوط مختلف در کتاب به غنا و درک بهتر اصطلاحات کمک شایانی می‌کند. مؤلف به تناسب هدف‌های رفتاری فعالیت‌هایی را برای مخاطبان خود در نظر داشته است. انجام این فعالیت‌ها، به‌ویژه دست‌ورزی با گل و درآوردن اشکال خطوط برای همذات‌پنداری با روزگار باستان، تمرینی مناسب و اثرگذار است. می‌توان انتظار داشت که دانش‌آموز امروز از نگاه کاتب دیروز به تولید و نگارش خط پردازد و شرایط زمانه و زمینه او را بهتر درک کند. در کتاب از خطوط پهلوی، دین دبیره یا اوستایی نام برده شده و قدری درباره علائم این خطوط سخن به میان آمده است. مرور بر سرگذشت خط در مصر باستان نیز و اشاره به خط هیروگلیف یا خط مقدس از مباحثی است که خواننده می‌تواند برای مقایسه با خطوط بین‌النهرین از آن استفاده کند. در خطوط تصویری مصر باستان نام فرعون و همسرش به شکل بیضی گونه‌ای قاب گرفته می‌شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که دانش‌آموز آن زمان برای یادگیری خط به‌ناچار ۷۰۰ علامت خط هیروگلیف را می‌آموخته است. به همین دلیل، کاتبان در نظام مصریان باستان از منزلت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. از منظر کاتب مصری کتاب دارای شأن بالایی در مصر باستان بوده است. برای مثال، در یکی از نوشته‌های باقی‌مانده از آن روزگار آمده است: «انسان می‌میرد و جنازه او به خاک تبدیل می‌شود و همه مردم روزگار او چهره در نقاب خاک می‌کشد اما این کتاب است که یاد او را از زبانی به زبان دیگر انتقال می‌دهد، نگارش، از یک خانه ساخته شده یا یک صومعه در غرب، یا از یک قلعه شکست‌ناپذیر، یا یک بت در یک معبد سودمندتر است.» (ص ۱۲۲)

شاید بازخوانی چندین باره جمله‌های فوق از نیازهای روزگار ما در موضوع کتاب و کتاب‌خوانی باشد. به‌همین‌سان، معرفی، بیان سرگذشت و مراحل تحول خط چینی با ۳۰۰۰ حرف از فرازهای خواندنی کتاب است. تصویر (ص ۱۳۹ و

نگاهی به آثار استاد محمود فرشچیان در کتاب‌های درسی و

چند پیشنهاد

امیر رضائی نبرد
کارشناس هنر

صرفاً از سر اخلاص و دلسوزی صورت پذیرفته است، حداقل به‌عنوان پیشنهادی علمی و پژوهشی به «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» مورد توجه و پیگیری قرار گیرد. اگر این کاستی‌ها از سوی سازمانی نه‌چندان برجسته و غیرمسئول و نیز دربارهٔ هنرمندی نه‌چندان شاخص مطرح بود، شاید با تسامح می‌شد از آن چشم‌پوشی کرد. لیکن ما با حساس‌ترین و اساسی‌ترین سازمان مسئول در امر آموزش و پرورش کشور و برجسته‌ترین نگارگر یا هنرمند ایرانی سروکار داریم. بدون تردید، اگر این آسیب‌شناسی، مصداقی از نقد علمی و سازنده باشد، می‌تواند در اتخاذ سیاست‌های کلان و راهبردی وزارت آموزش و پرورش، دربارهٔ موضوع این نوشتار، مؤثر و کارآمد باشد.

نگاهی به کتاب‌های درسی آموزش هنر با موضوع زندگی و آثار استاد محمود فرشچیان

- در معرفی و بررسی آثار فرشچیان، از واژهٔ نارسا و بیگانهٔ مینیاتور غربی به‌جای نگارگری استفاده شده است.
- مجموعه آثار هنرمند (تکنیکی و کاربردی) اساساً تا قبل از انتشار کتاب‌ها معرفی نشده‌اند.
- فرم ظاهری و لایه‌های باطنی و مضامین حکمی، فلسفی، عرفانی و ... مستتر در آثار فرشچیان برای هنرآموزان بررسی و تحلیل نشده است.
- آثار مربوط به هنرمند، شناسنامه ندارند؛ صرفاً به نام آن‌ها اشاره شده و از بیان اسلوب (تکنیک، فن)، ابعاد و سال خلق اثر

دورهٔ گذشته (۱۳۹۰-۱۳۶۲)

انعکاس زندگی و آثار استاد محمود فرشچیان در قالب کتاب‌های آموزش هنر، اقدامی شایسته از طرف آموزش و پرورش بوده است. این اقدام علاوه بر شناساندن بعد فنی آثار هنرمند که می‌تواند آموزشی و الهام‌بخش و مشوق دانش‌آموزان و هنرآموزان مستعد باشد، یادآور تکریم و بزرگداشت چهره‌های ماندگار و مفاخر هنری است که همواره آموزه‌های انسانی و اسلامی بر آن تأکید کرده‌اند. از این نظر، اقدام سنجیدهٔ «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» وزارت آموزش و پرورش به‌ویژه دربارهٔ شخصیتی بلندآوازه و جهانی چون محمود فرشچیان، درخور تحسین و ستایش بسیار است.

از منظر دیگر و در کنار این محاسن، کاستی‌ها و معایبی به چشم می‌خورد که نگارنده با رصد دقیق کتب آموزش هنر مربوط به زندگی و آثار فرشچیان در چند دههٔ اخیر، فهرستی از این موارد را تهیه کرده است. همان‌گونه که آشکار است، گمنام بودن یک هنرمند-البته فرشچیان در این مورد استثناست- سزاوار و شایسته‌تر از معرفی خام و نادرستی است که ممکن است ذهن پاک و خلاق چند میلیون دانش‌آموز را از شناخت حقیقت و آموزه‌های درست اخلاقی و هنری وی بازدارد. در عین حال این موارد، صرفاً به این کتاب و فقط قالب روایت داستانی محدود نمی‌شود بلکه نظری کلی است و می‌توان آن را به دیگر آثار مرتبط با فرشچیان تعمیم داد. امید است که این توصیه‌ها و شناخت نقاط قوت و ضعف، که



- قرار گرفتن درس هنر نگارگری به‌عنوان یکی از هنرهای مستقل در ذیل شاخه صنایع دستی.
- نگاشتن مطالب تخصصی توسط مسئولان و نویسندگان متخصص درباره زندگی و آثار استاد فرشچیان.
- پرداختن به چگونگی تحصیلات دوره ابتدایی، متوسطه و تکمیلی هنرمند (اروپا) که می‌تواند هر چند به شکل مختصر، الهام‌بخش دانش‌آموزان باشد.
- پرداختن به دستاوردها و خدمات فرهنگی و هنری هنرمند، از جمله آثار موزه‌ای و نمایشگاهی، آثار منتشره، تدریس، داور، سخنرانی و عضویت‌های هنرمند در مجامع بین‌المللی و مشارکت و بنیان‌گذاری مراکز فرهنگی و هنری.
- پرداختن به افتخارات هنرمند، از جمله جوایز، بزرگداشت‌ها و یادبودها که در انگیزش و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان مؤثرند.
- درج نظرات برجسته‌ترین مقامات و منتقدان و هنرشناسان بین‌المللی چون میور و ماتسورا (مدیران پیشین یونسکو) درباره سبک و آثار فرشچیان.
- پرداختن به جنبه‌های مختلف شخصیت واقعی هنرمند از قبیل جهان‌بینی و باورهای هنرمند، ویژگی‌های اخلاقی و علاقه‌مندی‌های وی.
- بهره‌بردن از وجود خود هنرمند و پیشنهادها، توصیه‌ها و تجارب جهانی ایشان در جهت تدوین سیاست‌های کلی مقوله هنر و تألیف کتب درسی و آموزشی هنر.

پرهیز شده است. در برخی آثار، چون «گلستان آتش»، در کتاب دوم راهنمایی (۱۳۷۷)، از همین عنوان نیز پرهیز شده است!

- آثار هنرمند که دارای غنا و ارزش‌های خطی و به‌ویژه رنگی منحصر به فردی هستند، با کیفیت نامطلوبی منتشر شده‌اند.
- برخی از آثار، ناقص منتشر شده‌اند. یعنی بخشی از اثر، به شکل غیراصولی برش خورده است.

پیشنهادهایی برای دوره فعلی

- انتخاب نمونه، شاخص و قدرتمند هنرمند برای آموزش.
- استفاده از اطلاعات مربوط به زندگی هنرمند که علمی و مستند هستند.
- پویایی، به‌روز بودن اطلاعات در موضوع هنرمند.
- پرداختن به هنر ارزشمند فرشچیان، با بیان تعامل و ارتباطات مؤثر آموزشی با جریان‌ها و مکاتب هنری کلاسیک و معاصر بین‌المللی.
- استناد علمی و ذکر منابع به‌عنوان رکن اصلی کار آموزشی و پژوهشی در کتاب‌های آموزش هنر.
- پرداختن به سرفصل‌ها و عناوین اصلی رشته هنر، چون تاریخ هنر، نقد هنر، فلسفه و حکمت هنر به‌عنوان پیش‌زمینه‌ای برای درک عمیق و بهتر آثار فرشچیان (به‌تناسب مقطع تحصیلی و رشد هنری دانش‌آموز).
- نظارت اصولی بر محتوای علمی، آموزشی و پژوهشی کتاب‌های آموزش هنر در موضوع زندگی و آثار استاد فرشچیان.

کاغذ ابری

مهارت و تخیل با هم



کتاب کاغذ ابری ابروباد تألیف دکتر کاظم ملیچ از استادان دانشگاه سارایوو در کشور بوسنی هرزگوین است. این کتاب از آن جهت برای معرفی انتخاب شده که تفاوت در ساخت و ساز کاغذ ابروباد را در مقایسه با کاغذ ابروباد ایرانی به خوبی به نمایش می‌گذارد. این تفاوت‌ها خود را در انتخاب رنگ‌ها، فرم‌ها، ترکیب‌بندی و ساختار نشان می‌دهد. اگرچه روح حاکم بر کاغذهای ابروباد و تکنیک ساخت آن‌ها یکسان است، بیننده اهل تأمل درمی‌یابد هنر در هر سرزمین و در هر فرهنگی بازتاب ذوق زیباشناختی مردم همان سرزمین و فرهنگ است. در کنار این موضوع، مهارت و تخیل و حس انگیزی در فرم‌ها و رنگ‌ها و تلفیق آن‌ها در کاغذ ابروباد وجود بیننده را سرشار از شوق می‌کند. نقش بدیع کاغذهای ابروباد کتاب، بیشترین تأثیر را از کاغذسازی عثمانی قدیم گرفته است اما شادابی و شادمانی نقشه‌های طبیعی سرزمین سازنده را نیز انعکاس می‌دهد. گاهی کاغذ ابروباد جنگل‌های سرسبز آن دیار را به نمایش می‌گذارد و گاهی یادآور سبزه‌زارهای





بی‌انتهایی است که شادی طبیعت را در کاغذ جان دوباره بخشیده است. انتقال طرح‌های کاغذ ابروباد بر ظروف سنگی، پارچه‌ها، روی جلد کتاب‌ها و چرم کیف‌ها و حواشی زیبا در قاب‌ها نشانه ظرفیت فوق‌العاده این طرح‌هاست. نکته دیگر این است که دیدن کاغذهای ابروباد متنوع، ذوق لازم را برای شروع کار عملی در هر دبیر هنر و به تبع آن در دانش‌آموزان برمی‌انگیزد. انصافاً در روش‌های عملی یکی از تکنیک‌هایی که دانش‌آموزان درس هنر هیچ‌گاه از آن خسته نمی‌شوند، ساختن کاغذ ابروباد است؛ زیرا این کار علاوه بر جنبه عملی، قوه تخیل را در آن‌ها دامن می‌زند. کاغذ ابروباد با آن همه طرح‌های بدیع به‌راستی تداعی‌کننده معنی ابروباد نیز می‌باشد؛ زیرا با دیدن طرح‌های ابروباد این کتاب انسان با هنر به‌عنوان «سازمانی بدون مرز» مواجه می‌شود. امیدواریم دبیران هنر با دیدن طرح‌های انتخابی این کتاب کار ساخت ابروباد را که کاربردهای زیادی دارد، جدی بگیرند و از این طریق به تملیق حس زیباشناختی دانش‌آموزان کمک کنند. حال برخی طرح‌ها را با هم نگاه می‌کنیم.





فرهنگ نامۀ هنر آینه‌ای برای هنرهای مدرسه

رشد آموزش هنر

نیک می‌دانیم که بعد از تغییر محتوایی کتاب‌های هنر متوسطه اول و همچنین تألیف کتاب جدید هنر برای دوره متوسطه دوم (سال دهم و یازدهم) به تعداد هنرهای مورد آموزش افزوده شد در عین حال، تاکنون فرصت لازم برای آموزش دبیران هنر به‌ویژه در بخش‌های موسیقی و تئاتر فراهم نشده است به همین دلیل، این کتاب مددکار خوبی برای دبیران هنر و مدرسان هنرستان‌ها خواهد بود که آن‌ها را با جدیدترین تعاریف و اصطلاحات در قالبی چکیده آشنا می‌سازد ایده دیگری که به ذهن می‌رسد این است که بعد از جای گرفتن کتاب در کتابخانه مدرسه، دانش‌آموزان مستعد با راهنمایی دبیر هنر خود و بر اساس ذوق و علاقه‌شان بخش‌هایی را برای ارائه کنفرانس در کلاس انتخاب کنند؛ این کار شوق مطالعه و راه یافتن به گنجینه ارزشمند اطلاعات هنری را در آن‌ها ایجاد و تقویت خواهد کرد. کتاب به‌طور ویژه برای دانش‌آموزان متوسطه دوم، که کتاب هنر آن‌ها بر مدار تحلیل و نقد هنری دایر شده، بسیار راهگشاست و قدرت آن‌ها را در تفسیر و توصیف اثر هنری ارتقا می‌بخشد چنانچه جاذبه فرهنگ‌نامه هنر دبیران و مدرسان هنر را به محتوای آن رهنمون شود، می‌توان امیدوار بود که به یکی از کتاب‌های بالینی آن‌ها تبدیل گردد؛ کتابی که بازخوانی و بسیار خوانی آن تدریس مباحث نظری هنر را روان و آسان خواهد کرد.

به همین سان، وجود نمایه و واژه‌نامه (فارسی - انگلیسی) شرایط استفاده از کتاب را تسهیل می‌کند. معلم خوش ذوق هنر می‌تواند با تهیه منابع لازم و مورد نظر خود از کتاب، درس هنر را با فناوری تدریس همراه کند و بر نگرش هنری دانش‌آموزان خود تأثیر گذارد خاصه اینکه این کتاب مواد اولیه مطلوبی را برای پیوند مباحث هنری و فناوری‌های دیجیتال فراهم ساخته است گفتنی است که پیوند هنر و فناوری یکی از نقطه‌های عزیمت نوآورانه در تدریس مقوله فرادرسی هنر به شمار می‌آید. در یکی از پژوهش‌های پژوهشگاه تعلیم و تربیت در موضوع هنر، تعداد دبیران هنر (متخصص و غیرمتخصص) ۲۵ هزار نفر برآورد شده

کتاب فرهنگ‌نامه هنر حاوی مهم‌ترین مبانی، مفاهیم، اصطلاحات و اطلاعات هنرهای دیداری، شنیداری و نمایشی اثر تألیفی محمد شمخانی، محقق عرصه هنر به زیور طبع آراسته شد. این اثر آن‌چنان که در مقدمه کوتاه آن آمده، کتابی است که «محتوای آن نه طول و تفصیل دایره المعارف را دارد و نه ایجاز و اختصار لغت‌نامه را. به بیان دیگر، اساس کار فرهنگ‌نامه بر ارائه چکیده‌ای جامع و درست و دقیق از مهم‌ترین مضامین و مفاهیم مربوط به یک موضوع است بدین اعتبار، فرهنگ‌نامه هنر مرجعی از نوع خود به زبان فارسی است که در آن کلیدی‌ترین مبانی، مفاهیم، اصطلاحات و اطلاعات مربوط به هنرهای زیبا به زبانی روشن و روان و به کمک تصاویر رنگی بازگو شده است». کتاب فرهنگ‌نامه هنر دایره گسترده‌ای از هنرها را در بر گرفته است نکته مهم این اثر پرداختن به هنرهای بومی و ملی است اتفاقاً بر پایه همین ویژگی است که ارتباط کتاب با نظام تعلیم و تربیت هنری کشور آغاز می‌شود طرح موضوع کلی هنر، طراحی، نقاشی، نگارگری (مینیاتور)، کاریکاتور، تصویرسازی، خوشنویسی، چاپ و چاپ دستی، طراحی گرافیک، عکاسی مجسمه‌سازی (پیکره‌سازی)، معماری، موسیقی و موسیقی ایرانی، تئاتر، سینما، پویانمایی (انیمیشن)، و تلویزیون محورهای اصلی و بخش‌های تشکیل‌دهنده کتاب‌اند که به‌طور تقریبی رد پای آن‌ها در کتاب‌های هنر دوره متوسطه اول و هنرستان‌های هنری کشور دیده می‌شود از این منظر، فرهنگ‌نامه هنر رسانه‌ای کمک‌آموزشی برای دبیران و مدرسان هنر به شمار می‌آید صفحه‌آرایی و تصاویر شکیل و رنگی این کتاب به خوشخوانی آن مدد می‌رساند و خوانش آن را دل‌نشین و گوارا می‌کند با مرور این کتاب کم‌وبیش احساس می‌کنید که جای آن به‌عنوان کتابی مرجع در کتابخانه مدرسه‌ها خالی است.



فرهنگ‌نامه هنر، ۳۴۴ صفحه مصور، رنگی، رحلی کوچک، کاغذ گلاسه، جلد سخت، تألیف محمد شمخانی، نشر طلایی، چاپ اول ۱۳۹۶ شماریان ۳۰۰۰



بود از این نکته این‌گونه استفاده می‌شود که علاوه بر دبیران هنر با تحصیلات مرتبط، این دبیران غیرمتخصص هنر هستند که نیازهای آن‌ها می‌تواند با کتاب فرهنگ‌نامه هنر برطرف شود. بنابراین، معرفی هرچه بهتر این کتاب و ذکر ضرورت استفاده از آن در کلاس برای گروه‌های استانی درس هنر امری لازم است. شاید یکی از روش‌ها این باشد که سرگروه‌های استانی برای معرفی کتاب کار گاهی پیش‌بینی کنند. ناشر محترم در کاربست شیوه‌های مبدعانه چاپ، صحافی، صفحه‌آرایی و پیوند متن و تصویر، نهایت‌اهتمام را به خرج داده که امید است مورد توجه اهل هنر قرار گیرد. همت مستدام مؤلف کتاب را در پدید آوردن چنین اثر ارزشمندی ارج می‌نهمیم و امیدواریم در آینده شاهد سایر کارهای وزین ایشان باشیم.



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

• رشد آموزش ابتدایی • رشد تکنولوژی آموزشی

• رشد مدرسه فردا • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

• رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی

• رشد آموزش هنر • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی

• رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا

• رشد آموزش زبان‌های خارجی • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک

• رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد مدیریت مدرسه

• رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و گاردانش • رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

• نشانی: تهران، خیابان ابرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

• تلفن و نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۲۷۸

• وبگاه: www.roshdmag.ir



اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال

رشد برای رشد

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه راه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۴۳۳۰۴۸۴۹۰ لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد: میزان تحصیلات:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵

♦ تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

Email: Eshterak@roshdmag.ir

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال



گنبد غفاریه

گنبد غفاریه یکی دیگر از مزارهای پنج گانه شهر مراغه است که در فاصله بین سال های ۷۲۵ و ۷۲۸ قمری (دوره ایلخانیان) ساخته شده است. این بنای مربع و آجری بر بالای سکویی سنگی به ارتفاع ۲ متر و سردابه ای عمیق ساخته شده و چهار گوشه آن با ستون هایی که تزیینات آجری لوزی شکل دارند، زینت یافته است.

سرردشمالی

جلو خان بزرگ آن، رو به شمال دارد و دارای یک طاق نمای بزرگ و دو طاق نمای باریک و بلند است. در بالای آن دو سطر کتیبه دیده می شود. هر یک از اضلاع طرفین و عقب نیز دارای دو طاق نما و یک حاشیه مکتوب است. طاق نمای مرکزی را تزیینات زیبای معقلی مرکب از آجر و کاشی های الوان سیاه و سفید و فیروزه های و دو کتیبه به خط ریحان آرایش می دهد. تمامی خطوط به کار رفته در این بنا ریحان است و رنگ کاشی های آن مخلوطی از رنگ آبی دریایی و آسمانی است.

اضلاع دیگر

در نماهای جانبی و نمای عقبی در هر یک طاق نما دو پنجره قرار دارد. بالای هر پنجره، که در چهار چوبی مستطیل قرار گرفته، با نقوش بسیار زیبایی از آجر و کاشی مینایی تزیین شده است. بالای این تزیینات نواری قرار گرفته که با سه نشان خانوادگی صاحب آرامگاه (چوگان داران) آذین شده است. فضای داخلی بنا مربع شکل و همانند بیرون، اضلاع آن متشکل از دو طاق نمای بلند بدون تزیین و تکلف است.

نشان انحصاری چوگان

برخی از عناصر معماری گنبد غفاریه برای اولین بار در ایران به کار رفته است؛ مثلاً در ضلع جنوبی، شرقی و غربی بنا از نشانی به نام چوگان دار استفاده شده که در بنای دیگری در ایران مشاهده نشده است. این نشان به نوعی هویت بنای غفاریه را مشخص می کند. همچنین، اولین نشانه های حضور کاشی معرق را در این بنا می توان ردیابی کرد.





اثر: رضا بدرالسماء